

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان مطالعات

سال ۵، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۸۶

شماره ۱۳

فصلنامه علمی- پژوهشی

دانشگاه الزهراء

پژوهشکده‌ی زنان

دانشگاه الزهراء

دکتر زهره خسروی

دکتر خدیجه سفیری

صاحب امتیاز

مدیر مسئول

سرمدیبر

پانته‌آ محقق

محمدحسین هاشمی

وفا سرمست

اشرف موسوی‌لر

کبری مهرابی کوشکی

ویراستار فارسی

ویراستار انگلیسی

طراح و صفحه‌آرا

طراح جلد

کارشناس نشریه

انتشارات دانشگاه الزهراء

فصلی

۱۳۴/۱۴۰۶

۳/۲۹۱۰/۱۱۱۹

۱۵۰۰

ناشر

ترتیب انتشار

شماره‌ی پروانه‌ی انتشار

شماره‌ی علمی- پژوهشی

شمارگان

<http://JWS.alzahra.ac.ir/>

وب‌گاه

تهران، میدان ونک، خیابان ونک

۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

۸۸۰۵ ۸۹۲۶

۸۸۰۴ ۹۸۰۹

۲۰۸۰ داخلی ۸۸۰۴ ۴۰۵۱-۹

women\_rc@alzahra.ac.ir

نشانی

کد پستی

تلفن

فکس

تلفن عمومی

پست الکترونیک

## هیئت تحریریه

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر زهرا افشاری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر زهره خسروی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر زهرا رهنورد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر باقر ساروخانی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر خدیجه سفیری
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فاطمه علایی رحمانی
استادیار و عضو هیئت علمی (UK) Southampton University	دکتر کاتلین کندال
استاد و عضو هیئت علمی (USA) South West Missouri State University	دکتر شهین گرامی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر شکوفه گلخو
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمدمصدق مهدوی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر گلنار مهران

## داوران این شماره

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر زهرا افشاری
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فریبا حاجعلی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران	دکتر الهه حجازی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی جغرافیه، دانشگاه تهران	دکتر فزیله خانی
عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر اکرم خمسه
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر خدیجه سفیری
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران	دکتر حسین شعبانعلی فمی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فاطمه علایی رحمانی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم	دکتر پوران دخت فاضلبیان
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران	دکتر علی‌رضا محسنی تبریزی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه تهران	دکتر صدیقه وسمقی

فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* درجه‌ی علمی-پژوهشی را  
با شماره‌ی ۱۱۱۹/۲۹۱۰/۳ در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۰  
از وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری دریافت نمود.

## فهرست

- ۵ نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور  
دکتر کاووس حسن‌لی  
قاسم سالاری
- ۲۷ بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل  
در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی، و خدماتی. مراکز غیردولتی شهر تهران  
دکتر زهره خسروی  
میترا خاقانی فرد
- ۴۵ شکاف جنسیتی در کاربرد کامپیوتر و اینترنت  
بررسی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران  
دکتر سوسن باستانی  
شهناز میزبان
- ۶۵ اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوردار-میمه و فلاورجان استان اصفهان  
و ارزیابی تأثیر آن بر خودتکایی اقتصادی آن‌ها  
دکتر امیرمظفر امینی  
مهندس محمدعلی احمدی شاپورآبادی
- ۹۳ تعیین اثربخشی کارگاه آموزشی کلیشه‌های جنسیتی  
بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی زنان و مردان شهر اصفهان  
دکتر فاطمه بهرامی
- ۱۰۷ تحلیل ماهیت نفقه  
با رویکرد قوانین کنونی ایران و برخی کشورهای دیگر  
دکتر فهیمه ملک‌زاده

## یادآوری به نویسندگان

- مقاله، تایپ‌شده و حداکثر ۶۰۰۰ واژه باشد.
- مقاله‌های رسیده نباید پیش‌تر در مجله‌های فارسی‌زبان داخل یا خارج کشور چاپ شده‌باشد.
- نام کامل، رتبه‌ی دانشگاهی یا جای‌گاه علمی (به فارسی و انگلیسی)، نشانی الکترونیکی، و خلاصه‌یی از زندگی‌نامه‌ی علمی نویسنده(گان) آورده‌شود.
- چکیده‌ی مقاله حداکثر در ۲۰۰ واژه به زبان‌های فارسی و انگلیسی، همراه با واژگان کلیدی نوشته‌شود.
- فرستادن دو نسخه از مقاله الزامی است و مقاله‌های رسیده بازگردانده‌نمی‌شود.
- متن تایپ‌شده‌ی کامل و نهایی مقاله و چکیده‌ی آن، به صورت فایل سازگار با **Microsoft® Word** یا متن Unicode با مقاله فرستاده‌شود.
  
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام نویسنده(گان)، سال انتشار، و صفحه‌ی منبع درون پرنانتر نوشته و در مورد اصطلاحات و نام‌های خارجی، اصل آن در پانویس آورده‌شود.
- منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله با نگرارش زیر آورده‌شود:  
**کتاب‌ها:** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال انتشار. نام کتاب. شماره‌ی جلد و چاپ.  
نام برگرداننده به فارسی. محل انتشار: نام ناشر.  
**مقاله‌ها:** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال انتشار. «عنوان مقاله.» نام مجله دوره/سال(شماره): شماره‌ی صفحات.
- برای آگاهی از شیوه‌ی درست آماده‌سازی مقاله و روش نگرارش منابع بنگرید به **شیوه‌نامه‌ی مطالعات زنان** در <http://jws.alzahra.ac.ir/editor/styles.htm>
  
- نشریه‌ی **مطالعات زنان** ترجیح می‌دهد نوشتارهایی را چاپ کند که دست‌آورد پژوهش‌های ایرانی درباره‌ی مسائل زنان در ایران باشد.
- نشریه در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقاله‌ها، به عهده‌ی نویسنده(گان) است.

## نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور

دکتر کاووس حسن‌لی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه شیراز

قاسم سالاری

دانش‌جوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

مطالبات حقوقی زنان در کشورهای غربی از سده‌ی نوزده میلادی، به‌صورت جنبش‌های فمینیستی شکل‌گرفت. این جنبش‌ها به‌سرعت در کشورهای درحال‌توسعه گسترش یافت و به گونه‌ها و شکل‌های مختلف ظاهر شد.

سیمین دانشور، نخستین نویسنده‌ی زن ایرانی است که در تمام آثار خود، به شیوه‌های گوناگون، در پی بیان حقوق از دست‌رفته‌ی زنان است. او که به‌صراحت خود را فمینیست می‌داند، به نوعی از فمینیسم ایرانی و شرقی معتقد است که در آن از زیاده‌روی فمینیسم غربی خبری نیست. در فمینیسم دانشور جلوه‌هایی از فرهنگ دیرینه‌ی مردسالار، ناهنجاری‌های رفتاری مردان، مظلومیت و ستم‌دیدگی زنان، و بزرگداشت زن، آشکارا بازتاب می‌یابد.

این نوشتار، بدون آن که بخواهد متن آثار دانشور را ساختارشکنی کند و در لایه‌های زیرین متن به جست‌وجوی عناصر فمینیستی بپردازد، نشانه‌های ساده و آشکاری از فمینیسم را، در سطح آثار دانشور، بازخوانی می‌کند و در یک تقسیم‌بندی کلی، برخی از جلوه‌های آن را نشان می‌دهد.

### واژگان کلیدی

زن؛ فمینیسم؛ فمینیسم غربی؛ سیمین دانشور؛ ادبیات زنانه؛ مردسالاری؛

«هیچ تعریف جامع و واحدی از فمینیسم<sup>۱</sup> وجود ندارد.» (مکاریک ۱۳۸۴: ۳۸۷)؛ اما «زن» همواره، موضوع هسته‌ی و بنیادی مباحث فمینیستی است. نقد فمینیستی «می‌کوشد تا نشان دهد که جامعه‌ی مردسالار بر چه سازوکارهایی استوار است و چه سازوکارهایی از آن محافظت می‌کند و هدف نهایی آن دگرگون ساختن مناسبات اجتماعی است. فمینیست‌ها به این دلیل از این کنش دگرگون‌کننده دفاع می‌کنند که معتقد اند جامعه‌ی مردسالار به نفع مردان عمل می‌کند و منافع مردان را برتر از دیگران قرار می‌دهد. نتیجه‌ی منطقی چنین اعتقادی این تصور است که جامعه‌ی مردسالار بر زنان ستم روا می‌دارد.» (همان)

پیشینه‌ی مباحث فمینیستی را می‌توان تا آغاز دوره‌ی بیداری اروپا پی‌گیری کرد و آن را با رویدادهای فرهنگی انقلاب صنعتی پیوند داد؛ اما «اصطلاح فمینیسم یا فمینیست تا اواخر قرن نوزدهم وارد نظام واژگانی نشده بود؛ هرچند بسیار پیش از آن، برخی آثار در مورد حقوق زنان به رشته‌ی تحریر درآمده بود.» (سجادی ۱۳۸۴: ۸)

فمینیسم در شیوه‌ها و گرایش‌های گوناگون پدید آمده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به فمینیسم رادیکال<sup>۲</sup>، فمینیسم سوسیال<sup>۳</sup>، فمینیسم لیبرال<sup>۴</sup>، فمینیسم اگزیستانسیال<sup>۵</sup>، فمینیسم پسامدرن<sup>۶</sup>، و دیگر گونه‌ها اشاره کرد. تمام این گونه‌های فمینیسم، از ادبیات، هم‌چون قالبی برای بیان مقاصد خود بهره می‌برند؛ چنان‌که *ویرجینیا وولف*<sup>۷</sup>، به‌عنوان پیش‌گام نویسندگان فمینیست، با استفاده از یک راه‌کار نگارشی در *اتاقی از آن خود*<sup>۸</sup>، به گمنامی زنان، تاریخ ادبیات زنان، تأثیر سبک و ارزش‌های مردانه در نوشته‌های زنان، خشم و نفرت و مخاطرات آن برای هنرمند، تحلیل رمان به‌عنوان گونه‌ی اصلی نوشتار زنان، پیش‌بینی آینده‌ی زن و داستان، تأکید بر وجوه مادی زندگی و تأثیر آن بر نویسندگی زنان، و مسائلی از این دست پرداخته است (وولف ۱۳۸۴: ۱۲-۱۴).

بی‌توجهی عمومی به آثار نویسندگان زن باعث شده بود تا برخی زنان نویسنده از نام‌های مردانه استفاده کنند. *مری ان اوتز*<sup>۹</sup>، بانوی رمان‌نویس انگلیسی در قرن نوزدهم، برای غلبه بر این مشکل، از نام مذکر *جورج الیوت* استفاده کرد و *سیمین دانشور*، در مقالاتی که در دهه‌ی ۱۳۳۰ برای رادیو تهران و روزنامه‌ی ایران می‌نوشت، نام مستعار «شیرازی بی‌نام» را برای خود برگزید (پاینده ۱۳۸۱).

<sup>1</sup> Feminism

<sup>2</sup> Radical Feminism

<sup>3</sup> Social Feminism

<sup>4</sup> Liberal Feminism

<sup>5</sup> Existential Feminism

<sup>6</sup> Postmodern Feminism

<sup>7</sup> Woolf, Virginia (orig. *Adeline Virginia Stephen*) (1882–1941) رمان‌نویس و منتقد بریتانیایی

<sup>8</sup> *A Room of One's Own* (1929)

<sup>9</sup> Eliot, George (orig. *Mary Ann Evans*, later *Marian Evans*) (1819–1880) رمان‌نویس بریتانیایی



در تاریخ ادبی ایران، زنان نویسنده یا شاعر با مشکلات خاصی روبه‌رو بوده‌اند. پروین اعتصامی به دلیل آن همه رنج و بی‌عدالتی، که در زندگی خود و هم‌جنسان می‌دید، ناچار شد در برابر فرهنگ مردسالار دست به اعتراض زند:

«به هیچ مکتب و دیباچه‌ی قضا نوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان.» (اعتصامی ۱۳۷۴: ۲۵۳)

و از سرنوشت خود و زنان هم‌وطن‌اش این‌چنین شکوه سردهد:

«ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی؟

جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی؟» (همان: ۳۹۹).

در کنار این محرومیت عمومی، زنان از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز مانع بروز خلاقیت ادبی زن ایرانی می‌شد و آن را از رشد طبیعی محروم می‌کرد (میلانی ۱۳۶۵: برگرفته از دهیاشی ۱۳۸۳: ۸۷۰) و اساساً یک زن نویسنده از طرف منتقدان ادبی چندان جدی گرفته نمی‌شد و به همین دلیل اگر نوشته‌ی یکی از زنان نویسنده می‌توانست از سد بی‌توجهی منتقدان ادبی بگذرد، باز هم به دنبال سایه‌ی مردی در زندگی ادبی او می‌گشتند (پاینده ۱۳۸۱: ۷۴).

## ادبیات زنانه: صدای زنان

پیش از ورود به بحث، باید یادآوری کرد که در این‌جا امکان پرداختن به «نوشتار زنانه» یا «زنانه‌نویسی»، از نظر تفاوت الگوهای گفتاری و نوشتاری زنان و مردان که به مباحث زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی جنسیت مربوط می‌شود نیست، و «نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور»، بدون آن که بخواهد متن آثار دانشور را ساختارشکنی کند، به جست‌وجوی نشانه‌های ساده و آشکار فمینیسم در سطح آثار او می‌پردازد و در این کار تنها به یکی از جنبه‌های اساسی ادبیات زنانه در آثار این نویسنده توجه دارد و آن، شنیدن صدای زنان است که دانشور این صدا را با شدت و ضعف در داستان‌هایش سر داده‌است و گوش کردن به این صدا، ما را با حقوق از دست‌رفته‌ی زنان و ستم‌های واردآمده بر آنان آشنا می‌سازد.

در مورد ادبیات زنانه—که این مقاله بر محور آن می‌چرخد—باید گفت که امروز، دیگر وجود و حتی ضرورت ادبیات زنانه بر کسی پوشیده نیست و حضور دیدگاه زنانه در آثار زنان نویسنده مشهود است. وولف (۱۳۸۴) می‌گوید: «ما اگر زن هستیم، به روش

مادران مان فکرمی‌کنیم. بی‌فایده است که برای کمک‌گرفتن، به سراغ نویسندگان بزرگ مرد برویم. [...] وزن، شتاب، و گام ذهن مرد به قدری با خصوصیات زن متفاوت است که زن نمی‌تواند چیز زیادی از او بیاموزد.» (ص. ۱۱۳) و در جای دیگر می‌گوید: «جای بسی تأسف است اگر زنان مانند مردان بنویسند یا مانند مردان زندگی کنند.» (ص. ۱۲۸) *دانشور* نیز، همین‌گونه، به دیدگاهی زنانه در آثار خویش معتقد است و همه‌ی آثار خود را، از *آتش خاموش* (۱۳۲۷) تا *ساربان سرگردان* (۱۳۸۰)، متأثر از دیدگاهی زنانه می‌داند و می‌گوید اگر غیر از این باشد طبیعی نیست (دقیقی ۱۳۸۱: ۳۵). این دید زنانه موجب توصیف دقیق و صمیمی زندگی، حالات و احساسات شخصیت‌های زن در آثار نویسندگان زن، از جمله *دانشور* می‌شود (گویری و رهنما ۱۳۸۲: ۷).

*دستغیب* (۱۳۸۳؛ برگرفته از دهباشی ۱۳۸۳) معتقد است: «ادبیات زنانه در دو گرایش کاملاً متضاد نمود می‌یابد: نخست، گرایشی که می‌خواهد شأن اجتماعی زن را بالا ببرد؛ ستم‌دیدگی او را عریان سازد؛ و او را آگاه کند که زن می‌تواند هم‌دوش مرد در کارهای اجتماعی مشارکت جوید. این همان گرایش است که در داستان‌های *سیمین دانشور*، به‌ویژه *جزیره‌ی سرگردانی* او، بازتابیده شده است. گرایش دوم، گرایشی است که به عرضه‌ی جسم و جنس می‌پردازد و مروج نوعی بی‌بندوباری و مخرب اساس خانواده است. گرایش دوم، در جامعه‌ی ما جایی ندارد و همان‌طور که زندگانی «عشرت» (در *جزیره‌ی سرگردانی*) نشان می‌دهد، روابط زن و مرد را کدر و مغشوش و بنیاد خانواده را متزلزل می‌سازد.» (ص. ۵۱۷-۵۱۸)

### فمینیسم غربی و فمینیسم ایرانی (شرقی)

اگر زن و مسائل زنان را از هسته‌های بنیادی مباحث فمینیستی بدانیم، *سیمین دانشور* — همان‌گونه که خود نیز صراحت دارد (محمدی ۱۳۸۰: ۱۱۳) — یک فمینیست است. *دانشور* به دلیل آگاهی از موقعیت اجتماعی خویش، به‌عنوان یک «زن»، و شناختی که از ستم‌دیدگی و مظلومیت زن ایرانی در طول تاریخ دارد، مصمم است تا به مدد استعداد نویسندگی خویش در راه دفاع از حقوق زنان هم‌وطن‌اش گام بردارد. او معتقد است: «نمی‌شود زن بود و از زن دفاع نکرد.» (همان: ۱۱۴)؛ بنابراین، از همان اولین تجربه‌های نویسندگی، مسائل و مشکلات گریبان‌گیر زن ایرانی را از موضوعات و مضامین اصلی داستان‌های خود قرار داده و در این کار از همان ابتدا حساب خود را با فمینیسم افراطی غربی که در دفاع از حقوق زنان از آن طرف بام افتاده و حقوق مردان را، در مواردی، از





آنان سلب کرده و به بنیان خانواده بیشتر آسیب رسانده، جدا کرده‌است و تمایل خود را به فمینیسم، در قالب یک انسان شرقی بیان می‌کند و به تعریفی از فمینیسم شرقی و ایرانی، که برابری حقوق زن و مرد در آن گنجانده شده، پای‌بندی نشان می‌دهد: «فمینیسم غربی-افراطی می‌خواهد حق مرد را بگیرد و به زن بدهد. چنین چیزی ممکن نیست. [...] من فمینیسم غربی را در این حد افراطی نمی‌پسندم. به فمینیسم ایرانی معتقد ام. این درست نیست که حق مرد را بگیرند و به زن بدهند؛ چون دو سوی معادله به هم می‌خورد. باز ظالم و مظلوم به وجود می‌آید و این بار، زن ظالم می‌شود. باید حقوق زن را آن‌قدر بالا ببرند که هم‌سطح حقوق مرد شود و عوامل رفاهی هم برای زن فراهم‌کنند تا زن به زنانگی‌اش افتخار کند.» (دقیقی ۱۳۸۱: ۳۶) دانشور در این راه به چیزی به نام «شکستن سد جنسیت»، که فمینیسم غربی منادی آن شده‌است و «مامان عشی» ی. جزیره‌ی سرگردانی در دام آن افتاده، اعتراض دارد و از زبان قهرمان داستان‌اش، «هستی»، چنین می‌اندیشد: «شکستن سد جنسیت! نه برای کسی که متعهد است. این ولن‌گاری‌ها به ما نمی‌برازد. در شکستن سد، بایستی متوجه بود که آب خانه‌ی دهقانی را خراب نکند.» (دانشور ۱۳۷۲: ۲۵۴).

حتا به‌تازگی اصطلاح «فمینیسم اسلامی» هم در میان زنان مسلمان دیده می‌شود؛ که بنا به نظر معتقدان به آن، «همین که یک زن به برابری حق زن و مرد معتقد باشد کافی است. اکثریت مردم کشور ما مذهبی هستند؛ این افراد، فمینیست اسلامی اند.» (معمار ۱۳۸۵: ۶۶).

«هستی»، در جزیره‌ی سرگردانی، به این مسئله می‌اندیشد که «از دوران مردسالاری، بیشتر زن‌ها گوش ایستاده‌اند، دروغ گفته‌اند، تحمل کرده‌اند، مدارا کرده‌اند؛ چرا که راهی به جمع جدی مردها نداشته‌اند. [...] زن‌ها از ترس مردها دروغ گفته‌اند. [...] دنیا، مخصوصاً در این سر-جهان، خراب بوده. آدم سالم و طبیعی، کسی بوده که نقاب محکم‌تری بر چهره داشته. [...] با این‌حال مردها جوشیان-شماره‌ی یک بوده‌اند [...] و زن‌ها شوربان-شماره‌ی دو، که فقط بایستی شور بزنند.» (دانشور ۱۳۷۲: ۱۶۲).

طوفان در مقاله‌ی «کشف تاریکی» (۱۳۷۲)، این اندیشه‌های «هستی» را نشان گم شدن یا انفعال عنصر مادینه در همه‌ی عرصه‌ها می‌داند و بدون این‌که آن را به جنبش فمینیسم غربی نسبت دهد می‌گوید که «دانشور در این باره می‌کوشد تا به پاسخی بنیادی‌تر دست یابد؛ پاسخی که شاید در ژرفای ناخودآگاهی-قومی او مکنون و نامکشوف مانده و بیش‌تر هم‌آهنگ با دیدگاه فرزانه‌گان و فیلسوفان کهن چین است که این همه سرگستگی و

شرارت جهانی را تنها به دلیل فروپاشی هم‌ترازی و تقارن زنانگی-مردانگی و برتری یافتن یکی بر دیگری (هر کدام که باشد) می‌یابند.» (ص. ۹۶-۹۷)

احترام به آزادی‌های بنیادی زن، که درون‌مایه‌ی جهان‌بینی دانشور را تشکیل می‌دهد (میلانی ۱۳۸۳: ۸۷۰)، تلاش برای برابری زنانه‌ی ترازوی زنانگی-مردانگی و برقراری تعادل است. این اعتقاد دانشور، در *ساریان سرگردان*، با تمثیلی که «لعل‌بانو» برای «هستی» می‌آورد هم‌آهنگ است: «مگر من و تو به نوعی در قفس نیستیم؟ [...] زن و مرد می‌باید مثل دو لپه‌ی یک نخود با هم مساوی باشند و به صورت یک نخود به هم پیوسته بشوند.» (دانشور ۱۳۸۰: ۱۲۰) و همچنین است نظر «مراد»: «من و تو با هم می‌توانیم یک موسیقی هم‌آهنگ بسازیم. [...] سیم‌های زیر تار، زنانه است و سیم‌های بم، مردانه، و از تلفیق این دو است که موسیقی دل‌نواز زندگی نواخته می‌شود.» (همان: ۲۳۸)

### نمودهای فمینیسم در آثار دانشور

گفتمان‌های گوناگون فمینیستی را می‌توان به دو روی‌کرد کلی دسته‌بندی کرد: روی‌کرد توصیفی و روی‌کرد هنجاری. «در روی‌کرد توصیفی سعی بر این است که زنان از منظر حقوق، شأن، و مرتبت موجود (فعلی) با مردان مقایسه شوند و در روی‌کرد هنجاری، به الزام در برابری حقوق، احترام، و شأن پرداخته می‌شود. بنابراین، این ادعا که زنان و مردان باید حقوق و احترام برابر داشته باشند، ادعایی هنجاری است و این که زنان از حقوق برابر محروم اند، یک ادعای توصیفی است.» (سجادی ۱۳۸۴: ۱۲)

در آثار دانشور، آن‌جا که وضعیت زنان آن گونه که هست تصویر شده، با روی‌کرد توصیفی روبه‌رو هستیم و در مواردی که از برابری و تساوی حقوق زن و مرد آن گونه که باید باشد سخن می‌گوید، روی‌کردی هنجاری است. تعظیم و بزرگ‌داشت زنان و ستیز با مردسالاری، در قالب روی‌کرد هنجاری، و اعتراض به سنت‌های حاکم بر زندگی زنان و رفتارهای ناهنجار مردان، در روی‌کرد توصیفی جای می‌گیرد.

از ویژگی‌های رمان فمینیستی، طرح مسائل زنان در لایه‌های مختلف جامعه و بررسی علل و عوامل پیدایش آن است. این ویژگی به‌شدت در آثار دانشور دیده می‌شود. در *جزیره‌ی سرگردانی*، زنان با تفکر سنتی، زندگی سنتی، و خواستگاری و ازدواج سنتی زیر سؤال می‌روند و مسئله‌ی چندزنی و تنوع‌طلبی مردان مطرح می‌شود. همچنین کار بیرون از خانه‌ی زنان، تمکین و فرمان‌برداری زنان از مردان، جست‌وجوی هویت زنانه، دید و نگرش زنانه، طرح بعضی رفتارهای زنان (چون گوش ایستادن)، مسئله‌ی حجاب، بحث‌های فمینیستی



و استفاده از آرای فمینیست‌ها در گفت‌وگوی شخصیت‌ها، زنان و نقش آفرینندگی، بدبینی مردان نسبت به زنان و کنترل آن‌ها، کوشش برای تعریف زن و مرد و ارزیابی رابطه‌ی آن‌ها، مبارزه‌ی شخصیت‌های اصلی داستان برای کسب برابری و احقاق حقوق زنان، و انتخاب قهرمان زن و دیگر شخصیت‌های زن داستان، از مهم‌ترین نشانه‌های فمینیسم در این رمان محسوب می‌شود (حسینی ۱۳۸۵: ۳۴). همین نشانه‌ها را با شدت و ضعف در آثار دیگر این نویسنده، از نخستین اثر *آتش خاموش* (دانشور ۱۳۲۷) تا آخرین آن‌ها *ساربان سرگردان* (دانشور ۱۳۸۰) نیز می‌بینیم.

نشانه‌های فمینیسم دانشور را در چهار مورد کلی می‌توان دسته‌بندی کرد:

- ۱- ستیز با مردسالاری؛
- ۲- اعتراض به سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی زنان و بیان ستم‌دیدگی‌های آنان؛
- ۳- اعتراض به رفتارهای ناهنجار مردان با تأکید بر برخی از خصلت‌های عشرت‌طلبی و ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های آنان؛
- ۴- تعظیم و بزرگ‌داشت زنان.

### ۱- ستیز با مردسالاری

«من یک ایرانی ام که رنج برده‌ام و صبور بوده‌ام. [...] من یک زن ایرانی ام که از استبداد حکومت، از استعمار شرق و غرب، و از محدودیت‌های فرهنگی مردسالار و نظامی پدرسالار رنج برده‌ام. [...] بیش‌تر دوست دارم که با فرهنگ استبدادی و استعماری و مردسالار بجنمگم.» (مافی ۱۳۶۸: ۷۰). دانشور در مصاحبه با حریری (۱۳۶۶) به‌صراحت با مردسالاری و شوهرسالاری در زندگی زناشویی مخالفت می‌کند: «اگر قرار بر پدرشاهی و شوهرسالاری بود، من یا زن جلال نمی‌شدم و تازه اگر می‌شدم و بعدها مواجه با چنین طرز تفکری می‌شدم رها می‌کردم.» (ص. ۲۸) او در زندگی زناشویی‌اش با جلال آل‌احمد هم نمی‌خواهد تحت تأثیر باشد و دوست دارد مثل شوهرش سیاسی نباشد: «من از اول با جلال شرط کردم که سیمین دانشور باقی می‌مانم و هر کاری بخواهم می‌کنم. [...] من همیشه سیمین دانشور باقی ماندم. هیچ وقت سیمین آل‌احمد نشدم. اصلاً با طرز فکر جلال موافق نیستم و نبودم. من با نوسان موافق نیستم و هرگز سیاسی نبودم.» (دقیقی ۱۳۸۱: ۳۶).

در *جزیره‌ی سرگردانی*، «هستی» می‌خواهد سنت خواستگاری مرد از زن را، با قدم پیش نهادن در خواستگاری از «مراد»، بشکند و در جواب مادرش که می‌پرسد: «آن قدر خاطرخواه‌اش هستی؟» می‌گوید: «او تنها مردی است که می‌دانم مرا استثمار نمی‌کند. به

من امکان می‌دهد زن نویی که می‌خواهم بشوم.» (دانشور ۱۳۷۲: ۱۵) این قهرمان جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان آن قدر از اصطلاح «تمکین» بیزار است که فقط به دلیل استفاده‌ی «سلیم» از این کلمه، در نامه‌یی که می‌توانست موجب رهایی‌اش از زندان شود، سرکشی می‌کند و عطای آزادی را به لقای آن می‌بخشد: «تمکین؟ چه کلمه‌ی زشتی. یعنی زن بایستی تمکین کند تا ناشزه نباشد و شوهرداری مساوی است با تمکین.» در آن نامه فقط این عبارت بود: «هر چه حامل نامه می‌گوید تمکین کنید. بعد از خواندن نامه آن را پاره کنید.» (دانشور ۱۳۸۰: ۸۱).

استقلال اقتصادی زن از اصول جنبش‌های فمینیستی به حساب می‌آید. چنانچه بخشی از سخن وولف در *اتاقی از آن خود* (۱۳۸۴)، در مورد همین موضوع است که: «زنی که می‌خواهد داستان بنویسد باید پول و اتاقی از آن خود داشته‌باشد و این کار [...] معضل بزرگ ماهیت واقعی زن و ماهیت داستان را حل‌نشده باقی خواهد گذاشت.» (ص. ۲۴) در آثار دانشور نیز درآمد زن و کارکردن او برای مشارکت در اقتصاد خانواده توصیه شده‌است. در داستان «کلید سل»، از مجموعه‌ی *آتش خاموش*، دختری که عاشق معلم موسیقی سرخانه‌اش شده، در جواب مخالفت اعضای خانواده، به دلیل تنگ‌دستی معلم، می‌گوید: «من به او کمک می‌کنم. صرفه‌جویی می‌کنم. با هم کار می‌کنیم. [...] این روزها، روزی نیست که مرد، تنها، بار امور مادی را بکشد.» (دانشور ۱۳۲۷: ۸۲). در متن کتاب، عبارت اخیر به همین صورت برجسته شده‌است که نشان تأکید نویسنده بر کار زن در کنار مرد است و در آثار اخیرش نیز، *جزیره‌ی سرگردانی* و *ساریان سرگردان*، کار کردن زن برای بیرون رفتن از سلطه‌ی اقتصادی مرد تحسین شده‌است. «هستی» در *ساریان سرگردان* به حفظ هویت زنانه و در عین حال به مشارکت در اجتماع و استقلال مالی زن معتقد است (دانشور ۱۳۸۰: ۱۴۹) و در پاسخ «سلیم»، که از او می‌پرسد آیا بعد از ازدواج به کارش ادامه می‌دهد یا نه، می‌گوید: «البته. برای استقلال مالی. خودتان که بهتر می‌دانید نتیجه‌ی سلطه‌ی اقتصادی مرد، استثمار هرچه بیشتر زن است.» (دانشور ۱۳۷۲: ۴۱)؛ چیزی که «سلیم فرخی» به آن اعتقاد ندارد و زنانگی و هنر را برای «هستی» کافی می‌داند (همان: ۲۹۲) و همین مسئله، به علاوه‌ی روحیه‌ی مردسالار «سلیم»، که زن را مثل موم در دست خود نرم می‌خواهد (همان: ۱۹۱)، مانع ازدواج‌اش با «هستی» می‌شود.

در «صورتخانه»، آخرین داستان از مجموعه‌ی *شهری چون بهشت*، با زنی آشنا می‌شویم که هنرپیشه‌ی تآثرهای سیاه‌بازی است. این زن به دلیل مشکلات مالی زیر استثمار جنسی مردی است که از او باردار شده‌است و در پاسخ به این پرسش که چرا



ازدواج نمی‌کند تا از این به‌لا تکلیفی به‌در آید، می‌گوید: «آخه کدوم مرد نجیبی می‌آد من و بگیره؟ حالا آمدیم و گرفت. اولین حرفی که می‌زنه این‌ته که نمی‌خوام پات و از خونه بیرون بذاری. نمی‌خوام بری بازی بکنی.» (دانشور ۱۳۴۰: ۲۱۰). می‌بینیم که در این‌جا عدم استقلال مالی زن، مانعی بر سر راه هنرش شده‌است.

در داستان «مردی که برنگشت»، از مجموعه‌ی *شهری چون بهشت*، نویسنده بنا بر نظر پاینده (۱۳۸۴)، از یک شگرد پسامدرن برای پایان دادن به داستان بهره می‌برد (پاینده ۱۳۸۴: ۱۴-۲۶) و خواننده را در تعیین پایان داستان به یاری می‌خواند. دانشور در توضیح این کارش می‌گوید: «باور کنید اگر زندگی محترم آن قدر وابسته به مردش نبود، هرگز کاری به کار ابراهیم نداشتیم. گور پدر ابراهیم هم کرده. اما چه کنیم؟ دیدید که این زن بی مردش چه قدر درمانده است و تمام زن‌های مثل او اگر مردشان برود نمی‌دانند چه خاکی بر سرشان بریزند.» (دانشور ۱۳۴۰: ۱۸۲-۱۸۳). چرا؟ چون استقلال مالی ندارند.

گاهی شخصیت زن داستان استقلال شخصیتی ندارد. بارزترین نمونه‌ی این مورد را در «زری»، شخصیت مهم رمان *سووشون*، می‌بینیم. در *سووشون*، بنا بر تحلیل دهباشی (۱۳۸۳)، وجود «زری» و خود «زری»، در زیر لایه‌ها و حجاب‌هایی چندگانه از نظام مردسالار و در زیر غلبه و تسلط شخصیت «یوسف» تحلیل رفته‌است؛ به طوری که آن هسته‌ی حقیقی و جوهر اصیل وجود «زری» در زیر این حجاب‌های قیود اجتماعی و فرهنگی مجال بروز نمی‌یابد (دهباشی ۱۳۸۳: ۳۲۷). «زری» در چندین جا، از جمله در مورد دادن اسب «خسرو» به فرستاده‌ی حاکم، نمی‌تواند مقاومت کند و «سحر»، اسب پسرش را، تسلیم فرستاده‌ی حاکم می‌کند؛ در نتیجه، بر خودش و ترس‌اش لعنت می‌فرستد: «در دل به بی‌عرضگی خودش نفرین کرد و اندیشید: زن‌های پخمه‌یی مثل من، هم‌چنین بایند.» (دانشور ۱۳۴۸: ۳۶، ۶۰، ۶۴ و ۹۴).

چرا «زری»، هم‌چون زنان شبیه به خود، این‌چنین از گرفتن حق خود و یا مقاومت در برابر زور و ظلم عاجز است؟ زیرا «با شیوه‌ی زندگی و با تربیتی که او را برای چنین زندگی‌بی‌آماده ساخته، محال است بتواند دست به کاری بزند که نتیجه‌اش به‌هم‌خوردن وضع موجود باشد.» (دانشور ۱۳۴۸: ۱۹۲). اما «زری» نیز در پاسخ سرزنش‌های «یوسف»، که چرا جرأت نکرده در برابر فرستاده‌ی حاکم بایستد و «سحر» را ندهد، آن‌چه را که مدت‌ها در دل نگاه داشته و بر زبان نیآورده، آشکار می‌کند: «تو به طور ترسناکی صریح هستی و این صراحت تو [...] باز ته دل‌ام می‌دانم که خطر دارد. اگر من بخواهم ایستادگی کنم، اول از همه باید جلوی تو بایستم و آن وقت چه جنگ اعصابی راه می‌افتد. می‌خواهی باز

هم حرف راست بشنوی؟ [...] پس بشنو! تو شجاعت را از من گرفته‌ای. [...] آن قدر با تو مدارا کرده‌ام که دیگر مدارا عادت‌ام شده.» (همان: ۱۲۸-۱۲۹) شاید به همین دلیل است که «زری»، گاهی از اساس، زندگی زناشویی را غلط می‌داند: «حتا یک آن به این نتیجه رسید که زندگی زناشویی، از اساس، کار غلطی است. این که یک مرد، تمام عمر، پای‌بند یک زن و بچه‌های قد و نیم‌قد باشد، [...] یا به عکس، زنی را تا به این حد وابسته و دل‌بسته‌ی یک مرد و چند تا بچه کنند که خودش نتواند یک نفس راحت و آزاد بکشد، درست نیست.» (همان: ۱۳۱) این همان سخنی است که یکی از شخصیت‌های داستان «اشک‌ها» در *آتش خاموش*، به صورتی دیگر، بر زبان می‌آورد: «عشق، یک نوع قید است که آدمی را مجبور می‌کند که جز به یک نفر نیاندیشد و تمام قوا و استعدادهای خود را صرف یک موضوع کند؛ در حالی که آزادی عزیزترین چیزها است.» (دانشور ۱۳۳۷: ۱۶-۱۷). جالب است که این موضوع را در داستان کوتاهی از یک نویسنده‌ی زن فمینیست نیز می‌بینیم. *کیت شوپن*<sup>۱</sup> در داستان کوتاهی با نام «رؤیای یک‌ساعته» ذهنیت قهرمان زن داستان را پس از شنیدن خبر مرگ ناگهانی شوهرش چنین بیان می‌کند: «کسی نخواهد بود تا در آن سال‌ها زندگی‌اش را وقف او کند. دیگر می‌توانست برای خودش زندگی کند.» (پاینده ۱۳۸۲: ۳۴۸).

در *سوشون* به زنی برمی‌خوریم که در بیمارستان روانی بستری است و در روزنامه‌های محلی، مقالاتی در دفاع از حقوق زنان و علیه مظالم مردان می‌نوشته؛ اما آن قدر او را جدی نگرفته‌اند که در نهایت، کارش به تیمارستان انجامیده است (دانشور ۱۳۴۸: ۱۰۷). آیا این، کنایه‌ی تلخ از سرنوشت کسانی نبوده است که در یک نظام بسته‌ی مردسالار دم از حقوق زن می‌زدند؟

در داستان «میز گرد»، از مجموعه‌ی *از پرنده‌های مهاجر بیرس*، نویسنده، مصاحبه‌ی خیالی را با «رستم»، «سعدی»، «حافظ»، و «مهدی اخوان ثالث» گزارش می‌کند. مصاحبه‌کننده—که خود نویسنده است—در پاسخ پرسش «رستم»، که چرا همه‌ی مصاحبه‌شوندگان نرینه اند و چرا «تهمینه» را بر این خوان خوانده‌اید، چنین پاسخ می‌شود که: «زن‌ها در جمع مردها راهی ندارند. آن‌ها علامت دارند.» و «رستم» می‌گوید: «اما در جهان مردگان، همگان—از نرینه و مادینه و نوجوان و کودک—با هم اند. هیچ کدام را علامتی نیست. بایستی مسئله‌ی زن و مادر را حل کرد.» (دانشور ۱۳۷۶: ۲۱). چنین جامعه‌ی باید تغییر کند و «مراد» در مبارزه‌ی سیاسی خود به دنبال تغییر چنین جامعه‌ی است؛

<sup>۱</sup> Chopin, Kate (orig. Katherine O'Flaherty) (1851-1904) نویسنده‌ی آمریکایی



جامعه‌یی که پدرش و حکومتی که محصول کارخانه‌اش امثال پدر او بودند یک نماد آن بود: «پدرم از زن چه می‌فهمد؟ یک اسیر. از فرزند چه می‌خواهد؟ یک اسیر دیگر.» پدری که حیا را مخصوص زن‌ها می‌داند و به زن به‌عنوان یک مال‌الاجاره می‌نگرد (دانشور، ۲۰۷:۱۳۸۰).

نکته‌یی که در این‌جا باید ذکر شود این است که این فرهنگ مردسالار، خودبه‌خود به پسران و دختران خانواده‌ها منتقل می‌شود و نمونه‌ی بارز آن را در رفتار «خسرو» با مادرش می‌بینیم. «خان‌کاکا» به «خسرو» درس می‌دهد: «به حرف زن‌ها گوش نکن. همه‌شان ترسو هستند.» (دانشور ۱۳۴۸:۶۱) و «خسرو» هم این درس را خوب فرامی‌گیرد: «اگر این زن‌ها نبودند و محض خاطر آن‌ها نبود، پسرها چه زود می‌توانستند مرد بشوند. زن‌ها هم می‌ترسند و ما مردها را هم می‌ترسانند.» (همان: ۱۲۲، ۱۲۶، و ۱۲۹).

«دکتر حسن‌خان»، در داستان «سرگذشت کوچه» در *شهری چون بهشت*، زن دوم گرفته‌است. راوی داستان می‌گوید: «به خانه که می‌رفتم، می‌اندیشیدم: یعنی بیش‌تر پسرها همین طور اند و بعد که مرد شدند می‌شوند دکتر حسن‌خان؟» (دانشور ۱۳۴۰:۴۹) و باز در همین داستان است که پسر بچه‌یی خواهرش را کتک می‌زند و می‌گوید وقتی بزرگ شدم خانم‌ام را هم می‌زنم (همان: ۴۹). در داستان «بی‌بی شهربانو»، از همین مجموعه، مادر مریم به دخترش چنین درس می‌دهد: «مریم! هر چی داداشات می‌گه بگو چشم.» (همان: ۷۴).

## ۲- اعتراض به سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی زنان و بیان ستم‌دیدگی‌های آنان

همان طور که *سیانلو* (۱۳۸۱) می‌گوید: «مهم‌ترین وجه مشترک آثار زنان، شخصیت راوی قصه‌ها است. قصه‌ها عادتاً از ضمیر زنی نقل می‌شود و این زن عادتاً ساکت است و صبور است و منفعل؛ که تظلم خاموش و بی‌صدای او، خود بازتابی از وضعیت زن ایرانی است.» (ص. ۱۲۶-۱۲۷) شخصیت‌های داستانی *دانشور* به‌خوبی این تظلم خاموش و بی‌صدا را بازتاب می‌دهند و این امر در برخی دیگر از آثار داستانی زنان نیز، که فضای اندوهگینی را باعث شده‌اند، دیده می‌شود؛ چرا که «در طول تاریخ، زن ایرانی به دلیل موقعیت خانوادگی و اجتماعی‌اش زندگی اندوه‌باری داشته و حقارت‌های بسیار دیده‌است. نویسنده‌یی که می‌خواهد سرنوشت هم‌دردان خود را توصیف کند، چه‌گونه می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد و در آثارش فضایی روشن و شادی‌بخش ارائه نماید؟» (گویری و رهنما، ۱۳۸۲:۱۹).

در *شهری چون بهشت*، گویی «دده‌سیاه» نماینده‌ی بسیاری از زنان ایرانی است که هم در اجتماع به آن‌ها ستم می‌شود و هم در خانواده آن‌ها را استثمار می‌کنند (دانشور

۸:۱۳۴۰) و در داستان «سرگذشت کوجه»، از زبان یکی از شخصیت‌های زن داستان، در خطاب به راوی، که خود *دانشور* است، می‌گوید: «خانم‌جون! پس این همه زیون خارجه و داخله می‌دونین، اگه به ما زنا کمک نکنین، اگه به قول پسر حق ما رو نگیرین، پس فایده‌ش چی نه؟» (همان: ۶۰) با همه‌ی این احوال، *دانشور* امید دارد زنان خودشان را پیدا خواهند کرد؛ هرچند مظلوم واقع شده‌اند و قانون هم به مظلومیت ایشان کمک کرده‌است (دقیقی ۱۳۸۱: ۳۶).

در آثار *دانشور*، به طور کلی، بیش‌تر شخصیت‌های زن (به استثنای «هستی» و «زری») در انتخاب همسر آینده‌ی خویش، از خود اختیاری ندارند و دختران، طبق ازدواج سنتی مردسالار به خانگی بخت فرستاده‌می‌شوند. در *ساربان سرگردان*، «ساربان» عاشق دختری بوده‌است که برخلاف میل‌اش به دیگری شوهر داده‌شده: «از دختر که نمی‌پرسند این را می‌خواهی یا آن را»، (دانشور ۱۳۸۰: ۱۹۸) «مراد» که نمی‌تواند انتخاب پدرش را برای ازدواج بپذیرد، در برابر او چنین استدلال می‌کند: «به پدرم گفتم چه فایده دارد که دختری را لباس عروسی بپوشانیم و از روی خون گوسفندی که جلوی پایش قربانی می‌کنیم بگذرانیم. هم او دل‌اش از نکاحی که دیگران برایش تصمیم گرفته‌اند خون باشد و هم دل شاه‌داماد؟» (همان: ۲۰۴).

در همین خواستگاری‌های سنتی هم کسی به فکر دیدگاه و نوع تفکر و اندیشه‌ی دختر نبوده‌است و به او فقط به شکل یک کالا نگاه می‌کرده‌اند. در *سووشون*، «عزت‌الدوله»، مادر «حمیدخان»، وقتی که «زری» را، باز طبق یک سنت حاکم، در حمام می‌بیند، فقط ظاهر او را تحسین می‌کند: «صورت‌اش را در برابر نور روزن حمام گرفت و گفت: ماشالله! ماشالله! بدن به این سفیدی و لطیفی ندیده‌ام. معاینه‌ی بلور بارفتن. چشم‌هایت رنگ خرما است. من چشم این رنگی ندیده‌بودم. خدا برای دوستی دل خودش تو را آفریده.» (دانشور ۱۳۴۸: ۲۶۰). مادر «سلیم» هم، «هستی» را به حمام سونا می‌خواند تا او را ببیند یا نه؛ و «هستی» از این کار مادر خود و مادر «سلیم» ناراضی است: «نه، واقعاً بله‌بران می‌کردند. خودشان می‌بریدند و خودشان می‌دوختند.» (دانشور ۱۳۷۲: ۱۹). نوع پرسش‌های پدر «مراد» از «هستی»، که بیش‌تر شبیه بازرجویی ساواکی‌ها از زندانیان سیاسی بود، نمونه‌ی بی‌ست از تفکر حاکم بر ازدواج سنتی (دانشور ۱۳۸۰: ۲۰۴-۲۰۵).

ازدواجی که با چنین مقدماتی صورت گرفته‌باشد، در بیش‌تر موارد با مشکلاتی روبه‌رو است. به استثنای «مراد» و «هستی»، که ازدواجی در پی شناخت، آگاهی، و عشق داشتند، بخش زیادی از ازدواج‌ها در داستان‌های *دانشور* بی‌مشکل نیست. حتا «زری»، که





نماد فداکاری، شوهردوستی، صبر، و تحمل است، بارها از طرف «یوسف» سرزنش می‌شود؛ که شدیدترین موردش وقتی است که «خسرو» رفته‌است تا «سحر» را، که «زری» بی هیچ مقاومتی تسلیم فرستاده‌ی حاکم کرده، از باغ حاکم بی‌آورد: «یوسف به زن‌اش سیلی زد و این اولین باری بود که چنین می‌کرد و زری نمی‌دانست که آخرین بار هم خواهد بود. آمرانه گفت: خفقان بگیر! در غیابام فقط یک مترسکِ سرِ خرمن ای!» (دانشور ۱۳۴۸: ۱۱۸)

اعتقادات و رسوم خرافی، که زنان در عروسی‌ها برگزار می‌کنند، بیان‌گر نگرانی‌های زنانی است که می‌خواهند به خانه‌ی دیگری، به‌جز خانه‌ی که تا کنون در آن بوده‌اند و به هر حال به شرایطش عادت کرده‌اند گام بگذارند: «عروس روی زمین اسب می‌نشیند تا همیشه بر سر شوهرش سوار باشد.» (دانشور ۱۳۴۸: ۷) و یا «روز عقدکنان، دختر خاله‌اش، با سوزن و نخ قرمز، زبان مادرشوهرش را می‌دوخت.» (دانشور ۱۳۷۶: ۹۱) و به نظر مادر «مراد»: «بله را که گفתי صد تا بلا سرت می‌آید.» (دانشور ۱۳۸۰: ۱۹۱). در داستان «بی‌بی شهربانو»، از مجموعه‌ی *سهری چون بهشت*، مادرشوهر زنی عقیم را می‌بینیم که دائم عروس‌اش را سرزنش می‌کند: «خوب نه که اجاقات کور نه؛ آگه بچه داشتی چه آتیشی می‌سوزوندی؟» (دانشور ۱۳۴۰: ۷۳).

در *ساریان سرگردان*، شاهد کتک و آزار زن هستیم (دانشور ۱۳۸۰: ۱۹۱) و در داستان «مار و مرد»، دانشور از مردی که به هر بهانه، با دست بر دهان زن‌اش می‌زند، با عنوان «مردی که دست بزن داشت» یاد می‌کند (دانشور ۱۳۵۹: ۱۵۳-۱۵۶). هوو آوردن مرد بر سر زن (دانشور ۱۳۴۰: ۸۶ و ۷۹؛ دانشور ۱۳۸۰: ۱۸۸ و ۱۹۲) و در صورت اجاق‌کور بودن مرد، همه‌ی تقصیرات را به گردن زن انداختن (دانشور ۱۳۷۶: ۹۱)، از دیگر موارد مظلومیت زنان است. به نظر دانشور، نه تنها نظر شوهر، بلکه نظر اطرافیان شوهر هم در زندگی زناشویی باید ملاحظه‌شود: «ما که با یک نفر ازدواج نمی‌کنیم؛ با ایل‌اش ازدواج می‌کنیم.» (دانشور ۱۳۸۰: ۲۱۸) و در داستان «به کی سلام کنیم؟»، «ربابه» باید کلفتی شوهر و خانواده‌ی او را بکند (دانشور ۱۳۵۹: ۶۷-۸۰) و گاهی، زن با شوهرکردن باید از خانواده‌ی خود ببرد؛ چنان‌که «عماد» نمی‌گذارد زن‌اش با خانواده‌اش رفت‌وآمد داشته‌باشد و تلفن او را کنترل می‌کند که مبادا به خانواده‌اش زنگ بزند. این «عماد»، پدرش را هم کتک می‌زند و تهدید می‌کند اگر پدر برایش ماشین نخرد، دخترش را، که ۱۷ سال بیش‌تر ندارد، به مرد خرپول ۵۰ساله‌یی شوهر می‌دهد (دانشور ۱۳۸۰: ۲۲۵).

تنها چاره‌ی زن در همه‌ی این موارد، صبر و تحمل و فرودادن رنج‌ها است. از زبان شخصیت مرد داستان «مرز و نقاب» در مجموعه‌ی *از پرنده‌های مهاجر پیرس* می‌شنویم:

«ای خدا! آدم نمی‌تواند زن‌ها را بشناسد؛ هرچه‌قدر هم که کتاب خوانده‌باشد. [...] بله. تحمل و تحمل، خون زن‌ها را به جوش نمی‌آورد؟ چرا به قول زن‌ام فرو نمی‌روند؟ شتر که بار می‌برد و خار می‌خورد، وقتی به خرخره‌اش می‌رسد، رگ ساربان را می‌جود. [...] چرا زن‌ام؟ و تازه فهمیدم که چه‌قدر بیشتر زن‌ها احساس تنهایی می‌کنند.» (دانشور ۱۳۷۶: ۵۲) هم‌چنان که «بی‌بی»، مادر «عمه‌خانم» و «یوسف» درباره‌ی رابطه‌ی شوهرش و «سودابه‌ی هندی»: «می‌شنید و می‌دید، اما دم نمی‌زد. [...] حتا درد دل با من، که دخترش بودم، نمی‌کرد. همه‌ی مردم شهر حرف حاج‌آقا و سودابه‌ی هندی را می‌زدند، غیر از زن‌اش که اصل‌کاری بود.» (دانشور ۱۳۴۸: ۷۶). به نظر «خانم‌دکتر»ی که قرار است «نیکو»، همسر «سلیم»، را برای شکم‌دوم سزارین کند: «بایستی پرونده‌ی زجر زنان را بست.» (دانشور ۱۳۸۰: ۲۷۲) و به نظر «هستی»، فردوسی از تولد «رستم» و پهلوشکافتن «رودابه» گفته، اما زجر او را در این کار به حساب نیآورده‌است: «زجر زنان را هیچ کس به حساب نمی‌آورد؛ حتا فردوسی.» (همان: ۲۵۹).

تنهایی و غربت زنان در زندگی و حتا مرگ، از مضامین داستان‌های دانشور است. در مرگ «خانم فرخی»، «مراد» گل‌هایی را بر تابوت «خانم فرخی» نهاده‌است. در نظر «هستی»، گل‌ها آن‌قدر تنها و معصوم می‌نمودند که «هستی» به یاد تنهایی «خانم فرخی» اشک به چشم آورد: «و این زن چه قدر تنها بود. و همه‌ی زن‌ها تنها اند.» (دانشور ۱۳۸۰: ۲۲۲) و مرگ «توران‌جان» هم‌چون زندگی‌اش غریبانه است (همان: ۲۳۷).

گاهی دانشور به برخی قوانین حقوقی و فقهی اعتراضی نهفته دارد: «مخلص کلام: من مرد مسلمان ام و می‌تونم تا چهارتا زن بگیرم. بی‌خودی هم ادا و اطوار در نیار! اگه سخت‌ات نه، راهات رو بکش و از این خونه برو! بد می‌کنم طلاقات رو نمی‌دم دست‌ات؟» (دانشور ۱۳۴۰: ۶۲-۶۳) و «هستی» از این که قسمت عمده‌ی خانه‌یی که خود و «بی‌بی‌جان» و «مراد» و «شاهین» در آن اند، از آن «شاهین» است با پرسش روبه‌رو است: «اما چرا باید ارث پسر دوبرابر سهم دختر باشد؟» (دانشور ۱۳۸۰: ۲۵۴) و در اولین اثر منتشرشده‌ی او، *آتش خاموش*، و در اولین داستان این مجموعه، «اشک‌ها»، از زبان شخصیت مرد، به حجاب زن‌ها هم معترض می‌شود: «روزی که من از ایران رفتم، زن‌ها چادر داشتند؛ زن‌ها تربیت نشده‌بودند؛ زن‌ها نمی‌توانستند با مردان‌شان قدم‌به‌قدم پیش روند و در زندگی مردان‌شان شرکت داشته‌باشند. من در فرنگ، از زن‌های ایران جز خاطره‌ی یک عدد خمیره در جوف یک عدد جل. سیاه خاطره‌ی نداشتم. من هنوز گوشه‌ی ابروی دخترخاله‌ام را ندیده‌بودم. من فکر می‌کردم که هیچ حیوانی جفت خود را ندیده و نشناخته انتخاب نمی‌کند و من به



همین خیال، خواستم جفتی که بتواند با من قدم‌به‌قدم زندگی را ببیماید، جفتی که خود را در قفس سیاه، مثل یک لولو تحویل ندهد، جفتی که بتواند خود، عقیده، و ابتکار و سلیقه و شعور و فهم داشته‌باشد انتخاب کنم.» (دانشور ۱۳۲۷:۳۴).

این سخن‌ها، که اعتراض‌های ایرج‌میرزا را به حجاب زنان در سال‌ها قبل به یاد می‌آورد، بیان‌گر نگرش زن جوانی است که بنا بر موقعیت سیاسی و اجتماعی حاکم در سال‌های دهه‌ی ۳۰، در اولین اثر داستانی خود، به این شیوه‌ی زندگی معترض است. در آثار بعدی دانشور نیز، این نگرش، با شدت کم‌تر، دیده‌می‌شود: «زری»، تنها دختری است که زمانی که در مدرسه بوده چادر به سر نمی‌کند (دانشور ۱۳۴۸:۲۶۲)؛ «هستی» هم روسری به سر ندارد (دانشور ۱۳۷۲:۳۸)؛ و «دخت فتوحی» اولین زنی است که چادر مشکی را کنار می‌نهد و چادر آبی سر می‌کند و قبل از کشف حجاب، چادر آبی را هم کنار می‌گذارد (دانشور ۱۳۴۸:۱۰۷). کودک گم‌شده در «بازار وکیل» به دلیل تشابه چادر زن‌ها نمی‌تواند دایه‌اش را پیدا کند: «زن‌ها همه شبیه هم بودند. سر و ته یکی. و مثل کیسه‌های سیاهی بودند که سر و ته آن‌ها را محکم بسته‌باشند.» (دانشور ۱۳۴۰:۱۵۰). در صحنه‌ی دارزدن «ملک‌سهراب»، زن‌ها از بس که خودشان را در چادرها پیچیده‌اند معلوم نیست که چشم‌هایشان کجا است؟ (دانشور ۱۳۴۸:۲۵۷). «هستی» به حجاب و بی‌حجابی اجباری معترض است: «به‌زور چادر از سر زن‌ها برمی‌دارند و به‌زور حجاب مد می‌شود.» (دانشور ۱۳۸۰:۲۶۶) و در یک نقاشی، «هستی» آسمان آبی ایران را در سایه‌هایی از چادر مشکی قرار داده‌است: «هستی در کارگاه‌اش، نقشی کشید که ملهم از وضع موجود بود. زمینه با کاشی‌های آبی، که نمودار آسمان کشورش بود، تزئین شده‌بود. روی کاشی‌ها، زنی، چادر سیاه بر سر، از نیم‌رخ، نشان داده‌شده‌بود و سایه‌ی زن بر بخشی از کاشی‌ها افتاده‌بود. قیافه‌ی زن پیدا نبود. انتهای چادر زن را پیچ و شکن داده‌بود؛ آن‌چنان که آن کاشی‌ها گاه پیدا بود و گاه ناپیدا می‌نمود.» (دانشور ۱۳۸۰:۲۵۰).

### ۳- اعتراض به رفتارهای ناهنجار مردان با تأکید بر برخی از خصیلت‌های عشرت‌طلبی و ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های آنان

هر کدام از شخصیت‌های مرد داستان‌های دانشور، به استثنای معدودی از آن‌ها، به نحوی دچار تنوع‌خواهی، عشرت‌طلبی، و سایر ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی اند. اثری از دانشور را نمی‌توان دید که از تنوع‌طلبی مردها خالی باشد: «مردها عاشق تنوع اند. از یک مرد

نامسلمان‌اش هم نمی‌توان توقع داشت که تمام عمر با یک زن سر بکند.» (دانشور ۱۳۷۳:۲۷۳).

در داستان «آن شب عروسی»، از مجموعه‌ی *آتش خاموش*، زنی رقاچه از این که به‌ناچار زن سوم مردی شده‌است و آن مرد پس از مدتی او را طلاق داده و سراغ زن چهارم رفته‌است شکایت می‌کند (دانشور ۱۳۲۷:۸۹). در «مرز و نقاب»، از مجموعه‌ی *از پرنده‌های مهاجر بیرس*، «حمید» با «افسانه» سر و سری دارد و همسرش وقتی متوجه این مسئله می‌شود، بزرگوارانه از آن چشم می‌پوشد (دانشور ۱۳۷۶:۵۲). «خان‌کاکا» با آن‌که ادعا می‌کند پس از مرگ همسرش زنی نداشته و تنها سر بر بالین گذاشته‌است، صیغه‌های طاق و جفت دارد (دانشور ۱۳۴۸:۲۹۴). «مریم» در «بی‌بی‌شهربانو»، از مجموعه‌ی *شهری چون بهشت*، نمی‌تواند شوهر کند؛ چون باید دست مادرش را بگیرد و در خانه‌ی پدر را بپاید تا به فکر خاک‌توسری نیافتد (دانشور ۱۳۴۰:۷۲). «عزت‌الدوله»، خواهرخوانده‌ی «عمه‌خانم»، پس از مرگ شوهرش هنوز از دست او دل‌اش خون است: «خدا نیامرزدت مرد! بچه‌ی پانزده‌ساله را با خودش می‌برد خانم‌بازی؛ و بچه‌ی معصوم من شانزده سال‌اش بود که سوزاک گرفت. [...] لایق ریش آن پدر چنین پسری است. گوربه‌گور بشوی مرد! خدا نیامرزدت!» (دانشور ۱۳۴۸:۱۶۵). همین مرد، عاشق زن شوهرداری هم بوده و در نهایت، شوهر زن را با گلوله به قتل رسانده‌است (همان: ۹۰) و هم‌چون «مسعود غزنوی» در خانه برای خود خیش‌خانه‌ی درست کرده‌است (همان: ۱۶۷). این پدر و پسر، از «فردوس» هم که در خانه‌اشان کار می‌کرده نگذشته‌اند (همان: ۹۲).

پدر «عمه‌خانم» و «یوسف»، با همه‌ی دین‌داری و علم، شیخ‌صنعان‌وار عاشق «سودابه‌ی هندی» بوده؛ هرچند هیچ گاه به عقد او درنیامده‌است (دانشور ۱۳۴۸:۷۱). «خان‌دایی». «مراد» دو زن دارد (دانشور ۱۳۸۰:۱۹۲). پدر «مراد» هم زن دوم می‌گیرد و مادر «مراد» به دلیل آن‌که نمی‌تواند به خانه‌ی پدر خود برود، چون آن‌جا هم باید با زن‌بابا سر و کله بزند، هوو را تحمل می‌کند (همان: ۱۸۷-۱۸۸). «آقانور»، شوهرخواهر «سلیم»، سر و گوش‌اش می‌جنبد و با منشی لاغرش سر و سری دارد (همان: ۱۴) و «شیخ‌دامان»، سه زن دائم و چهارده تا صیغه‌ی دارد (همان: ۱۱۳). پدر «سلیم» یا در حال صیغه کردن است یا پس‌خواندن صیغه (دانشور ۱۳۷۲:۳۹). وقتی «سلیم» به «هستی» می‌گوید «شما می‌توانید زن دوم من باشید»، «هستی» آن‌چنان از «زن دوم بودن» نفرت دارد که حتا به اصطلاح «زن کسی بودن» هم معترض می‌شود: «نه! من نمی‌خواهم زن دوم مردی باشم. اصلاً نمی‌خواهم زن کسی باشم» (همان: ۱۲۵). به نظر «هستی»، مردی که زن چهارم‌اش را هم



به خاطر بچه‌دار نشدن طلاق می‌دهد، در حالی که عیب از خودش است، مانند «صدام» است (همان: ۲۸۵). اما به عقیده‌ی «مراد» — که با عقیده‌ی نویسنده یکی است — در مورد زن دوم گرفتن مردان، خود زن‌ها مقصر اند. اگر هیچ زنی زن مرد زار نشود، این مسئله از سطح جامعه محو می‌شود (دانشور ۱۳۸۰: ۱۸۹)؛ هم‌چنان که مادر «مریم» در مورد دخترش، در *شهری چون بهشت*، مقابل این کار، یعنی «سر هوو رفتن»، قرار می‌گیرد و از این دام سر می‌پیچد: «هرگز! هرگز جگرگوشه‌م رو بدبخت نمی‌کنم.» (دانشور ۱۳۴۰: ۸۷)

عشرت‌طلبی‌های «مردان توسلی» یا «موری»<sup>۱</sup> و رابطه‌ی او با «عشرت» (مامان‌عشی) برای «خانواده‌ی گنجور» در دسرساز می‌شود و نزدیک است که آن را از هم بپاشد (دانشور ۱۳۷۲: ۲۴۸-۲۴۹). حتا «جلال آل‌احمد»، همسر «سیمین»<sup>۲</sup> هم از این تنوع‌طلبی به‌دور نیست. وقتی که هم‌سفرهای «جلال» در سفر خارج، به «سیمین» می‌نویسند که «جلال» با یک زن هلندی روی هم ریخته و «سیمین» این موضوع را به «جلال» می‌نویسد، او در پاسخ می‌گوید: «به خاطر سرما و به امید بچه با این زن سر و سری پیدا کرده‌ام. مهربان هم هست.» و «سیمین» در جواب‌اش می‌نویسد: «تو از هیچ زنی بچه‌دار نمی‌شوی؛ هر چه قدر هم که مهربان باشد.» «هستی» می‌گوید که «آقای آل‌احمد»، به گمان من، یک قدیس می‌آمدند. و «سیمین» او را از این اشتباه درمی‌آورد: «حتا روح قدیس‌ها را اگر برهنه کنی، بیش‌ترشان تنوع‌طلب اند؛ اما توقع ندارند زن‌هایشان دست از پا خطا بکنند.» (دانشور ۱۳۸۰: ۲۲۰).

#### ۴- تعظیم و بزرگ‌داشت زنان

دانشور هر جا که توانسته از «زن» تمجید کرده‌است. در نامه‌یی خیالی به «پروین اعتصامی» و در خطاب به او می‌نویسد: «تو رفوگر دل‌ها ای. چرا که زن هستی و آیا نمی‌توان گفت که زن مرکز دایره‌ی وجود است؟» (دهباشی ۱۳۸۳: ۱۱۸۳). و در جایی دیگر معتقد است: «اگر دنیا به طور اعم دست زنان بود، بشر سعادت‌مند می‌شد.» و یا: «زن‌ها کشت را اختراع کردند تا مردهایشان به خطر نیافتند. زن‌ها مردها را هم رام کردند. چندین حیوان را هم رام کردند.» (همان: ۸۸۸) و در *سووشون*، جهان بدون جنگ و خون‌ریزی را جهانی می‌داند که به دست زن‌ها اداره شود: «کاش دنیا دست زن‌ها بود. زن‌ها که زاییده‌اند؛ یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند. [...] شاید مردها چون هیچ وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آن‌قدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بی‌آفرینند. اگر دنیا

<sup>۱</sup> نام «مردان» هم قابل‌توجه است.

<sup>۲</sup> شخصیت خود. دانشور در *جزیره‌ی سرگردانی* و *ساریان سرگردان*.

دست زن‌ها بود، جنگ کجا بود؟» (دانشور ۱۳۴۸:۱۹۳) و «راز جاودانگی انسان و آفرینش، دست زن‌ها است. زنانگی زینت.» (دانشور ۱۳۸۰:۱۹۴).

در داستان‌های *دانشور*، زمین، دریا، کویر، و حتا خدا، زن است: «دریا زن است یا مرد؟ پس اگر زن نیست پس چرا حیض می‌شود؟» (دانشور ۱۳۵۹:۲۴۹)؛ «کویر مثل زن است و آدم را عاشق خودش می‌کند.» (دانشور ۱۳۸۰:۱۹۴)؛ «عشق را زن‌ها اختراع کرده‌اند.» (همان:۲۳۸)؛ و «زمین مثل مادری است که از همه‌ی فرزندان‌اش، گل‌ها و میوه‌ها [...] پرستاری می‌کند.» (دانشور ۱۳۵۹:۱۴۴). «سلیم» مطالبی را از دفتر یادداشت‌اش برای «هستی» می‌خواند: «ای لایتناهی! تو کیستی؟ آیا تو هسته‌ی اتم ای که الکترون‌ها گرداگردت در حرکت اند؟ آیا به علت انفجار یک اتم. مادر، که تو بوده‌ای، حیات آغاز شده‌است؟ [...] هستی فقط به این اکتفا کرد که بگوید: پس خدا زن است.» اما «سلیم» می‌گوید: «خدا ورای جنسیت است.» (دانشور ۱۳۷۲:۳۷).

زن بیش‌ترین سهم را در پرورش فرزندان دارد و باغبان باغ زندگی است. «زری» دست‌کم در دو جای *سووشون* بر این نقش خود تأکید می‌کند: «تمام زندگی من همین طور گذشته؛ هر روز پشت چرخ چاهی نشسته‌ام و چرخ زندگی را به حرکت درآورده‌ام و آب پای گل‌هایی داده‌ام. [...] نمی‌توانم ببینم آن‌ها را کسی لگد کرده.» (دانشور ۱۳۴۸:۱۲۱ و ۱۳۰). و «سلیم» اعتقاد دارد زن‌ها وجودی گرمابخش دارند: «زن چه موجودی است که ما مردها به او پناه می‌بریم و در گرمای او و در هاله‌ی گرداگرد او زندگی یخ‌کرده‌ی خود را [...] گرم می‌کنیم.» (دانشور ۱۳۸۰:۳۱) و «قابله»ی داستان «زایمان»، عشق را در رنج زنان به هنگام زایمان می‌بیند (دانشور ۱۳۴۰:۹۳).

شاید در نظر اول، جمله‌های بالا درباره‌ی زنان، با آنچه که در برخی شخصیت‌های زن داستان‌های *دانشور* می‌بینیم در تضاد باشد (برای نمونه، دانشور ۱۳۴۸:۱۶۴؛ دانشور ۱۳۴۰: «شهری چون بهشت»؛ دانشور ۱۳۵۹: «به کی سلام کنم؟» و «سوترا»). اما به اعتقاد *دانشور*، همان زنان را هم نمی‌توان یک‌جا محکوم کرد: «آن‌ها ناگزیر اند. [...] زن‌هایی که دست‌شان به هیچ جا بند نیست. یا دزدی می‌کنند، یا گدایی، و یا خدمتکاری، و یا قاچاق‌چی می‌شوند. تنها یکی خودفروش می‌شود، بدون انتخاب و با هر کس و ناکس و برای کسب پول.» (دانشور ۱۳۸۰:۳۰۱).



## نتیجه‌گیری

- ۱- هرچند تعریفی واحد برای فمینیسم وجود ندارد، اما هسته‌ی همه‌ی مباحث فمینیستی را زن و مسائل مربوط به زنان تشکیل می‌دهد. از این جنبه، هر اثر ادبی را می‌توان از جنبه‌های فمینیستی بررسی کرد—به‌خصوص اگر نویسنده زن باشد.
- ۲- سیمین دانشور، به‌عنوان اولین زن نویسنده‌ی ادبیات داستانی ایران، یک فمینیست در چهارچوب فرهنگ ایرانی و اسلامی است. او که خود را متمایل به فمینیسم ایرانی و شرقی می‌داند، در آثار خود، جلوه‌هایی از نظام و فرهنگ مردسالار و ستم‌دیدگی و محرومیت زنان را، از نظر حقوق فردی و اجتماعی، به‌عنوان واقعیت‌هایی که باید تغییر کند، بازتاب داده‌است.
- ۳- دانشور فمینیسم غربی را به دلیل افراط‌گرایی محکوم می‌کند و به نوعی از فمینیسم معتقد می‌شود که حقوق برابر زن و مرد بن‌مایه‌ی اساسی آن است.
- ۴- دانشور در دفاع از حقوق زنان، گاهی برخی از قوانین فقهی و حقوقی را نیز زیر سؤال می‌برد.
- ۵- دانشور معتقد است که مردسالاری، در ذهن و زبان جامعه‌ی ایرانی نفوذ کرده‌است و یکی از راه‌های پاک کردن این ذهنیت، تعظیم و بزرگ‌داشت زنان است.
- ۶- دانشور زندگی بدون دغدغه و دردسر را در تساوی حقوق زن و مرد می‌داند؛ که در این زندگی، زن و مرد چون سیم‌های زیر و بم تار، آهنگی هم‌آهنگ می‌نوازند.

## منابع

- اعتصامی، پروین. ۱۳۷۴. *دیوان اشعار*. تهیه و تدوین فرشته‌ی وزیرن‌نسب. تهران: انتشارات پرنگار پارس.
- پاینده، حسین. ۱۳۸۱. «سیمین دانشور: شهرزادی پسامدرن». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه* ۶(۶۳): ۷۲-۸۱.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۲. *گفت‌مان نقد*. تهران: نشر روزنگار.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۴. «فرداستانی درباره‌ی دنیای یک زن». *نقد و بررسی کتاب* ۱۱: ۱۴-۲۶.
- حریری، ناصر. ۱۳۶۶. *هنر و ادبیات امروز*. بابل: کتاب‌سرای بابل.
- حسینی، مریم. ۱۳۸۵. «جنس دوم». *نافه* ۷(۳۲): ۳۰-۳۸.
- دانشور، سیمین. ۱۳۲۷. *آتش خاموش*. تهران: چاپ‌خانه‌ی علی‌اکبر علمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۴۰. *شهری چون بهشت*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۴۸. *سووشون*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۹. *به کی سلام کنم؟*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۲. *جزیره سرگردانی*. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۶. *از پرنده‌های مهاجر بی‌پرس*. تهران: نشر کانون و نشر نو.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۰. *ساریان سرگردان*. تهران: خوارزمی.
- دقیقی، مژده. ۱۳۸۱. «سرگردانی یک جیره‌ی همگانی است». *زنان* ۸۶: ۳۲-۳۶.
- دهباشی، علی. ۱۳۸۳. *بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی*. تهران: انتشارات سخن.
- سپانلو، محمدعلی. ۱۳۸۱. *نویسندگان پیشرو ایران*. چاپ ۶. تهران: انتشارات نگاه.
- سجادی، سیدمه‌لدی. ۱۳۸۴. «فمینیسم در اندیشه‌ی پست‌مدرنیسم». *فصل‌نامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان* ۸(۲۹): ۷-۳۸.
- طوفان، مسعود. ۱۳۷۲. «کشف تاریکی». *تکاپو* دوره‌ی نو(۷): ۹۲-۱۰۰.
- گویری، سوزان، و تورج رهنما. ۱۳۸۲. *در آستانه‌ی فصلی سرد*. چاپ ۲. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مافی، مریم. ۱۳۶۸. «صورت‌خانه‌ی دانشور». *نشر دانش* ۹(۵): ۷۰-۷۲.
- محمدی، سایر. ۱۳۸۰. *هر اتفاقی مرکز جهان است*. تهران: انتشارات نگاه.
- معمار، داریوش. ۱۳۸۵. «طرح عبور از جنسیت». *نامه* ۵۲: ۶۹-۷۱.
- مکاریک، ایرنازیم. ۱۳۸۴. *دانش‌نامه‌ی نظریه‌ی ادبی معاصر*. برگردان مهران مهاجر، و محمد نبوی. تهران: نشر آگه.
- وولف، ویرجینیا. ۱۳۸۴. *اتفاقی از آن خود*. برگردان صفورا نوربخش. چاپ ۲. تهران: انتشارات نیلوفر.





### نویسندگان

#### دکتر کاووس حسن‌لی،

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه شیراز  
khasanli@rose.shirazu.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز.  
وی تا کنون ۱۹ کتاب و بیش از ۵۰ مقاله به چاپ رسانده و بیش از ۶۰ سخن‌رانی در هم‌ایش‌ها و هم‌اندیشی‌های گوناگون داشته‌است.  
زمینه‌های آموزشی و پژوهشی وی ادبیات معاصر، گونه‌های ادبی، نقد ادبی، و سبک‌شناسی است. از طرح‌های پژوهشی وی می‌توان «راه‌نمای موضوعی نیم‌پژوهی»، «راه‌نمای موضوعی سعدی‌شناسی»، «گونه‌های نوآوری در شعر امروز ایران»، و «تصحیح پنج گنج حسینی» را نام برد.

#### قاسم سالاری،

دانش‌جوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز  
gsalari2000@yahoo.com



## بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی، و خدماتی- مراکز غیردولتی شهر تهران

دکتر زهره خسروی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

میترا خاقانی فرد

کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا

### چکیده

این پژوهش به بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی و خدماتی مراکز غیردولتی شهر تهران پرداخته‌است. بر اساس فهرست مراکز غیردولتی وزارت کار، از بین مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز، تعداد ۴۰۰ آزمودنی انتخاب شد که از این تعداد، ۳۵۹ نفر همکاری کردند. عوامل مورد بررسی، میزان حمایت همسر (در قالب مشارکت همسر در انجام کارهای خانه)، رضایت از ابعاد مختلف زندگی، تعارض نقش، شیوه‌های مقابله، حالات هیجانی. تجربه‌شده در اثر اشتغال، و ارتباط این موارد با سلامت روان است.

نتایج این پژوهش نشان داد که مقابله به شیوه‌ی جسمانی‌سازی، رضایت از زندگی، تعارض نقش، میزان درآمد، ساعات کار، و حالات هیجانی. منفی. تجربه‌شده در اثر اشتغال، عمده‌ترین عامل ایجاد اختلالات روان‌شناختی است. همچنین، گروه مدیران و پزشکان، در مقایسه با گروه کارشناسان و گروه خدماتی، حالات هیجانی. مثبت. بیش‌تر و رضایت از زندگی. بالاتری را نشان دادند و گروه خدماتی، در مقایسه با دو گروه دیگر، مشکلات روان‌شناختی. بیش‌تر و حالات هیجانی. منفی‌تری را تجربه کرده‌بودند.

### واژگان کلیدی

سلامت روان؛ زنان شاغل؛ حمایت همسر؛ شیوه‌های مقابله؛

این مقاله نتیجه‌ی طرح پژوهشی مصوب دانشگاه الزهرا و امور مشارکت زنان است.

در سال‌های اخیر، اگرچه حضور زنان در عرصه‌های شغلی، افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌است، اما اطلاعات ما در زمینه‌ی رابطه‌ی اشتغال زنان با سلامت روان آنان ناکافی است؛ زیرا تا این اواخر نیز عمده‌ی پژوهش‌ها و نظریه‌ها در مورد استرس‌های شغلی، بر پایه‌ی تجارب مردان شاغل بوده‌است (بیتی<sup>۱</sup> ۱۹۹۶؛ لانگ و کان<sup>۲</sup> ۱۹۹۳).

یکی از موضوعات مورد توجه در زمینه‌ی سلامت روان زنان، پی‌آمدهای روان‌شناختی اشتغال زنان است. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه، ناهم‌گون است. برخی معتقد اند که اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود، که یکی از پایه‌های عمده‌ی سلامت روان است، و نیز افزایش منابع ایجاد احساس رضایت و دریافت پاداش می‌شود. زنان شاغل بدین وسیله، امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را، که سبب افزایش عزت نفس است، پیدا می‌کنند (بیتی ۱۹۹۶) و نتایج برخی از پژوهش‌ها نیز نشان‌گر آن است که این دسته از زنان در سلامت عمومی، رضایت از زندگی، و اعتماد به نفس، نمرات بالاتر و در ناامیدی، عدم امنیت، و اضطراب نمرات پایین‌تری به دست آورده‌اند (ایورسون و مگوایر<sup>۳</sup> ۲۰۰۰).

از سوی دیگر، کسانی مانند مارکس و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) معتقد اند نقش‌های اجتماعی که زنان می‌آموزند، متمرکز بر توجه به دیگران و مراقبت از آنان است، که می‌تواند با نقش‌های حرفه‌یی آن‌ها در تعارض باشد. در بسیاری از مواقع زنان با کار اضافه، سعی در کاهش تعارض نقش دارند که این امر می‌تواند در آن‌ها ایجاد خستگی و فرسودگی کند. آگرستا<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) معتقد است زنان، علاوه بر ایفای نقش‌های شغلی، مجبور به ایفای سایر نقش‌ها چون حفظ شبکه‌ی خانواده، دوستان، و فرزندان نیز هستند؛ بنابراین تلاش بیش‌تر برای ایجاد هماهنگی بین نقش‌های حرفه‌یی و خانوادگی، می‌تواند رضایت شغلی و سلامت روان زنان را تحت تأثیر قرار دهد.

## مبانی نظری پژوهش

### آ- نظریه‌ی نقش‌های چندگانه

یکی از نظریه‌هایی که معتقد به پی‌آمد منفی اشتغال برای سلامت روان زنان است و به تبیین آن می‌پردازد، نظریه‌ی نقش‌های چندگانه است (بریانت و کنستان‌تین<sup>۶</sup> ۲۰۰۶). بر اساس

<sup>۱</sup> Beatty, Carol A.

<sup>۲</sup> Long, Bonita C., and Sharon E. Kahn

<sup>۳</sup> Iverson, Roderick D., and Catherine Maguire

<sup>۴</sup> Marks, Stephen R., Ted L. Huston, Elizabeth M. Johnson, and Shelley M. MacDermid

<sup>۵</sup> Agresta, Jacqueline Marie

<sup>۶</sup> Bryant, Rhonda M., and Madonna G. Constantine



این نظریه، ایفای نقش‌های متعدد و صرف انرژی برای ایجاد هماهنگی بین نقش‌های حرفه‌یی و خانوادگی، منجر به فرسودگی و عدم رضایت شغلی در زنان می‌شود. نظریه‌ی نقش‌های چندگانه، در قالب فرضیه‌ی «کمبود» نیز مطرح شده‌است. اساس این فرضیه بر این اصل است که انرژی انسان، محدود است و ایفای نقش‌های مهم و گوناگون چون مادری، همسری، خانه‌داری، و شغلی موجب فرسودگی و فشار در زنان شاغل می‌شود (هافمن و یانگ‌بیلد<sup>۱</sup> ۱۹۹۹).

### ب- نظریه‌ی هماهنگی نقش‌ها

بر اساس نظریه‌ی هماهنگی نقش‌ها، ایفای نقش‌های متعدد برای زنان عادی است. تنها، شیوه‌ی سازمان‌دهی این نقش‌های چندگانه است که می‌تواند پی‌آمد مثبت و یا منفی داشته‌باشد (بارنت و هاید<sup>۲</sup> ۲۰۰۱؛ مارکس و همکاران ۲۰۰۱).

بر اساس این نظریه، گرچه ایفای نقش‌های چندگانه می‌تواند ایجاد تعارض نماید، اما توانایی زنان برای سامان‌دهی سیستم کلی نقش‌ها، بیش از آن‌که خطرآفرین باشد، پاداش‌دهنده است. بارنت و هاید (۲۰۰۱) نشان دادند که انطباق با ایفای نقش‌های متعدد، امتیازاتی همچون حمایت اجتماعی، بیش‌تر و فراهم آمدن موقعیت‌هایی برای تجربه‌ی موفقیت در عرصه‌های مختلف را به همراه می‌آورد. بر این اساس، زنانی که نسبت به نقش‌های متعدد خود احساس تعهد نمایند و قادر باشند بین آن‌ها توازن برقرار کنند، رضایت از زندگی، بالاتر و سلامت روانی بهتری خواهندداشت (بریان و کنستان‌تین ۲۰۰۶). نظریه‌ی هماهنگی نقش‌ها، در قالب فرضیه‌ی «بهبود» نیز، که معتقد است ایفای نقش‌های مختلف، منابع متعددی برای احساس رضایت‌مندی و عزت نفس در زنان ایجاد می‌کند، مطرح شده‌است.

به‌رحال می‌توان گفت این نقش‌ها و مشارکت‌ها هستند که باعث رشد شخصیت و ایجاد شادی و سلامت در بزرگ‌سالی می‌شوند (هلر، جاج، و واتسون<sup>۳</sup> ۲۰۰۲)؛ بنابراین زنان نیز با ایجاد هماهنگی بین نقش‌های خانوادگی و شغلی، سبب اعتبار اجتماعی و رشد شخصیتی، خویش می‌شوند و تنها، زنانی که هویت تعریف‌شده‌یی دارند، قادر به مدیریت نقش‌های متعدد اند (مارکس و مک‌درمید<sup>۴</sup> ۱۹۹۶).

<sup>1</sup> Hoffman Lois W., and Lise M. Youngblade

<sup>2</sup> Barnett, Rosalind C., and Janet S. Hyde

<sup>3</sup> Heller, Daniel, Timothy A. Judge, and David Watson

<sup>4</sup> Marks, Stephen R., and Shelley M. MacDermid

## مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده

میزان مشارکت همسر در امور خانه یکی از عواملی است که می‌تواند سلامت روان زنان شاغل را تحت تأثیر قرار دهد. تغییر نگرش‌های سنتی در زمینه‌ی مشارکت مردان در کارهای خانگی و نگهداری از فرزندان، سلامت روان زنان و رضایت‌مندی زناشویی را افزایش خواهد داد؛ زیرا با به وجود آمدن تغییرات در ساختار نگرش‌های سنتی و کلیشه‌ی خانوادگی، زنان، آزادانه‌تر می‌توانند شغل دل‌خواه‌شان را پیدا کنند و کم‌تر از گذشته درگیر تعارضات نقشی و انتظارات تعیین‌شده باشند (هافمن و یانگ‌بیلد ۱۹۹۹).

نتایج پژوهش‌ها بیان‌گر آن است که زنانی که نقش سنتی (مادری، همسری) خانواده را پذیرفته‌اند، تعهدات شغلی کم‌تری را نشان داده‌اند و زنانی که نقش مشارکتی را می‌پذیرند، سطح بالاتری از عزت نفس و نگرش‌های آزادمشانه را نشان می‌دهند (سینامون و ریچ<sup>۱</sup> ۲۰۰۵).

پولاسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) عقیده دارد حمایت همسر و حمایت شغلی رابطه‌ی منفی با تعارض نقش، اضطراب، و افسردگی دارند و کاهش این حمایت‌ها نیز در ناسازگاری‌های روان‌شناختی مؤثر است (برگرفته از لانگ و کان ۱۹۹۳). مطالعات نشان داده‌است که موقعیت اجتماعی زنان، با دریافت حمایت اجتماعی، رضایت‌مندی زناشویی، رضایت شغلی و سلامت روان آن‌ها رابطه‌ی مستقیم دارد و به عنوان شناسه‌ی برای سنجیدن سلامت روان زنان شاغل به کار برده می‌شود (هاوورس<sup>۳</sup> ۱۹۹۷)؛ بنابراین می‌توان گفت علاوه بر این‌که نوع شغل و وجهه‌ی اجتماعی آن از عواملی است که می‌تواند بر سلامت روان زنان مؤثر باشد، درآمد زنان شاغل نیز احساس مشارکت در اداره‌ی امور اقتصادی خانواده را افزایش می‌دهد و احساس عدم کنترل بر تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و در حاشیه قرار گرفتن زنان را کاهش می‌دهد (خسروی ۱۳۷۸).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در رابطه‌ی اشتغال زنان و سلامت و رضایت‌مندی آنان مؤثر باشد، میزان ساعات کاری است. به نظر می‌رسد علت تغییرات شغلی زیاد زنان، نیمه‌وقت کار کردن آن‌ها و انتخاب شغل‌های خاص، با ساعات کاری محدود است (لی<sup>۴</sup> ۱۹۹۸).

عامل مهم دیگر، درگیری در نقش‌های متعدد است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چالش زنان با نقش‌های مختلف، بر سلامت روان‌شناختی آنان تأثیر می‌گذارد. عده‌ی از

<sup>1</sup> Cinamon, R. Gali, and Yisrael Rich

<sup>2</sup> Polasky, Lynn J.

<sup>3</sup> Haworth, John T.

<sup>4</sup> Lee, Christina



پژوهش‌گران معتقد اند که صرف ایفای نقش‌های متعدد برای زنان سودمند است و برخی دیگر می‌گویند این تعارض میان نقش‌ها است که در احساس سلامت زنان مؤثر است (اوهالورن و لینتون<sup>۱</sup> ۲۰۰۰) و عده‌ی دیگر نیز بیان کرده‌اند که کیفیت تجربیاتی که فرد از نقش‌های مختلف کسب می‌کند عامل احساس سلامت است (رادمن و همکاران<sup>۲</sup> ۲۰۰۲).

مسئله‌ی دیگر مؤثر بر سلامت فرد، شیوه‌های مقابله با مسائل است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شیوه‌ی مقابله‌ی متمرکز بر حل مسئله، سلامت روان را ارتقا می‌دهد. برخی معتقد اند مردان در حل مشکلات از روش تمرکز بر مشکل استفاده می‌کنند؛ اما شر و سنت/لورنس<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که زنان در برابر مشکلات از روش مقابله‌ی متمرکز بر هیجان یا جست‌وجوی حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند.

### اهداف پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا به بررسی عوامل مؤثر در سلامت روان (بر اساس دو نظریه‌ی تعدد نقش‌ها و هماهنگی نقش‌ها)، می‌پردازیم و در واقع، این دو نظریه را مورد آزمون قرار می‌دهیم، سپس به عوامل مؤثر در سلامت روان زنان، و بررسی مقایسه‌ی سلامت روان و عوامل مرتبط با آن، در گروه‌های مختلف شغلی، پرداخته خواهد شد.

### فرضیات پژوهش

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده که به آن‌ها اشاره شد، پژوهش حاضر به بررسی فرضیات زیر می‌پردازد:

۱- بین سلامت روان زنان شاغل و میزان مشارکت مردان در انجام امور خانه، تعارض نقش، شیوه‌های مقابله، رضایت از زندگی، و حالات هیجانی تجربه‌شده در اثر اشتغال، ارتباط وجود دارد.

۲- میزان مشارکت همسر، ساعات کاری، شیوه‌های مقابله، حالات هیجانی تجربه‌شده در اثر اشتغال، رضایت از زندگی، و تعارض نقش، در ایجاد سلامت روان زنان شاغل، نقش تعیین‌کننده‌ی دارد.

<sup>1</sup> O'Halloran, Theresa M., and Jeremy M. Linton

<sup>2</sup> Ruderman, Marian N., Patricia J. Ohlott, Kate Panzer, and Sara N. King

<sup>3</sup> Sherr, Lorraine, and Janet S. St. Lawrence

۳- بین سه گروه مدیران، کارشناسان و کارکنان خدماتی، در میزان سلامت روان، شیوه‌های مقابله، تعارض نقش، حالات هیجانی، تجربه‌شده در اثر اشتغال، و رضایت از زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی پس‌رویدادی است؛ زیرا به مواردی اشاره دارد که علت از پیش رخ داده‌است و مطالعه‌ی آن در حال حاضر، از طریق اثری که بر متغیر دیگر (معلول) بر جای گذاشته، امکان‌پذیر است (دلاور ۱۳۸۰).

### جامعه و نمونه‌ی پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی زنان شاغل در مراکز غیردولتی شهر تهران است. ابتدا بر اساس لیست کامپیوتری وزارت کار، آدرس مراکز غیردولتی تهران، که زنان در آن مشغول به کار بودند، تهیه شد. بر اساس لیست، از هریک از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز، یک منطقه انتخاب شد. تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه، به وسیله‌ی پرسش‌گران، برای اجرا در نظر گرفته‌شد (هرمنطقه ۸۰ پرسش‌نامه) و در نهایت، تعداد ۳۵۹ آزمودنی همکاری کرده، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. میانگین سنی آزمودنی‌ها، ۳۶/۵۲ (با انحراف استاندارد ۱۱/۳۲)، میانگین روزهای کاری در هفته، ۵/۴۱ (با انحراف استاندارد ۱/۸۹)، و میانگین ساعات کاری در روز، ۸/۲۶ (با انحراف استاندارد ۱/۱۹) بود. از نظر تحصیلی، بیش‌ترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس (۴۵/۱ درصد) و کم‌ترین، مربوط به سطح بی‌سواد (۷/۲ درصد) بود. از نظر شغلی نیز بیش‌ترین فراوانی مربوط به گروه کارشناسان (۶۵/۴ درصد) و کم‌ترین، مربوط به مشاغل مدیریتی بود.

### ابزارها

۱- پرسش‌نامه‌ی سلامت روان<sup>۱</sup> - در این پژوهش، فرم ۲۸سوالی پرسش‌نامه‌ی سلامت روان که در سال ۱۹۷۹ به دست گلدبرگ<sup>۲</sup> تهیه شده‌است، مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه، دارای چهار زیرمجموعه‌ی علائم جسمانی، اضطراب، کنش اجتماعی، و افسردگی است و هر زیرمجموعه هفت سؤال دارد. نمره‌گذاری به شکل طیف لیکرت است و کم‌ترین نمره برای هر سؤال صفر و بالاترین سه است.

<sup>۱</sup> General Health Questionnaire (GHQ)

<sup>۲</sup> Goldberg, David P.





این پرسش‌نامه به‌عنوان یک ابزار غربال‌گری در پژوهش‌های متعدد مورد استفاده قرار گرفته‌است و هدف استفاده از این پرسش‌نامه، دستیابی به طبقه‌ی تشخیصی خاصی در سلسله مراتب اختلالات روانی نیست، بلکه هدف اصلی آن، تمایز بین بیماری و سلامت است (استورا<sup>۱</sup> ۱۳۷۷). لازم به ذکر است هرچه نمره‌ی فرد در این پرسش‌نامه بالاتر باشد، فرد از سلامت روانی پایین‌تری برخوردار است. در مطالعات خارجی، پرسش‌نامه دارای اعتبار و روایی لازم است. در ایران نیز هومن (۱۳۷۶) با مطالعه بر روی نمونه‌ی ایرانی، انسجام درونی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرون‌باخ، ۰/۸۴ گزارش کرد. در مطالعه‌ی حاضر، ضریب آلفای کرون‌باخ به‌دست‌آمده برای پرسش‌نامه‌ی سلامت روان، ۰/۸۶ است، که در سطح کاملاً مورد قبولی است. همچنین نتیجه‌ی بازآزمایی با فاصله‌ی یک‌ماهه، ۰/۷۹ به دست آمد.

**۲- پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته-** پرسش‌نامه، دارای دو بخش است؛ بخش اول مربوط به ویژگی‌های فردی مثل سن، نوع شغل، و ساعات کاری آزمودنی‌ها است و در بخش دوم برای نقش‌های چندگانه و هماهنگی نقش‌ها، بر اساس مبانی نظری نظریه‌های استرس، در مورد میزان مشارکت همسر ۸ سؤال، حالات هیجانی تجربه‌شده در اثر اشتغال ۷ سؤال، رضایت از ابعاد مختلف زندگی ۶ سؤال، تعارض نقش ۵ سؤال، و شیوه‌های کنترل و مقابله ۷ سؤال تهیه شد. ضریب پایایی (آلفای کرون‌باخ) با استفاده از نمونه‌ی ۲۵۷ نفری، به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۹۱، ۰/۷۱، و ۰/۷۵ به دست آمد.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، و انحراف استاندارد) به کار گرفته‌شد و نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها، به روش رابطه‌ی پیرسون و رگرسیون، و آزمون T بررسی شد.

## نتایج پژوهش

در این قسمت، ابتدا نتایج توصیفی پژوهش ارائه می‌شود و در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم.

<sup>1</sup> Stora, Jean Benjamin

جدول ۱- فراوانی و درصد میزان مشارکت همسر در انجام امور خانه

متغیر	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	بی پاسخ	جمع
نظافت منزل	۷۰	۶۹	۲۸	۱۸	۱۷۴	۳۵۹
	درصد ۱۹٪	۱۹٪	۸٪	۵٪	۴۸٪	۱۰۰٪
پخت غذا	۱۰۸	۳۹	۱۲	۶	۱۹۴	۳۵۹
	درصد ۳۰٪	۱۱٪	۳٪	۲٪	۵۴٪	۱۰۰٪
شستن ظروف	۸۱	۵۵	۲۱	۱۸	۱۸۴	۳۵۹
	درصد ۲۳٪	۱۵٪	۶٪	۵٪	۵۱٪	۱۰۰٪
شستن و اتوی لباس‌ها	۸۹	۳۵	۲۱	۲۰	۱۹۴	۳۵۹
	درصد ۲۵٪	۱۰٪	۶٪	۶٪	۵۴٪	۱۰۰٪
مراقبت و نگهداری از فرزندان	۵۱	۵۵	۳۰	۱۴	۲۰۹	۳۵۹
	درصد ۱۴٪	۱۵٪	۸٪	۴٪	۵۸٪	۱۰۰٪
رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان	۴۷	۳۷	۱۷	۱۰	۲۴۸	۳۵۹
	درصد ۱۳٪	۱۰٪	۵٪	۳٪	۶۹٪	۱۰۰٪

چنان‌که در جدول ۱ دیده می‌شود، درصد کمی از همسران آزمودنی‌ها، به میزان زیاد، در تمیز کردن منزل، پخت غذا، شستن ظروف، شستن و اتوی لباس‌ها، نگهداری از فرزندان، و رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان کمک می‌کنند.

جدول ۲- فراوانی و درصد حالات هیجانی تجربه شده در اثر اشتغال

متغیر	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	بی پاسخ	جمع
فرسودگی و خستگی	۵۷	۹۷	۹۷	۷۰	۳۸	۳۵۹
	درصد ۱۶٪	۲۷٪	۲۷٪	۱۹٪	۱۱٪	۱۰۰٪
استقلال اقتصادی	۱۴	۷۹	۱۲۵	۱۱۱	۳۰	۳۵۹
	درصد ۴٪	۲۲٪	۳۵٪	۳۱٪	۸٪	۱۰۰٪
بی‌حوصلگی	۱۰۵	۱۱۴	۶۲	۳۸	۴۰	۳۵۹
	درصد ۲۹٪	۳۲٪	۱۷٪	۱۱٪	۱۱٪	۱۰۰٪
عصبانیت	۱۱۱	۱۱۶	۵۴	۳۵	۴۳	۳۵۹
	درصد ۳۱٪	۳۲٪	۱۵٪	۱۰٪	۱۲٪	۱۰۰٪
شور و نشاط	۳۶	۱۰۷	۱۲۵	۵۱	۴۰	۳۵۹
	درصد ۱۰٪	۳۰٪	۳۵٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰۰٪

چنان‌که در جدول ۲ دیده می‌شود، درصد بالایی از آزمودنی‌ها معتقد اند که اشتغال زنان، باعث فرسودگی و خستگی، استقلال اقتصادی، و ایجاد شور و نشاط در آنان می‌شود و درصد کمی معتقد اند که اشتغال، باعث عصبانیت و بی‌حوصلگی آنان می‌شود.



جدول ۳- فراوانی و درصد سوالات مربوط به تعارض نقش

متغیر	کاملاً غلط	غلط	درست	کاملاً درست	بی پاسخ	جمع
برآورده نکردن نیازهای شغلی	۵۲	۱۴۱	۱۰۰	۳۱	۲۵	۳۵۹
فراوانی	۱۴٪	۳۹٪	۲۸٪	۹٪	۱۰٪	۱۰۰٪
درصد						
انجام ندادن انتظارات شغلی به نحو احسن	۳۸	۱۰۳	۶۲	۲۷	۱۲۹	۳۵۹
فراوانی	۱۱٪	۲۹٪	۱۷٪	۸٪	۳۶٪	۱۰۰٪
درصد						
سخت و طاقت فرسا بودن انجام وظایف خانگی	۳۱	۱۲۳	۱۱۷	۳۹	۴۹	۳۵۹
فراوانی	۹٪	۳۴٪	۳۳٪	۱۱٪	۱۴٪	۱۰۰٪
درصد						
انجام نقش‌های شغلی و خانوادگی به بهترین شکل	۴	۱۹	۱۰۳	۱۹۹	۳۴	۳۵۹
فراوانی	۱٪	۵٪	۲۹٪	۵۵٪	۱۰٪	۱۰۰٪
درصد						
انجام وظایف مادری و همسری به عنوان مهم‌ترین وظیفه‌ی	۷	۱۴	۱۰۸	۱۷۹	۵۱	۳۵۹
فراوانی	۲٪	۴٪	۳۰٪	۵۰٪	۱۴٪	۱۰۰٪
درصد						

چنان‌که در جدول ۳ دیده می‌شود، بیش از ۳۰ درصد آزمودنی‌ها، بین ایفای نقش‌های خانوادگی و شغلی و ۲۰ درصد آن‌ها بین نیازهای فرزندان و انتظارات شغلی احساس تعارض می‌کنند. نزدیک به نیمی از آزمودنی‌ها احساس می‌کنند انجام وظایف خانگی کار سخت و طاقت‌فرسای است و بیش‌تر آزمودنی‌ها معتقد اند که زن موفق کسی است که هم نقش‌های خانوادگی و هم نقش‌های شغلی خود را به بهترین شکل انجام دهد.

جدول ۴- فراوانی و درصد سوالات مربوط به رضایت از زندگی و رضایت شغل

متغیر	کاملاً غلط	غلط	درست	کاملاً درست	بی پاسخ	جمع
راضی بودن از زندگی	۱۳	۴۷	۱۵۴	۱۱۵	۳۰	۳۵۹
فراوانی	۴٪	۱۳٪	۴۳٪	۳۲٪	۸٪	۱۰۰٪
درصد						
راضی بودن از زندگی زناشویی	۱۲	۲۱	۱۰۱	۱۰۱	۱۲۴	۳۵۹
فراوانی	۳٪	۶٪	۲۸٪	۲۸٪	۳۵٪	۱۰۰٪
درصد						
راضی بودن از میزان درآمد	۹۵	۱۱۴	۸۸	۲۶	۳۶	۳۵۹
فراوانی	۲۶٪	۳۲٪	۲۵٪	۷٪	۱۰٪	۱۰۰٪
درصد						
راضی بودن از موفقیت شغلی	۵	۲۰	۱۶۷	۱۴۳	۲۴	۳۵۹
فراوانی	۱٪	۶٪	۴۷٪	۴۰٪	۷٪	۱۰۰٪
درصد						
انجام کار ارزشمند در شغل	۳	۱۷	۱۹۲	۱۰۸	۳۹	۳۵۹
فراوانی	۱٪	۵٪	۵۳٪	۳۰٪	۱۱٪	۱۰۰٪
درصد						
تأثیر مثبت در زندگی دیگران	۲	۳۷	۱۷۷	۱۱۰	۳۳	۳۵۹
فراوانی	۱٪	۱۰٪	۴۹٪	۳۱٪	۹٪	۱۰۰٪
درصد						

چنان‌که در جدول ۴ دیده می‌شود، درصد بالایی از آزمودنی‌ها، از موفقیت شغلی خود راضی هستند، درصد بالایی از آنان معتقد اند که با شغل‌شان کاری ارزشمند انجام داده‌اند و هم‌چنین درصد بالایی نیز معتقد اند که از طریق شغل‌شان، در زندگی دیگران تأثیر مثبت داشته‌اند.

جدول ۵- فراوانی و درصد شیوه‌های مقابله

متغیر	کاملاً غلط	غلط	درست	کاملاً درست	بی‌پاسخ	جمع
دچار مشکلات جسمی شدن	۷۹	۶۶	۸۶	۵۰	۷۸	۳۵۹
درصد	٪۲۲	٪۱۸	٪۲۴	٪۱۴	٪۲۲	٪۱۰۰
دچار مشکلات هیجانی شدن	۶۸	۳۹	۱۳۱	۶۵	۵۶	۳۵۹
درصد	٪۱۹	٪۱۱	٪۳۶	٪۱۸	٪۱۶	٪۱۰۰
انتخاب مناسب‌ترین راه	۵۸	۳۵	۱۴۹	۵۹	۵۸	۳۵۹
درصد	٪۱۶	٪۱۰	٪۴۲	٪۱۶	٪۱۶	٪۱۰۰

چنان‌که در جدول ۵ دیده‌می‌شود، نزدیک به نیمی از آزمودنی‌ها معتقد اند در برخورد با مشکلات، دچار مشکلات جسمی مثل سردرد، احساس تهوع، تپش قلب، بی‌خوابی، و مشکلات هیجانی مثل خشم و عصبانیت می‌شوند و در برخورد با مشکلات، سعی می‌کنند تمام راه حل‌های ممکن را در نظر بگیرند و مناسب‌ترین آن را انتخاب کنند.

جدول ۶- همبستگی بین ابعاد مختلف مشارکت همسر، حالات هیجانی، رضایت از زندگی، رضایت شغلی، و شیوه‌های مقابله با سلامت روان

متغیر	رضایت شغلی	رضایت از زندگی	هیجانان منفی	هیجانان مثبت	مشارکت در انجام امور خانه	تعارض نقش
عدم سلامت روان	۰/۲۵*	۰/۴۱*	۰/۵۳*	۰/۲۷*	۰/۱۳	۰/۳۴*
مشارکت	۰/۳۷*	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۳۷*	۱/۰۰	۰/۲۱
هیجان‌های مثبت	۰/۱۱	۱/۰۰	۰/۴۳*	۱/۰۰	۰/۲۸	۰/۳۵*
رضایت از زندگی	۰/۳۵*	۱/۰۰	۰/۱۳	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۴۱*
رضایت شغلی	۱/۰۰	۰/۲۵	۰/۲۸*	۰/۴۸*	۰/۱۳	۰/۳۱*
ساعت کار روزانه	۰/۴۲*	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۳۳*
روزهای کار هفتگی	۰/۲۳*	۰/۲۸*	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۳۳*
شیوهی مقابله‌ی هیجان‌مدار	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۱۹*	۰/۲۵*	۰/۳۸*	۰/۲۱
شیوهی مقابله‌ی جسمانی‌سازی	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۱۸	۱۲	۰/۳۰*
شیوهی مقابله‌ی مسئله‌مدار	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۱۵	۱۷	۰/۱۹

\* جمع نمره‌ی اختلال‌های روان‌شناختی

چنان‌که در جدول ۶ دیده‌می‌شود، اختلالات روانی (عدم سلامت روان)، با رضایت از زندگی، رضایت شغلی و تجربه‌ی هیجانان مثبت، رابطه‌ی منفی، و با تجربه‌ی هیجانان منفی، رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد.



جدول ۷- تحلیل رگرسیون گام به گام

نام متغیر	F	معنی داری	R <sup>2</sup>	درجه‌ی آزادی	$\beta$	T	معناداری
شیوه‌های مقابله	۳۲/۰۲	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۱	۰/۵۲	۵/۶۵	۰/۰۰۰۱
رضایت از زندگی	۲۳/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۹	۲	-۰/۲۹	-۳/۲۴	۰/۰۰۱
تعارض نقش	۱۸/۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴	۳	۰/۲۲	۲/۵۵	۰/۰۱
میزان درآمد	۱۵/۷۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴	۴	۰/۱۸	۲/۱۶	۰/۰۳
ساعات کار	۱۴/۹۷	۰/۰۰۱	۰/۴	۵	۰/۲۳	۲/۶۴	۰/۰۰۹
حالت‌های هیجانی منفی	۱۳/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۳	۶	۰/۱۹	۲/۱۱	۰/۰۳

چنان‌که در جدول ۷ دیده می‌شود، مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلالات، به ترتیب اهمیت، عبارت‌اند از: شیوه‌های مقابله؛ رضایت از زندگی (به شکل منفی)؛ تعارض نقش؛ میزان درآمد؛ ساعات کار؛ و حالات هیجانی منفی. تجربه شده در اثر اشتغال.

جدول ۸- مقایسه‌ی دو گروه کاری (زیر شش ساعت و بالای شش ساعت کار روزانه) در زیرمجموعه‌هایی که تفاوت معنادار بوده است

متغیر	گروه یک	گروه دو	t	معناداری
رضایت از زندگی	۹/۴۰	۸/۶۰	۱/۹۱	۰/۰۵
انحراف استاندارد	۱/۵۰	۲/۱۱		
حالت‌های هیجانی	۶/۳۱	۶/۹۸	۱/۸۵	۰/۰۵
انحراف استاندارد	۲/۳۳	۲/۶۸		
جمع نمره‌ی اختلال‌ها	۴۴/۲۱	۵۰/۵۹	۳/۴۰	۰/۰۰۱
انحراف استاندارد	۱۱/۷۸	۱۳/۳۹		

چنان‌که در جدول ۸ دیده می‌شود، گروهی که ساعات کاری‌شان بیش از شش ساعت است، بیش‌تر از گروهی که ساعات کاری کم‌تر از شش ساعت دارند، مشکلات روان‌شناختی و حالات هیجانی منفی را تجربه می‌کنند و به‌عکس، گروه زیر شش ساعت، رضایت از زندگی بیش‌تری را گزارش کرده‌اند.

جدول ۹- مقایسه‌ی نمره‌های سه گروه شغلی (پزشکان و مدیران، کارشناسان و کارمندان، و گروه خدماتی) در زیرمجموعه‌هایی که تفاوت معنادار بوده است

متغیر	درجه‌ی آزادی	f	معناداری
حالت‌های هیجانی منفی*	۲	۶/۴۱	۰/۰۰۱
حالت‌های هیجانی مثبت	۲	۶/۴۵	۰/۰۰۱
رضایت از زندگی***	۲	۳/۳۰	۰/۰۳
جمع نمره‌ی اختلال‌ها****	۲	۵/۱۱	۰/۰۰۶

چنان‌که در جدول ۹ دیده می‌شود، نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد آزمودنی‌های مربوط به گروه خدمات، حالات هیجانی منفی و مشکلات روانشناختی بیش‌تری را، نسبت به دو گروه دیگر، تجربه کرده‌اند و آزمودنی‌های مربوط به گروه پزشکان و مدیران نیز، حالات هیجانی مثبت و رضایت از زندگی بیش‌تری را، نسبت به دو گروه دیگر، تجربه کرده‌اند.

جدول ۱۰- نتایج مقایسه‌ی میانگین‌های سه گروه سنی در زیرمجموعه‌های پرسش‌نامه در مواردی که تفاوت معنادار بوده‌است

زیرمجموعه‌ها	۲۰ تا ۳۰ سال		۳۱ تا ۴۰ سال		۴۱ تا ۶۰ سال		معناداری
	سال	میانگین	سال	میانگین	سال	درجه‌ی آزادی	
حالات منفی ایجادشده توسط شغل	۶٫۳۲	۶٫۶۸	۸٫۲۱	۸٫۲۱	۲	۸٫۵۲	۰٫۰۰۰۳
	۲٫۴۴	۲٫۴۵	۳٫۱۵	۳٫۱۵	۲	۳٫۱۵	۰٫۰۴
بی‌آمدهای اشتغال زنان	۲٫۲۲	۲٫۲۲	۱٫۹۰	۱٫۹۰	۲	۲٫۹۸	۰٫۰۴
	۲٫۷۲	۲٫۷۲	۲٫۰۰	۲٫۰۰	۲	۲٫۹۸	۰٫۰۴
بی‌آمدهای اشتغال‌اش	۲٫۵۹	۳٫۱۰	۲٫۶۸	۲٫۶۸	۲	۲٫۹۸	۰٫۰۴
	۲٫۷۲	۲٫۷۲	۲٫۰۰	۲٫۰۰	۲	۲٫۹۸	۰٫۰۴

چنان‌که در جدول ۱۰ دیده می‌شود، با استفاده از آزمون تعقیبی شفه مشخص شد گروه سنی ۴۱ تا ۶۰ سال، در مقایسه با دو گروه دیگر، حالات هیجانی منفی بیش‌تری را در شغل خویش تجربه می‌کنند. همچنین، گروه ۲ و ۳، در مقایسه با گروه ۱، هم خودشان معتقد به بی‌آمدهای منفی اشتغال‌اند و هم نگرش همسرشان را نسبت به بی‌آمدهای شغل خویش منفی‌تر می‌دانند.

### بحث در نتایج

ابتدا به بررسی نتایج توصیفی پژوهش پرداخته می‌شود و سپس فرضیات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد اشتغال زنان، پایگاه اجتماعی آن‌ها، ساعات و روزهای کاری، و حتی کمک اقتصادی قابل ملاحظه‌ی آنان برای خانواده، تأثیری بر تقسیم کار خانگی و مشارکت بیش‌تر مردان در انجام امور خانگی ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های نفولز<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، لانگ و کان (۱۹۹۳)، و خسروی (۱۳۸۱)، در بعد میزان مشارکت مردها در امور خانوادگی هم‌خوان است.

<sup>۱</sup> Napholz, Linda



میانگین ساعات کاری به دست آمده برای زنان در بیرون از خانه ۸/۴۳ ساعت است. با جمع این میانگین و ساعات کار درون خانه، که محدوده‌ی خاصی نیز ندارد، می‌توان گفت برای این دسته از زنان، ساعت شروع و پایان کار، معنا و مفهوم ندارد؛ شاید به همین دلیل باشد که احساس خستگی و فرسودگی، به‌رغم رضایت شغلی بالا، بین زنان مورد مطالعه رایج بود.

نتایج پژوهش نشان داد گروه عمدۀیی از زنان، بین نقش‌های خانوادگی و شغلی خود و به‌خصوص بین برآوردن نیازهای فرزندان‌شان و نقش‌های شغلی، احساس تعارض داشته‌اند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت روان زنان شاغل، درگیری در نقش‌های متعدد است. نتایج پژوهش‌ها نشان داده که درگیری در نقش‌ها، بر سلامت روان‌شناختی زنان تأثیر مثبت می‌گذارد، اما تعارض میان نقش‌ها نیز، در احساس سلامت زنان، عاملی تعیین‌کننده است (بات‌لر<sup>۱</sup> و کسنتان‌تین ۲۰۰۵)؛ برای مثال، اساس تعارض بین نقش‌های شغلی و خانوادگی، برای زنان صاحب فرزند، حدود ۲۰ درصد بیش از زنان فاقد فرزند است.

البته باید توجه داشت که کیفیت تجربیاتی که فرد در هر نقش کسب می‌کند، بیش از تعداد نقش‌هایی که اشغال می‌کند در احساس سلامت مؤثر است؛ به‌علاوه‌ی این‌که به تاریخچه‌ی زندگی افراد نیز، باید به‌عنوان یک شناسه‌ی مهم در کنار تعدد نقش‌ها توجه کرد؛ برای مثال، وقتی که صحبت از نقش مادری می‌شود به تفاوت‌های موجود در شرایط افراد، مثل تعداد بچه‌ها، سن آن‌ها، و سایر عوامل توجهی نمی‌شود. اردوینز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، به مسئله‌ی اضطراب جدایی، در مادرانی که فرزند خردسال دارند و مجبور به ترک آن‌ها در ساعات کاری هستند، اشاره می‌کند. اضطراب جدایی در قالب احساس نگرانی و گناه از ترک کودک آشکار می‌شود و این حس در مادر به وجود می‌آید که دیگران به خوبی او قادر به نگهداری از فرزندش نمی‌باشند. احساس گناه و نگرانی، دو عامل مهم و تأثیرگذار بر سلامت روان اند؛ به طوری‌که هر چه این احساسات افزایش یابند، حالات تحریک‌پذیری، خستگی، و دل‌مشغولی با امور نگران‌کننده نیز افزایش خواهد یافت.

شاید بر اساس نتایج پژوهش حاضر بتوان گفت اگرچه اشتغال زنان منابع بیش‌تری برای رضایت‌مندی و عزت نفس آنان فراهم کرده‌است، اما در عین حال موجب احساس خستگی و فرسودگی نیز شده‌است، که این احساس خستگی و فرسودگی با تعارض نقش، ارتباط بالایی را نشان داده‌است.

<sup>1</sup> Butler, S. Kent, and Madonna G. Constantine

<sup>2</sup> Erdwins, Carol J., Louis C. Buffardi, Wendy J. Casper, and Alison O'Brien

اشتغال علاوه بر استقلال اقتصادی، برای زنان احساس کفایت، اعتماد به نفس، و فضایی حمایتی را فراهم می‌آورد، که می‌تواند تأثیر بسیاری از استرس‌ها را کاهش دهد؛ به‌خصوص با توجه به این‌که زنان به ارتباطات اجتماعی، بهای بیش‌تری می‌دهند و حمایت‌های ارتباطی-اجتماعی برای آنان نقش تعیین‌کننده‌تری، در مقایسه با مردان دارد. یکی از اصول عمده‌ی زندگی-زنان، داشتن ارتباط، حمایت متقابل و هم‌دلی با دیگران است. در واقع، دادن و گرفتن حمایت یکی از عمده‌ترین روش‌های مقابله با مشکلات در زنان است. به‌خصوص دریافت حمایت از ناحیه‌ی همسر که برای ایشان نقش تعیین‌کننده‌تری از دریافت حمایت دیگران دارد (برانون<sup>۱</sup> ۱۹۹۹).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد درصد بالایی از زنان مورد مطالعه احساس می‌کنند از طریق شغل خود کاری ارزش‌مند انجام می‌دهند، که این مسئله می‌تواند توجیه‌کننده‌ی رضایت شغلی-بالای آزمودنی‌ها، به‌رغم نارضایتی از سطح درآمد باشد. احساس رضایت از شغل و انجام کاری ارزش‌مند، از عوامل مهم درگیری در نقش‌های اجتماعی و تأثیر آن بر سلامت است.

در بررسی فرضیه‌ی اول، پژوهش، نتایج نشان داد که احساس انجام کاری ارزش‌مند، تجربه‌ی هیجانی مثبت حاصل از شغل، رضایت از زندگی، و رضایت شغلی، که همگی به‌نوعی نشان‌دهنده‌ی ادراک فرد از موقعیت شغلی است، با اختلالات روان‌شناختی رابطه‌ی منفی دارند. همچنین تعارض نقش، حالات هیجانی منفی تجربه‌شده در اثر اشتغال، و مقابله به شیوه‌ی هیجانی و جسمانی‌سازی، با اختلالات روان‌شناختی رابطه‌ی مثبت دارند. در تفسیر این یافته می‌توان گفت زمانی که فرد، چند نقش مهم را به عهده دارد، حمایت از منزلت، که یک حمایت هیجانی است، سبب انتقال این مفهوم می‌شود که فرد، با ارزش است و این مسئله، اثر کم‌تری از حمایت عینی یا حمایت‌های مادی و تهیه‌ی امکانات ندارد (پولاسکی ۱۹۹۸؛ برگرفته از لانگ و کان ۱۹۹۳). در واقع احساس انجام کاری ارزش‌مند و تجربه‌ی حالات هیجانی مثبت، در نقش حمایت‌گر منزلت فرد عمل می‌کند و حایلی است که فشارهای وارده‌ی حاصل از ایفای نقش‌های متعدد را کاهش می‌دهد.

در بررسی فرضیه‌ی دوم پژوهش، مشخص شد یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلالات، شیوه‌های مقابله بود. با توجه به این‌که زنان شاغل، نقش‌هایی چندگانه را به دوش دارند و پژوهش‌های متعدد نیز (چنان‌که پیش‌تر اشاره شد) متذکر شده‌اند که این وضعیت می‌تواند استرس‌زا باشد و سلامت روان را در معرض خطر قرار دهد، در صورت

<sup>1</sup> Brannon, Linda





استفاده از روش‌های مواجهه‌ی مؤثر و کارآمد، فرد احساس تسلط بر شرایط می‌کند و در وی احساس کفایت و رضایت ایجاد می‌شود؛ در غیر این صورت احساس فرسودگی، عدم رضایت، و بی‌کفایتی در وی شکل می‌گیرد، که تمامی این حالات، اختلالات روان‌شناختی را تشدید می‌کند.

رضایت از زندگی، دومین عامل مهم در ایجاد اختلالات بود. فردی که به طور کلی از زندگی‌اش رضایت دارد، با خوش‌بینی‌تر، پیش‌تری به وقایع و امور، نگاه می‌کند. این حالت خوش‌بینی، هم‌چون حایلی عمل می‌کند که قادر است اثر فشارها را تعدیل کند.

تعارض نقش، سومین عامل مهم در ایجاد اختلالات است. مداخله بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، از منابع مهم استرس برای زنان است و می‌تواند پی‌آمدهای جدی و خطرناکی داشته‌باشد. احساس تعهد. زیاد زنان نسبت به کار و حرفه‌ی خود، با توجه به این‌که این امر مغایر کلیشه‌های پذیرفته‌شده‌ی جنسی است، در آنان احساس گناه و ناخشنودی ایجاد می‌کند و احساس تعهد بالا نسبت به خانواده نیز، امکان ارتقای شغلی را برای ایشان کاهش می‌دهد؛ بنابراین همان‌گونه که پژوهش حاضر نشان داد، بسیاری از زنان برای رفع این تعارض، سعی می‌کنند حالت آبرزن را داشته‌باشند و بالاتر از توان و طاقت خود تلاش کنند، که پی‌آمد این امر، فرسودگی و خستگی خواهد بود.

میزان درآمد نیز عامل مهمی جهت ایجاد اختلالات است. وقتی که پاداش دریافتی نتواند هزینه‌ی پرداختی برای اشتغال را جبران کند، سلامت روان به خطر می‌افتد.

عامل دیگر، میزان ساعات کار است. انعطاف‌پذیر بودن و محدود بودن ساعات کار امکان انجام نقش‌های متعدد را برای زنان فراهم می‌آورد. سایر پژوهش‌ها نیز به کار متغیر، ساعات زیاد کار، مسافرت در کار، خطر در کار، فن‌آوری بالای کار، و بار اضافی کار به عنوان عوامل ایجاد اختلالات اشاره کرده‌اند (ببینگ‌تون<sup>۱</sup> ۱۹۹۸).

حالات هیجانی منفی مثل فرسودگی و عصبانیت، که فرد را در مقابل فشارهای وارده آسیب‌پذیرتر می‌کند و امکان مقابله‌ی موفق را کاهش می‌دهد، نیز از جمله‌ی عوامل ایجاد اختلالات محسوب می‌شود.

به طور کلی، تفسیر این یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان متأهل شاغل نسبت به زنان مجرد شاغل مشکلات روان‌شناختی بیش‌تری را تجربه می‌کنند و رضایت شغلی کم‌تری دارند. با افزایش سن، تجربه‌ی حالات منفی مانند فرسودگی، خستگی، و بی‌حوصلگی افزایش

<sup>1</sup> Bebbington, Paul E.

می‌یابد و این امر تأییدی است بر فرضیه‌هایی که به تأثیر تعدد و تعارض نقش در تجربه‌ی استرس در زنان شاغل می‌پردازند.

بررسی سومین فرضیه‌ی پژوهش نشان داد زنان شاغل در بخش‌های خدماتی، مشکلات روان‌شناختی بیشتر، رضایت از زندگی کم‌تر و تجارب هیجانی وابسته به شغل بیشتر را تجربه می‌کنند. در تفسیر این یافته می‌توان گفت منزلت اجتماعی، در رویارویی با شرایط استرس‌زا، به‌عنوان عامل میانی عمل می‌کند و موجب می‌شود از اثر عوامل استرس‌زا کاسته شود. همچنین امتیازاتی که شغل، برای مدیران و پزشکان می‌آورد و می‌تواند از عوامل کاهش استرس باشد، بسیار بیشتر از مشاغل خدماتی است.

نتایج پژوهش حاضر، به تأیید بخشی از نظریه‌های تعدد نقش‌ها و همچنین هماهنگی نقش‌ها انجامید. در واقع، براساس نظریه‌ی تعدد نقش‌ها یا نقش‌های چندگانه، ایفای نقش‌های متعدد و صرف انرژی برای ایجاد هماهنگی بین نقش‌های حرفه‌یی و خانوادگی، به دلیل محدود بودن انرژی انسان، منجر به فرسودگی و عدم رضایت شغلی در زنان می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، زنان از رضایت شغلی نسبتاً خوبی برخوردار اند و تجارب هیجانی مثبت مثل احساس انجام یک کار ارزشمند و احساس استقلال اقتصادی که در اثر اشتغال به وجود می‌آیند، تأییدکننده‌ی بخشی از نظریه‌ی هماهنگی نقش‌ها است که معتقد است اگرچه ایفای نقش‌های چندگانه می‌تواند ایجاد تعارض نماید، اما توانایی زنان برای سامان‌دهی سیستم کلی نقش‌ها، بیش از آن‌که خطرآفرین باشد، پاداش‌دهنده است و برای آنان منابعی از احساس رضایت‌مندی، سودمند بودن، و عزت نفس را فراهم می‌آورد، که این منابع می‌توانند تأثیر تعارض نقش‌ها را کاهش دهند.



## منابع

- استورا، جین بنجامین. ۱۳۷۷. *تنیدگی یا استرس*. برگردان پریخ دادستان. تهران: انتشارات رشد.
- خسروی، زهره. ۱۳۷۸. *بررسی مشکلات عاطفی، روانی، و اجتماعی زنان سرپرست خانواده*. تهران: دفتر امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری.
- . ۱۳۸۱. *بررسی عوامل تهدیدکننده سلامت روان زنان دانشگاهی*. تهران: پژوهشکده‌ی زنان.
- دلاور، علی. ۱۳۸۰. *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- هومن، عباس. ۱۳۷۶. «بررسی پایایی و اعتبار پرسش‌نامه‌ی سلامت عمومی گلدبرگ». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- Agresta, Jacqueline Marie. 2002. "Role Perceptions of School Mental Health Personnel: Their Unique and Overlapping Functions." *Dissertation Abstracts International, B: The Sciences and Engineering* 63(5-A):199–208.
- Barnett, Rosalind C., and Janet S. Hyde. 2001. "Women, Men, Work, and Family: An Expansionist Theory." *American Psychologist* 56(10):781–796.
- Beatty, Carol A. 1996. "The Stress of Managerial and Professional Women: Is the Price Too High?" *Journal of Organizational Behaviour* 17(3):233–251.
- Bebbington, Paul E. 1998. "Sex and Depression." *Psychological Medicine* 28(1):1–8.
- Brannon, Linda. 1999. *Gender: Psychological Perspectives*. 2<sup>nd</sup> Edition. Boston, MA, USA: Allyn and Bacon.
- Bryant, Rhonda M., and Madonna G. Constantine. 2006. "Multiple Role Balance, Job Satisfaction, and Life Satisfaction in Women School Counselors." *Professional School Counseling* 9(4):265–271.
- Butler, S. Kent, and Madonna G. Constantine. 2005. "Collective Self-Esteem and Burnout in Professional School Counselors." *Professional School Counseling* 9(1):55–62.
- Cinamon, R. Gali, and Yisrael Rich. 2005. "Work-family Conflict among Female Teachers." *Teaching and Teacher Education: An International Journal of Research and Studies* 21(4):365–378.
- Erdwins, Carol J., Louis C. Buffardi, Wendy J. Casper, and Alison O'Brien. 2001. "The Relationship of Women's Role Strain to Social Support, Role Satisfaction, and Self-Efficacy." *Family Relations* 50(3):230–238.
- Haworth, John T. 1997. *Work, Leisure, and Well-Being*. London, UK: Routledge.
- Heller, Daniel, Timothy A. Judge, and David Watson. 2002. "The Confounding Role of Personality and Trait Affectivity in the Relationship between Job and Life Satisfaction." *Journal of Organizational Behavior* 23(7):815–835.
- Hoffman, Lois W., and Lise M. Youngblade. 1999. *Mothers at Work: Effects on Children's Well-Being*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Iverson, Roderick D., and Catherine Maguire. 2000. "The Relationship between Job and Life Satisfaction: Evidence from a Remote Mining Community." *Human Relations* 53(6):807–839.
- Lee, Christina. 1998. *Women's Health: Psychological and Social Perspectives*. London, UK: Sage Publication.

- Long, Bonita C., and Sharon E. Kahn. 1993. *Women, Work, and Coping: A Multidisciplinary Approach to Workplace Stress*. Montreal, Quebec, Canada: McGill-Queen's University Press.
- Marks, Stephen R., Ted L. Huston, Elizabeth M. Johnson, and Shelley M. MacDermid. 2001. "Role Balance among White Married Couples." *Journal of Marriage and the Family* 63(4):1083-1098.
- Marks, Stephen R., and Shelley M. MacDermid. 1996. "Multiple Roles and the Self: A Theory of Role Balance." *Journal of Marriage and the Family* 58(2):417-432.
- Napholz, Linda. 1995. "Indexes of Well-Being and Role Commitment among Working Women." *Journal of Women Employment Counseling* 32(1):23-31.
- O'Halloran, Theresa M., and Jeremy M. Linton. 2000. "Stress on the Job: Self-Care Resources for Counselors." *Journal of Mental Health Counseling* 22(4):354-364.
- Ruderman, Marian N., Patricia J. Ohlott, Kate Panzer, and Sara N. King. 2002. "Benefits of Multiple Roles for Managerial Women." *Academy of Management Journal* 45(2):369-386.
- Sherr, Lorraine, and Janet S. St. Lawrence, eds. 2000. *Women, Health, and the Mind*. New York, USA: John Wiley and Sons.

## نویسندگان

## دکتر زهره خسروی،

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا  
zohreh\_khosravi@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دوره‌ی دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه New South Wales، سیدنی، استرالیا.  
وی مقاله‌های فراوانی در زمینه‌ی آسیب‌های روانی و اجتماعی، با تأکید بر مسائل فرهنگی و شناختی، و بررسی مسائل زنان نگاشته‌است.

## میترا خاقانی فرد،

کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا

## شکاف جنسیتی در کاربرد کامپیوتر و اینترنت بررسی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران

دکتر سوسن باستانی

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

شهناز میزبان

کارشناس ارشد پژوهش‌گری

### چکیده

پژوهش حاضر، که شکاف بین زنان و مردان را از نظر میزان، شیوه، و نوع استفاده از کامپیوتر و اینترنت مورد بررسی قرار می‌دهد، با استفاده از روش پیمایش و گردآوری اطلاعات با پرسش‌نامه انجام شده‌است و جامعه‌ی آماری آن را دانشجویان (دختر و پسر) مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی تهران در پایه‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم فنی و مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه، و هنر تشکیل می‌دهد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، جنسیت بر میزان استفاده از اینترنت تأثیرگذار است و دانشجویان پسر زمان بیشتری را صرف استفاده از کامپیوتر و اینترنت می‌کنند. نوع استفاده از اینترنت نیز بین دختران و پسران دانشجو متفاوت است؛ دختران دریافت و ارسال پست الکترونیکی، خرید کالا، و سرگرمی را ترجیح می‌دهند و پسران از اینترنت به منظور جست‌وجوی اطلاعات و دریافت خبر استفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت هم‌چنان که در دنیای واقعی، زنان به حفظ روابط با وابستگان، دوستان، و آشنایان اهمیت می‌دهند، از اینترنت نیز بدین منظور استفاده می‌کنند و کم‌تر در پی جست‌وجوی اطلاعات و کسب خبر اند.

### واژگان کلیدی

اینترنت؛ ارتباط؛ شکاف دیجیتالی؛ نابرابری جنسیتی؛ جامعه‌پذیری جنسیتی؛

امروز فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات<sup>۱</sup> از مقوله‌های بسیار مهم است که توجه بیشتر کشورهای جهان را به خود جلب کرده‌است. گرچه زمان زیادی از تولید اولین کامپیوترها نمی‌گذرد، ولی در همین مدت کم آن‌ها توانسته‌اند وارد قلمروی همه‌ی رشته‌های علمی شوند و یکی از وسایل ضروری زندگی به حساب آیند. واقعیت این است که استفاده از کامپیوتر و به‌خصوص اینترنت با سرعت غیرقابل‌تصور در حال رشد است (ماهنامه‌ی انجمن انفورماتیک ایران ۱۳۷۵)؛ اما این رشد در کشورهای مختلف بسیار نامتوازن است و نابرابری‌ها و اختلافات قابل‌توجهی در دسترسی و استفاده از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات در کشورهای درحال‌توسعه، که در آستانه‌ی خطر عقب ماندن از کشورهای پیش‌تاز در انقلاب دیجیتالی اند، وجود دارد. این پدیده که شکاف دیجیتالی<sup>۲</sup> نام گرفته، نتیجه‌ی پیشرفت‌های ایجادشده در کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است و موجب ایجاد فاصله بین کشورها یا بخش‌های مختلف یک جامعه می‌شود. در واقع، شکاف دیجیتالی به اختلاف‌های نظام‌مندی برمی‌گردد که در استفاده از کامپیوتر و اینترنت وجود دارد. شکاف دیجیتالی یک پدیده‌ی اجتماعی چندبعدی است که باعث نابرابری در سطح جهانی، ملی، و فردی می‌شود. بر این اساس، نبود امکان دسترسی برای تعدادی قابل‌توجه از جمعیت دنیا و عدم استفاده‌ی مناسب از مزایای فراوان آن، باعث پیدایش شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، یا بین افراد جامعه با تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شغل، و استانداردهای مختلف زندگی، و حتا بین زنان و مردان یک جامعه می‌شود.

هرچند مشارکت زنان در پیشرفت علم و فن‌آوری معمولاً، به دلیل فضای مردانه‌ی حاکم، کمتر بررسی شده‌است، اما سهم آنان در پیشرفت علوم غیرقابل‌چشم‌پوشی است. با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که در زمینه‌ی کامپیوتر نیز زنانی برجسته و کاردان به موفقیت‌هایی بزرگ دست یافته‌اند (فالون<sup>۳</sup> ۱۹۹۸). شاید بسیاری از ما ندانیم که ساخت کامپیوتر ان‌یاک<sup>۴</sup>، زبان کوپول<sup>۵</sup>، مسیر همیل‌تونی<sup>۱</sup>، و مانند این‌ها به دست زنان انجام

<sup>۱</sup> Information and Communication Technology (ICT)

<sup>۲</sup> Digital Divide

<sup>۳</sup> Fallon, Helen

<sup>۴</sup> ENIAC (Electronic Numerical Integrator and Computer)

نخستین کامپیوتر دیجیتال الکترونیکی و نیای کامپیوترهای امروزی که در سال ۱۹۴۵ در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا به دست جی. پرسپر اکرت (J. Presper Eckert) و جان ماکلی (John W. Mauchly) ساخته‌شد. ان‌یاک. ۳۰ تنی، که اتاکی را پر می‌ساخت، از ۱۸۰۰۰ لامپ الکترونی، ۷۰۰۰۰ مقاومت، و ۱۰۰۰۰ خازن ساخته‌شده بود و در دسامبر ۱۹۴۵ توانست نخستین مسئله‌ی خود را حل کند: محاسبات بمب هیدروژنی. ان‌یاک پس از پرده‌برداری رسمی در ۱۹۴۶، در ساخت جدول‌های پرتاب گلوله‌ی توپ‌های سنگین و انجام برآوردهای دیگر نظامی و علمی به کار گرفته‌شد (دانش‌نامه‌ی بریتانیکا ۲۰۰۵).

<sup>۵</sup> Encyclopædia Britannica

<sup>۶</sup> COBOL (Common Business Oriented Language)

زبان سطح بالای برنامه‌نویسی؛ از نخستین زبان‌هایی که کاربردی گسترده داشت و سال‌ها پرکارترین زبان در جامعه‌ی کسب‌وکار بود. گسترش کوپول از ۱۹۵۹ در آمریکا آغاز شد و کاربرد فراگیر آن در دهه‌ی ۱۹۹۰ پایان یافت (دانش‌نامه‌ی بریتانیکا ۲۰۰۵).



گرفته‌است. در دهه‌ی ۱۹۴۰، زنان در ایجاد نظام‌های پردازش اطلاعات پیش‌گام بودند و در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم، برنامه‌نویسی کامپیوتر به صورت کار دفتری به زنان واگذار می‌شد؛ اما بعدها این کار و دیگر فن‌آوری‌های نوین، به دلیل نیاز به مهارت‌های پیچیده‌تر، کاری مردانه شناخته‌شد (کندی، ول‌من، و کلمنت<sup>۲</sup>: ۲۰۰۳). امروز هم زنان در کشورهای مختلف جهان، آن‌چنان که باید از مزایا و فرصت‌های فن‌آوری جدید استفاده نمی‌کنند. در کشورهای درحال توسعه، مثل ایران، میزان محرومیت از آموزش و تعلیم فن‌آوری بیشتر است و در واقع پایین بودن سطح سواد و آموزش دیجیتالی، نبود منابع اقتصادی، هنجارهای فرهنگی-اجتماعی، و نگرش سنتی، بیش‌تر زنان و دختران را از دنبال کردن شغل‌های غیرسنتی و دسترسی به فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات باز می‌دارد.

مسئله‌ی دسترسی، تنها عامل ایجاد شکاف دیجیتالی نیست و موانع موجود برای استفاده از اینترنت نیز در ایجاد این شکاف مؤثر است. پژوهش‌های جدید، علاوه بر مطالعه‌ی تفاوت‌ها در زمینه‌ی دسترسی، تفاوت‌های اجتماعی را نیز در چه‌گونگی استفاده از اینترنت مورد توجه قرار داده‌اند (نوریس<sup>۳</sup>: ۲۰۰۱؛ هارگیتی<sup>۴</sup>: ۲۰۰۲؛ کاتز و رایس<sup>۵</sup>: ۲۰۰۲؛ چن و ول‌من<sup>۶</sup>: ۲۰۰۴) و نتیجه گرفته‌اند حتا زمانی که زنان و مردان دسترسی یکسان به اینترنت دارند، ممکن است به طور یکسان از آن استفاده نکنند (کندی و همکاران: ۲۰۰۳). بر این اساس، توجه به تفاوت‌های جنسیتی جهت درک درست شکاف جنسیتی ضروری است. دسترسی به کامپیوتر و اینترنت، و توانایی استفاده‌ی مؤثر از آن‌ها دو مسئله‌ی متفاوت است. بررسی وضعیت دسترسی به کامپیوتر و اینترنت در کشور، نوع استفاده از آن، و این که آیا گروه‌های مختلف اجتماعی، زنان، و مردان، به یک اندازه از فرصت‌ها و مزایای کامپیوتر و اینترنت بهره می‌برند مسائلی است که این نوشتار به آن‌ها می‌پردازد و در کنار آن چه‌گونگی پیوند میان جامعه‌پذیری جنسیتی و دسترسی و استفاده از اینترنت را نیز بررسی خواهد کرد.

<sup>1</sup> Hamiltonian Path

در بخش ریاضی نگره‌ی گراف (Graph Theory)، مسیر همیل‌تونی مسیری است بر روی یک گراف بدون سو (Undirected Graph) که از هر گره گراف تنها یک بار گذر کند. چرخه‌ی همیل‌تونی (Hamiltonian Cycle) یا مدار همیل‌تونی (Hamiltonian Circuit) چرخه‌ی است روی یک گراف بدون سو که پس از تنها یک بار گذر از هر گره گراف به گره آغازین بازگردد. نخستین بار ویلیام روان همیل‌تون (William Rowan Hamilton) این مسئله را برای یافتن چنین مسیری بر روی یک گراف دوازده‌وجهی پیش رو نهاد و بعدها مسیر و چرخه‌ی همیل‌تونی به نام وی خوانده‌شد (ویکی‌پدیا<sup>\*</sup>، بی‌تا).

\* Wikipedia, the free encyclopedia.

<sup>2</sup> Kennedy, Tracy, Barry Wellman, and Kristine Klement

<sup>3</sup> Norris, Pippa

<sup>4</sup> Hargittai, Eszter

<sup>5</sup> Katz, James E., and Ronald E. Rice

<sup>6</sup> Chen, Wenhong, and Barry Wellman

## مبانی نظری

هر چند جوامع را بر پایه‌ی نژاد، طبقه، زبان، مذهب، و تعدادی ویژگی دیگر نیز طبقه‌بندی می‌کنند، اما مشخصه‌ی اصلی که در همه‌ی جوامع مورد استفاده قرار گرفته جنس است. این مشخصه بر اساس موقعیت انسانی- زنان و مردانی شکل گرفته‌است که به کمک نیروی تعقل و تفکر تغییراتی در محیط پیرامون خود ایجاد کرده‌اند؛ زنان و مردانی که در کنار هم به کار و فعالیت پرداخته و برای تأمین نیازهای زندگی و ادامه‌ی حیات تلاش کرده‌اند و بدیهی است که امکانات به‌دست‌آمده متعلق به هر دو جنس باشد. اما تاریخ نشان می‌دهد که با تغییراتی که در عرصه‌ی فن‌آوری ایجاد شد قدرت و امکانات تنها در دست مردان قرار گرفت.

انقلاب صنعتی که در حدود ۲۵۰ سال پیش در انگلستان پدید آمد و مشخصه‌ی اصلی‌اش به کار بردن دانش علمی در فن‌آوری تولید بود، به دلیل نیاز به نیروی کار، زنان را وارد عرصه‌ی اشتغال درآمدزا کرد. نقش‌های اقتصادی نوین فرصت‌های جدید را برای زنان فراهم ساخت، اما این تغییرات تأثیری چشمگیر در بهبود وضعیت زنان نداشت؛ چرا که زنان دارای دو شغل، یکی در خانه و دیگری خارج از خانه، با افزایش مسئولیت‌شان، امکان بهره‌برداری از امکانات و تسهیلات را از دست دادند. از این دوره به بعد، به‌رغم این که تعداد قابل‌توجهی از زنان در خارج از خانه مشغول به کار اند، ولی هنوز از نظر درآمد، فاصله‌ی زیاد بین مردان و زنان شاغل وجود دارد و این درآمد نابرابر، نابرابری اجتماعی زنان و مردان را زیاد می‌کند.

انقلاب دهه‌ی پایانی قرن بیستم، که از آن به‌عنوان شکاف دیجیتالی نام می‌برند و منجر به پیدایش نوعی جدید از نابرابری‌ها شد نیز مانند انقلاب صنعتی بر همه عرصه‌های زندگی، از جمله جنسیت تأثیر گذاشت و باعث شکل‌گیری گروه‌های مختلف اجتماعی شد. بر پایه‌ی پژوهش‌های انجام‌گرفته، مسائل اقتصادی و هزینه‌ی استفاده از اینترنت عاملی مهم در پیدایش این شکاف است و بین درآمد و میزان استفاده از اینترنت پیوندی معنادار وجود دارد (فونگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۲۳).

عامل دیگر تفاوت در به‌کارگیری اینترنت و ایجاد شکاف، سطح دانش جامعه است. استفاده‌ی مؤثر و مفید اینترنتی مثل جست‌وجوی اطلاعات و توسعه‌ی شبکه‌های مربوط، زمانی امکان‌پذیر است که آگاهی و سواد افراد جامعه افزایش یابد. علاوه بر آن، مسئله‌ی زبان نیز مسئله‌ی قابل‌توجه است. در حدود ۹۰ درصد کاربران کامپیوتر از زبان انگلیسی

<sup>۱</sup> Fong, Eric, Barry Wellman, Jeffrey Boase, Rima Wilkes, and Melissa Kew





استفاده می‌کنند و زبان‌های محلی به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین تنها معدودی از افراد دنیا قادر اند به یک زبان جهانی گفت‌وگو کنند («شکاف دیجیتالی» ۱۳۸۲).

تأثیر این عوامل اقتصادی و فرهنگی در دسترسی نابرابر افراد به فن‌آوری نوین، بر زنان یک جامعه بیش از مردان است؛ زیرا در بیش‌تر جوامع، زنان نسبت به مردان از نظر آموزش، منابع مالی، مکان، فرهنگ، و مهارت در سطح پایین‌تری قرار دارند و از امکانات کم‌تری برخوردار اند. آمار و ارقام همه‌ی جوامع نیز نشان‌دهنده‌ی فعالیت محدود زنان در محیط برخط<sup>۱</sup> است. در آمریکا، در سال ۱۹۹۸، ۳۴ درصد مردان و ۳۱ درصد زنان برخط بودند که در سال ۲۰۰۲، این رقم به ۷۳ درصد برای مردان و ۶۹ درصد برای زنان رسید. در سال ۱۹۹۷ بیش‌تر کاربران اینترنت را در آلمان، مردان تشکیل می‌دادند و میزان کاربران زن تنها ۳ درصد بود، که در سال ۲۰۰۱ به ۱۸ درصد رسید و در سال ۲۰۰۲، ۵۳ درصد مردان و ۳۶ درصد زنان در این کشور از اینترنت استفاده می‌کردند. در سال ۲۰۰۲، در کشور مکزیک، ۴۲ درصد زنان، کاربر اینترنت بودند و در کشور چین نیز میزان زنان کاربر اینترنت در سال ۱۹۹۷، ۱۳ درصد بود که در سال ۲۰۰۳ به ۴۱ درصد رسید (چن، بوآس، و ول‌من<sup>۲</sup> ۲۰۰۲). گزارش ساده‌ی درصدها، بدون توجه به استفاده‌ی واقعی زنان و مردان از اینترنت می‌تواند گمراه‌کننده باشد (ردیک، بوشه، و گروسیه<sup>۳</sup> ۲۰۰۰)؛ زیرا نتیجه‌ی پژوهش‌های موجود بیان‌گر آن است که هرچند اینترنت به عنوان یک فن‌آوری فراگیر، به هر فردی اجازه می‌دهد بدون توجه به پایگاه اجتماعی-اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، سن، و جنس به‌طور مساوی از آن استفاده کند، اما زنان، کم‌تر از مردان از فن‌آوری نوین استفاده می‌کنند و مردان، بیش‌تر از زنان، برخط اند (ویت، آموروسو، و هاوارد<sup>۴</sup> ۲۰۰۰). در زمینه‌ی علم کامپیوتر نیز بیش‌تر دانش‌آموختگان را مردان تشکیل می‌دهند و بر پایه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در سال ۱۹۹۹ تنها ۱۷ درصد دانش‌آموختگان کامپیوتر را زنان تشکیل می‌دادند (مارگولیس، فیشر، و میلر<sup>۵</sup> ۱۹۹۹).

در گذشته و در ابتدای شکل‌گیری اینترنت، اعتقاد عمومی بر این بوده‌است که علم و دانش ایجاب می‌کند که زنان، کم‌تر از مردان برخط باشند. در نخستین گزارش بنیاد فن‌آوری جورجیا<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) در آمریکا از پیمایش کاربران وب گسترده‌ی جهانی<sup>۷</sup>، فقط ۵ درصد کاربران اینترنت زن بودند که زنان برخط نیز تمایل داشتند که خود را مرد معرفی کنند.

<sup>1</sup> Online

<sup>2</sup> Chen, Wenhong, Jeffrey Boase, and Barry Wellman

<sup>3</sup> Reddick, Andrew, Christian Boucher, and Manon Grasseilliers

<sup>4</sup> Witte, James C., Lisa M. Amoroso, and Philip E. N. Howard

<sup>5</sup> Margolis, Jane, Allan Fisher, and Faye Miller

<sup>6</sup> Georgia Institute of Technology

<sup>7</sup> GVU's World Wide Web (WWW) User Survey

نوع استفاده‌ی دختران و پسران از اینترنت نیز متفاوت است. دختران این فن‌آوری را به‌عنوان ابزار حفظ شبکه‌ی اجتماعی‌شان به کار می‌برند و مردان برای باخبر شدن از اخبار، اطلاعات، و سرگرمی از آن استفاده می‌کنند (سینگ<sup>۱</sup> ۲۰۰۰). پژوهش‌ها در مورد مکان دسترسی به اینترنت نیز نشان می‌دهد کاربران مرد در مکان‌های عمومی بیش‌ترین استفاده را دارند (SMAU ۲۰۰۱).

پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان علت وجود چنین اختلافاتی را در جامعه‌پذیری جنسیتی و نقش‌های زنانه و مردانه جست‌وجو می‌کنند. ویژگی‌های اساسی جنسیت ابتدا در خانواده، سپس در مدرسه و گروه هم‌سالان، و در آخر به‌وسیله‌ی رسانه‌های جمعی تقویت می‌شود. در اثر جامعه‌پذیری جنسیتی که در خانواده رخ می‌دهد، دختر و پسر هر یک با هنجارهای جنسیتی (زنانه یا مردانه) اجتماعی می‌شوند (رابرتسون<sup>۲</sup> ۱۳۷۲:۲۷۹) و رفتارهای تبعیض‌آمیز والدین به تهیه‌ی لباس و اسباب‌بازی بر پایه‌ی جنسیت فرزندان صورت می‌گیرد، که این امر به‌ویژه در مورد پسران اعمال می‌شود (گرت<sup>۳</sup> ۱۳۷۹:۴۱). دختران به خاطر سربراهی و رفتار خوش‌آیندشان ارزش‌مند اند و از آن‌ها خواسته‌نمی‌شود که کوشا و رقابت‌جو باشند و افسون‌گری و جذابیت آنان بیش از هوش و زیرکی‌شان مورد تأیید است (همان). از سوی دیگر، در مورد پسران ویژگی‌هایی هم‌چون پرخاش‌گری، موفقیت، رقابت، اتکا به نفس، و استقلال بیش‌تر مورد توجه است و به آن‌ها سفارش می‌شود که برای به‌دست‌آوردن حق خود ایستادگی کنند.

جنبه‌های اولیه‌ی یادگیری جنسی در کودکان به طور مسلم ناآگاهانه است. در سن دوسالگی، کودکان درکی جزئی از جنسیت دارند و تنها می‌توانند خود و دیگران را بر اساس «پسر» یا «دختر» بودن طبقه‌بندی کنند. تا زمان پنج یا شش‌سالگی کودک نمی‌داند که هر کس دارای جنسیتی است که تغییر نمی‌کند و تفاوت‌های میان دختران و پسران پایه‌ی کالبدشناختی دارد (گیدنز<sup>۴</sup> ۱۳۷۳:۱۸۰). پس از فراگرفتن نقش‌های جنسیتی در خانواده، این نقش‌ها به صورت‌های گوناگون در مدرسه تقویت می‌شود. هرچند که آموزش در مدارس فرآیندی رسمی است و برنامه‌ی درسی دختران و پسران مشخص است، اما نظام آموزشی در حکم عامل جامعه‌پذیری افراد، برنامه‌های آموزشی پنهانی را نیز در خود نهفته دارد که مطابق آن‌ها کودکان را تربیت می‌کند. در طول تاریخ، دختران در نظام آموزشی، هم از نظر رشته‌های عرضه‌شده و هم از جهت نظام‌های سهمیه‌بندی، با پسران متفاوت بودند. این

<sup>1</sup> Singh, Supriya

<sup>2</sup> Robertson, Ian

<sup>3</sup> Garret, Stephanie

<sup>4</sup> Giddens, Anthony



تصور که زن و مرد توانایی‌های فکری و علایق متفاوتی دارند یا این که مردان از زنان با استعدادتر اند، چنین شیوهی برخوردی را توجیه می‌کرد. بنا بر این فکر، مواد درسی ارائه‌شده، دختران را برای نقش زن خانه‌دار و مادر آماده می‌ساخت و پسران را به آموختن درس‌هایی چون حساب هدایت می‌کرد (گرت ۱۳۷۹: ۷۹)، و به طور کلی، بینش اساسی و عمومی بر این بود که زنان و دختران در رشته‌هایی خاص توانایی دارند و آموزش‌ها نیز باید در جهت نقش‌های آینده‌ی زنان باشد تا آن‌ها بتوانند از امور خانه‌داری گسسته نباشند (آبوت و والاس<sup>۱</sup> ۱۳۸۰: ۸۴)؛ بر این اساس، نظام آموزشی به کمک باورهای کلیشه‌یی، معلمان، مربیان، برنامه‌ریزان نظام آموزشی، و با لایه‌های آشکار و پنهان متون درسی، جامعه‌پذیری جنسیتی را تقویت می‌کند و نابرابری جنسیتی را در سطوح گوناگون اجتماعی تداوم می‌بخشد.

علاوه بر خانواده و مدارس، گروه هم‌سالان نیز یکی دیگر از عوامل جامعه‌پذیری است که نقش عمده‌یی را در تقویت و شکل دادن بیش‌تر به هویت جنسی کودک ایفا می‌کند. گروه‌های دوستی کودکان، درون یا بیرون مدرسه، معمولاً گروه‌های تمام‌پسر یا تمام‌دختر است (گیدنز ۱۳۷۳: ۱۸۲). این گروه‌ها مطابق با جنس خود نقش‌ها و بازی‌هایی خاص را دنبال می‌کنند که خود در شیوه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی نقشی مهم دارند.

پس از خانه، مدرسه، و هم‌سالان، رسانه‌های جمعی را، مخصوصاً در دوران کنونی، می‌توان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری جنسیتی تلقی کرد. هر کدام از اشکال رسانه‌های گروهی (روزنامه، کتاب، مجله، رادیو، و تلویزیون) به‌نوعی روی کلیشه‌های کاملاً سنتی جنسیت تأکید دارند و تلاش می‌کنند در تبلیغ نقش‌های خانه‌داری و امور خانگی، زنان را به سوی نقش‌های سنتی‌شان روانه کنند. اگر دختر بچه‌یی از طریق رسانه، زنان را در مشاغلی مانند وکالت و قضاوت مشاهده کند، می‌پذیرد که او نیز می‌تواند چنین نقش یا شغلی را بر عهده گیرد؛ اما اگر زنان را همیشه در نقش همسر، مادر، زن خانه‌دار، معلم، و پرستار ببیند، دارای تصویری متفاوت از خود خواهدشد (اعزاز ۱۳۷۶: ۱۹۰)؛ بدین ترتیب، رسانه‌های جمعی با نفوذ ویژه‌ی خود در بین مخاطبان، جامعه‌پذیری افراد را نهادینه می‌کنند. در مورد اینترنت و فن‌آوری‌های نوین نیز وضع به همین گونه است. هرچند دیدگاه مسلط تاریخی این است که فن‌آوری در دست مردان است و هنوز هم این بینش ادامه دارد، اما پژوهش‌گران معتقد اند فن‌آوری در درون جوامع صورت می‌گیرد و فعالانه در فرآیندهای اجتماعی دخالت دارد. روابط جنسیتی، فن‌آوری را شکل می‌دهد و فن‌آوری نیز

<sup>1</sup> Abbott, Pamela, and Claire Wallace

روابط جنسیتی را صورت می‌دهد (هنوود<sup>۱</sup> ۱۹۹۳). فن‌آوری عملی است که افراد به طور جنسیتی با آن کار می‌کنند و در جهت تغییر و تحول محیط پیرامون خود از آن بهره می‌گیرند. بر این اساس، دختران و زنان باید یاد بگیرند که خود را با فن‌آوری‌های جدید هم‌آهنگ کنند و در دنیای برخط، فضایی را برای خودشان ایجاد کنند؛ هرچند که شواهد موجود نشان‌گر آن است که زنان و دختران میل کم‌تری را در این مورد از خود نشان می‌دهند. دلیل این بی‌میلی نیز همان نگرش سنتی، نقش‌های جنسیتی، و انتظاراتی است که باعث می‌شود زنان، زمان کم‌تری را صرف اینترنت نمایند (همان). علاوه بر این، نظریه‌پردازان تأکید می‌کنند که کامپیوتر و علوم مربوط به آن جذابیتی برای زنان و دختران ندارد و دختران کم‌تر از پسران وارد این رشته می‌شوند؛ زیرا دختران، محیط برخط را محیطی مردانه می‌دانند و در آن احساس انزوا می‌کنند (فرن‌کل<sup>۲</sup> ۱۹۹۱).

### فرضیات پژوهش

- ۱- وجود رابطه میان جنسیت و میزان استفاده از کامپیوتر و اینترنت؛
- ۲- وجود رابطه میان جنسیت و شیوهی استفاده از اینترنت؛
- ۳- وجود رابطه میان جنسیت و نوع اطلاعات مورد جست‌وجو در اینترنت؛
- ۴- وجود رابطه میان جامعه‌پذیری جنسیتی و استفاده از کامپیوتر و اینترنت.

### روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش پیمایش و ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. با توجه به این که بیش‌ترین میزان استفاده از کامپیوتر و به‌خصوص اینترنت در دانشگاه‌ها است و دانشجویان بیش از اقشار دیگر جامعه از اینترنت و کامپیوتر استفاده می‌کنند، و نیز با توجه به این که شهر تهران، به‌عنوان پایتخت ایران، بیش‌ترین تسهیلات و امکانات را در این زمینه به خود اختصاص داده‌است، دانشجویان (دختر و پسر) دانشگاه‌های دولتی تهران در دو دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد به‌عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش در نظر گرفته شدند و حجم نمونه با دستور کوکران ۳۸۰ نفر برآورد شد (شیوه‌ی نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب است). از کل دانشگاه‌های موجود در شهر تهران، ۱۰ دانشگاه معتبر دولتی، و از هر دانشگاه، چهار دانشکده‌ی علوم انسانی، علوم فنی و مهندسی، علوم پایه، و هنر انتخاب شدند و انتخاب

<sup>1</sup> Henwood, Flis

<sup>2</sup> Frenkel, Karen A.



دانشجویان نیز، با رعایت تناسب دو جنس در ۱۰ دانشگاه، و در نظر گرفتن نسبت جمعیت دانشجویان هر دانشگاه به کل جمعیت (با تفکیک دانشکده‌ها و رشته‌های متفاوت) صورت گرفت<sup>۱</sup> که در بین دانشگاه‌های مورد مطالعه، دانشگاه تهران با توجه به تعداد دانشکده‌ها، تنوع رشته‌ها و کثرت دانشجویان بیش‌ترین درصد نمونه را به خود اختصاص داده‌است. بعد از تعیین سهم هر یک از دانشگاه‌ها، تعداد دانشجویان، با توجه به دوره‌ی تحصیلی و جنسیت، به صورت زیر در نظر گرفته‌شد. در مرحله‌ی بعد نیز سهم هر یک از رشته‌های تحصیلی، به تفکیک جنسیت، محاسبه و تعیین شد (جدول‌های ۱ تا ۳).

جدول ۱- فراوانی مطلق و نسبی کل دانشجویان و حجم نمونه در هر یک از دانشگاه‌ها

دانشگاه	تعداد کل	تعداد نمونه	درصد نمونه
دانشگاه الزهرا	۳۳۰۹	۲۲	۵/۷۹٪
دانشگاه تربیت مدرس	۲۴۲۸	۱۶	۴/۲۱٪
دانشگاه تربیت معلم	۳۷۳۸	۲۵	۶/۵۸٪
دانشگاه تهران	۱۷۳۰۰	۱۱۵	۳۰/۲۶٪
دانشگاه شهید بهشتی	۶۱۱۹	۴۱	۱۰/۷۹٪
دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۵۴۴۲	۳۶	۹/۴۷٪
دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی	۲۳۱۸	۱۵	۳/۹۵٪
دانشگاه صنعتی شریف	۴۲۸۹	۲۸	۷/۲۷٪
دانشگاه علامه طباطبائی	۶۸۳۴	۴۶	۱۲/۱۱٪
دانشگاه علم و صنعت ایران	۵۴۱۶	۳۶	۹/۴۷٪
جمع کل	۵۷۱۹۳	۳۸۰	۱۰۰/۰۰٪

جدول ۲- شمار نمونه‌ها بر پایه‌ی دوره‌ی تحصیلی و جنسیت

دوره‌ی تحصیلی	دختر		پسر		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کارشناسی	۱۳۹	۳۶/۵۸٪	۱۱۴	۳۰/۰۰٪	۲۵۳
کارشناسی ارشد	۵۴	۱۴/۲۱٪	۷۳	۱۹/۲۱٪	۱۲۷
جمع	۱۹۳	۵۰/۷۹٪	۱۸۷	۴۹/۲۱٪	۳۸۰

جدول ۳- شمار نمونه‌ها بر پایه‌ی دوره‌ی تحصیلی و جنسیت

رشته‌ی تحصیلی	دختر		پسر		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
علوم انسانی	۸۰	۲۱/۰۵٪	۶۸	۱۷/۸۹٪	۱۴۸
علوم فنی و مهندسی	۷۳	۱۹/۲۱٪	۸۷	۲۲/۸۹٪	۱۶۰
علوم پایه	۳۰	۷/۸۹٪	۲۵	۶/۵۸٪	۵۵
هنر	۱۰	۲/۶۳٪	۷	۱/۸۴٪	۱۷
جمع	۱۹۳	۵۰/۷۹٪	۱۸۷	۴۹/۲۱٪	۳۸۰

<sup>۱</sup> آمار ارائه‌شده، دانشجویان دوره‌های روزانه‌ی دانشگاه‌ها را در بر می‌گیرد.

به منظور سنجش متغیرهای فرضیات کلی پژوهش، سوالات و گویه‌های طراحی‌شده‌ی مناسب، با آزمون‌های آماری لازم، مورد بررسی قرار گرفت. پیش‌آزمون مطالعه با حجم ۳۰ نمونه صورت گرفت و در بررسی پرسش‌نامه‌های پیش‌آزمون، علاوه‌بر مسائل کلی و رفع ابهام‌های موجود در پرسش‌نامه، با توجه به فراوانی‌های نسبی، آزمون پایایی<sup>۱</sup> در مورد بخش‌های خاصی از مقیاس‌های موجود انجام گرفت. میزان پایایی متغیرهای اصلی با استفاده از روش آلفای کرون‌باخ تعیین شد که برای متغیر جامعه‌پذیری جنسیتی (۱۸ گویه) عدد قابل‌قبول ۰/۷۲ به دست آمد. جدول ۴ متغیرهای مورد مطالعه و تعاریف عملیاتی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- متغیرهای پژوهش و تعاریف عملیاتی آن‌ها

متغیر	تعریف عملیاتی
میزان کاربرد کامپیوتر	تعداد ساعت‌هایی که دانشجویان با کامپیوتر کار می‌کنند.
میزان کاربرد اینترنت	دفعاتی که دانشجویان در اینترنت کار می‌کنند.
شیوه‌ی کاربرد اینترنت	دادوستد ئی-میل، دریافت و جست‌وجوی خبر یا اطلاعات، کنج‌کاوی، تفریح، و سرگرمی.
گونه‌ی کاربرد اینترنت	جست‌وجوی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، ورزشی، علمی، پژوهشی، و آموزشی.
گویه‌های اقتصادی	مسئولیت زن و مرد برای درآمد خانواده باید یکسان باشد. کار اصلی زن پرورش فرزندان است؛ بنابراین، شغل و حرفه برای زنان در درجه‌ی دوم است. زنان و مردان می‌توانند برای شغل برابر، حقوق برابر داشته‌باشند. زنان با نابرابری بیش‌تری نسبت به مردان در محیط کار و دانشگاه‌ها روبه‌رو می‌شوند. زنان می‌توانند کارهایی همانند کارهای مردان داشته‌باشند.
گویه‌های اجتماعی	زنان هر قدر هم که درس بخوانند، سرانجام باید خانه‌داری کنند. مسئولیت نگهداری فرزندان باید برای زن و مرد یکسان باشد. همکاری زن و مرد در انجام کارهای خانه (آشپزی، شست‌وشو، و پاکیزگی) باید یکسان باشد. دختران بیش‌تر منفعل، عاطفی، و احساساتی‌اند؛ بنابراین، نقش مادری و همسری باید با آن‌ها باشد.
گویه‌های آموزشی	پسران از دختران باهوش‌تر اند؛ بنابراین، در رشته‌های تحصیلی، ویژه‌ی باید آموزش ببینند. برنامه‌های درسی دختران و پسران در مدارس باید متفاوت باشد. کارکرد پسران در رشته‌های فنی و مهندسی و مانند آن از دختران بهتر است. کارکرد دختران در رشته‌هایی مانند ادبیات، پزشکی، و دندان‌پزشکی از پسران بهتر است. دختران و پسران باید از فرصت‌های آموزشی برابر برخوردار شوند. پذیرش دختران و پسران در رشته‌های تحصیلی آموزش عالی باید یکسان باشد. زنان و مردان نباید یکسان رفتار کنند؛ چون جامعه‌پذیر شدن دختران و پسران یکسان نیست. تسهیلات و امکانات دانشگاه‌ها باید برای دختران و پسران برابر باشد. دختران باید در مدارس و دانشگاه‌ها در به‌کارگیری کامپیوتر اولویت داشته‌باشند.

جامعه‌پذیری جنسیتی

<sup>1</sup> Reliability



### سیمای جامعه‌ی نمونه

- از ۳۸۰ نفر پاسخ‌گو، ۱۹۳ نفر (۵۰/۷۹ درصد) زن و ۱۸۷ نفر (۴۹/۲۱ درصد) مرد اند.
- میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۴/۵ سال است.
- ۲۰/۵ درصد دانشجویان شاغل اند که در بین شاغلان ۳۳/۳ درصد دختر و ۶۶/۷ درصد پسر بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۴۸/۸ درصد پاره‌وقت و ۵۱/۳ درصد تمام‌وقت اند.
- میانگین تعداد افراد خانواده‌ی دانشجویان ۳/۳۹ است.
- حدود نیمی از دانشجویان وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ی خود را خوب توصیف کرده‌اند.

### یافته‌های پژوهش

رابطه‌ی میان جنسیت و میزان، نوع، و شیوه‌ی استفاده از کامپیوتر و اینترنت با استفاده از آزمون  $\chi^2$  و رابطه‌ی بین جامعه‌پذیری جنسیتی و دسترسی یا عدم دسترسی، با استفاده از آزمون  $t$  مورد بررسی قرار گرفته‌است.

### جنسیت و میزان به‌کارگیری کامپیوتر

نتایج به‌دست‌آمده بیان‌گر آن است که ۳۵۴ نفر از دانشجویان (۹۳/۲ درصد) به کامپیوتر دسترسی دارند و تنها ۲۶ نفر عدم دسترسی را بیان کرده‌اند که درصد بالایی دسترسی را می‌توان ویژگی جامعه‌ی نمونه دانست. مکان استفاده از کامپیوتر شامل خانه و دانشگاه است که در این بین ۴۵/۳ درصد دانشجویان در خانه به کامپیوتر دسترسی دارند و شمار دخترانی که در خانه از کامپیوتر استفاده می‌کنند (۵۱/۷ درصد) بیش از پسران (۴۳/۸ درصد) است. پسران بیش‌تر در دانشگاه از کامپیوتر استفاده می‌کنند و می‌توان گفت دانشگاه‌ها زمان و فرصت بیش‌تری را در اختیار دانشجویان پسر قرار می‌دهند. دانشجویان پسر در زمان خارج از ساعت کار دانشگاه نیز می‌توانند به سایت‌های کامپیوتری دانشگاه مراجعه کنند؛ در حالی که این امکان برای دختران وجود ندارد.

به‌رغم درصد بالایی دسترسی به کامپیوتر، میزان استفاده از آن در بین دختران و پسران دانشجو متفاوت است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پسران نسبت به دختران وقت و زمان بیش‌تری را صرف کامپیوتر می‌کنند و در حالی که ۲۱/۵ درصد از دانشجویان پسر

بیش از سه ساعت در روز از کامپیوتر استفاده می‌کنند، تنها ۱۰/۰ درصد از دانشجویان دختر استفاده‌ی را به این میزان از کامپیوتر دارند. درصد دانشجویان پسر در دو گروه «یک تا دو ساعت در روز»، و «دو تا سه ساعت در روز» نیز بیشتر یا برابر با دانشجویان دختر است. بر اساس آزمون خی‌دو، رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح ترتیبی معنادار است و فرضیه‌ی رابطه بین جنسیت و میزان استفاده از کامپیوتر به اثبات می‌رسد (جدول ۵).

جدول ۵- فراوانی مطلق و نسبی پاسخ‌گویان بر پایه‌ی میزان به‌کارگیری کامپیوتر

میزان به‌کارگیری کامپیوتر	پسر تعداد	درصد	دختر تعداد	درصد	جمع	
					تعداد	درصد
نیم ساعت و کمتر (تا ۳۰ دقیقه)	۳۲	۱۸/۱۸٪	۴۰	۲۲/۴۷٪	۷۲	۲۰/۳۴٪
تا یک ساعت (۳۱ تا ۵۹ دقیقه)	۳۰	۱۷/۰۵٪	۳۲	۱۷/۹۸٪	۶۲	۱۷/۵۱٪
یک تا دو ساعت (۶۰ تا ۱۱۹ دقیقه)	۴۶	۲۶/۱۴٪	۳۶	۲۰/۲۲٪	۸۲	۲۳/۱۶٪
دو تا سه ساعت (۱۲۰ تا ۱۷۹ دقیقه)	۲۴	۱۳/۶۴٪	۲۵	۱۴/۰۴٪	۴۹	۱۳/۸۴٪
سه ساعت و بیشتر (بیش از ۱۸۰ دقیقه)	۳۸	۲۱/۵۹٪	۱۹	۱۰/۶۷٪	۵۷	۱۶/۱۰٪
نمی‌دانم	۶	۳/۴۱٪	۲۶	۱۴/۶۱٪	۳۲	۹/۰۴٪
جمع	۱۷۶	۱۰۰/۰۰٪	۱۷۸	۱۰۰/۰۰٪	۳۵۴	۱۰۰/۰۰٪

Sig. = ۰/۰۰۱ ، df = ۶ ،  $\chi^2 = ۲۱/۸۲$

### جنسیت و میزان به‌کارگیری اینترنت

از ۳۸۰ دانشجوی مورد مطالعه، ۸۳/۴ درصد آنان کاربر اینترنت محسوب می‌شوند و مدت استفاده از اینترنت نیز کمتر از یک سال تا بیش از چهار سال است. ۲۷/۹ درصد از دانشجویان، چهار سال یا بیشتر تجربه‌ی استفاده از اینترنت را دارند که ۶۱/۰ درصد آن را پسران و ۳۹ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. بیش‌ترین مکان استفاده از اینترنت، به‌ترتیب، خانه، دانشگاه، و مکان‌های دیگر (کتاب‌خانه‌ی عمومی، محل کار، و کافی‌نت) است.

۶۸/۴ درصد از پسران در مقابل ۳۱/۶ درصد دختران گزینه‌ی «چند بار در روز» را به منظور استفاده از اینترنت در دانشگاه بیان کرده‌اند. گروهی از دانشجویان (۴۴/۷ درصد) علاوه بر خانه و دانشگاه، در مکان‌های دیگر نیز از اینترنت استفاده کرده‌اند که در بین این گروه، ۳۲/۴ درصد از کافی‌نت نام برده‌اند. کافی‌نت، مکانی جذاب برای دسترسی به اینترنت با کیفیت بالا، آموزش اینترنت، و خرید و فروش کالا در اینترنت محسوب می‌شود و درصد دانشجویان دختر و پسر در این زمینه تقریباً برابر است.

استفاده از اینترنت در محل کار بین دانشجویان پسر (۷۷/۱ درصد) بسیار بیش از دانشجویان دختر است (به علت میزان بالاتر اشتغال) و ۲۹/۴ درصد نیز خانه‌ی دوست و یا





همسایه را به‌عنوان مکان استفاده از اینترنت نام برده‌اند (۵۴ درصد دختران در برابر ۴۶ درصد پسران).

در مورد دفعات استفاده از اینترنت نیز، نتایج بیان‌گر استفاده‌ی بیشتر دانشجویان پسر است. ۴۷/۰ درصد دانشجویان پسر در مقابل ۲۸/۰ درصد دانشجویان دختر بین یک تا چند بار در روز از اینترنت استفاده می‌کنند. آزمون آماری خی-دو با ۹۹ درصد اطمینان، ارتباط معناداری را بین دو متغیر جنسیت و دفعات استفاده از اینترنت نشان می‌دهد (جدول ۶).

جدول ۶- فراوانی مطلق و نسبی پاسخ‌گویان بر پایه‌ی دفعات به‌کارگیری اینترنت

دفعات به‌کارگیری اینترنت	پسر		دختر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
چند بار در روز	۳۴	٪۱۹/۵۴	۲۵	٪۱۵/۴۳	۵۹	٪۱۷/۵۶
یک بار در روز	۴۶	٪۲۶/۴۴	۲۱	٪۱۲/۹۶	۶۷	٪۱۹/۹۴
سه تا پنج بار در هفته	۴۶	٪۲۶/۴۴	۴۱	٪۲۵/۳۱	۸۷	٪۲۵/۸۹
یک تا دو بار در هفته	۱۴	٪۸/۰۵	۲۱	٪۱۲/۹۶	۳۵	٪۱۰/۴۲
هر چند هفته یک بار	۲۰	٪۱۱/۴۹	۱۶	٪۹/۸۸	۳۶	٪۱۰/۷۱
به‌ندرت	۱۲	٪۶/۹۰	۳۴	٪۲۰/۹۹	۴۶	٪۱۳/۶۹
نمی‌دانم	۲	٪۱/۱۵	۴	٪۲/۴۷	۶	٪۱/۷۹
جمع	۱۷۴	٪۱۰۰/۰۰	۱۶۲	٪۱۰۰/۰۰	۳۳۶	٪۱۰۰/۰۰

Sig. = ۰/۰۰۱ ، df = ۶ ،  $\chi^2 = ۳۳/۶۲$

### جنسیت و شیوه‌ی به‌کارگیری اینترنت

شیوه‌ی استفاده از اینترنت شامل ارسال یا دریافت ئی-میل<sup>۱</sup> (پست الکترونیکی)، دریافت خبر، جست‌وجوی اطلاعات، خرید کالا، تفریح، سرگرمی، و کنج‌کاوی است که بیش‌ترین درصد را ارسال و دریافت ئی-میل دارا است. دانشجویان از پست الکترونیکی به منظور حفظ پیوند با دوستان و خویشاوندان استفاده می‌کنند و در بین دانشجویانی که به‌طور مرتب ئی-میل خود را کنترل می‌کنند ۴۷/۸ درصد دختر و ۵۲/۲ درصد پسر اند. دریافت خبر و جست‌وجوی اطلاعات، رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. ۱۹/۷۴ درصد پسران دریافت خبر و ۱۷/۷۶ درصد آنان جست‌وجوی اطلاعات را بیش‌تر از دانشجویان دختر انجام می‌دهند. در مورد خرید کالا، تفریح، و سرگرمی نیز، نتایج بیان‌گر آن است که این‌گونه فعالیت‌ها در بین دانشجویان دختر متداول‌تر است. ۴/۷ درصد از دختران در مقابل ۱/۹ درصد از پسران خرید کالا و ۴/۷ درصد از دختران در مقابل ۲/۶ درصد از پسران تفریح و سرگرمی را

<sup>۱</sup> e-mail

انتخاب نموده‌اند که البته بر اساس آزمون آماری خی‌دو تفاوت مشاهده‌شده اتفافی است و نمی‌توان آن را به کل جامعه تعمیم داد (جدول ۷).

جدول ۷- فراوانی مطلق و نسبی پاسخ‌گویان بر پایه‌ی شیوه‌ی به‌کارگیری اینترنت

شیوه‌ی به‌کارگیری اینترنت	پسر		دختر		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دوستد ئی-میل	۸۶	۵۶٫۵۸٪	۸۹	۶۰٫۵۴٪	۱۷۵	۵۸٫۵۳٪
دریافت خبر	۳۰	۱۹٫۷۴٪	۲۴	۱۶٫۳۳٪	۵۴	۱۸٫۰۶٪
جست‌وجوی اطلاعات	۲۷	۱۷٫۷۶٪	۱۸	۱۲٫۲۴٪	۴۵	۱۵٫۰۵٪
خرید کالا	۳	۱٫۹۷٪	۷	۴٫۷۶٪	۱۰	۳٫۳۴٪
تفریح و سرگرمی	۴	۲٫۶۳٪	۷	۴٫۷۶٪	۱۱	۳٫۶۸٪
کنج‌کاوی	۲	۱٫۳۲٪	۲	۱٫۳۶٪	۴	۱٫۳۴٪
جمع کل	۱۵۲	۱۰۰٫۰۰٪	۱۴۷	۱۰۰٫۰۰٪	۲۹۹	۱۰۰٫۰۰٪

Sig. = ۰٫۴۳ ، df = ۵ ،  $\chi^2 = ۴٫۸۵$

### جنسیت و گونه‌ی کاربرد اینترنت

نوع اطلاعات دریافتی از اینترنت شامل اطلاعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، ورزشی، علمی، پژوهشی، آموزشی، و سایر است که با توجه به این‌که افراد مورد مطالعه دانشجویانند، اطلاعات علمی، پژوهشی، و آموزشی بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌است (۳۳٫۹ درصد) و پس از آن اطلاعات سیاسی با ۲۶٫۴ درصد و اطلاعات فرهنگی و اجتماعی با ۲۵٫۵ درصد قرار دارد. مقایسه‌ی نتایج مربوط به دانشجویان دختر و پسر بیان‌گر وجود تفاوت در زمینه‌ی نوع استفاده از اینترنت است. دانشجویان پسر با ۳۵٫۸۴ درصد به اطلاعات سیاسی و ۹٫۸۲ درصد به اطلاعات ورزشی بیش از دانشجویان دختر مراجعه می‌کنند؛ در مقابل، دانشجویان دختر با ۴۱٫۷۷ درصد به اطلاعات علمی، پژوهشی، و آموزشی، با ۳۱٫۰۱ درصد به اطلاعات فرهنگی-اجتماعی، و با ۵٫۰۶ درصد به اطلاعات اقتصادی بیش از دانشجویان پسر مراجعه می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت بین جنسیت و نوع استفاده از اینترنت رابطه‌ی معنادار وجود دارد. آزمون آماری خی‌دو نیز با ۹۹ درصد اطمینان بیان‌گر این مطلب است (جدول ۸).

در بررسی نوع استفاده از اینترنت، از سایت‌های مورد استفاده‌ی دانشجویان نیز سؤال شد که بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، سایت‌های **یاهو<sup>۱</sup>** و **گوگل<sup>۲</sup>** به‌ترتیب با ۲۵٫۷۸ درصد و ۲۲٫۳۵ درصد، دارای بیش‌ترین مراجعه‌اند. توجه دانشجویان پسر به این دو سایت و سایت

<sup>۱</sup> Yahoo! (www.yahoo.com)

<sup>۲</sup> Google (www.google.com)



بازتاب<sup>۱</sup> بیش از دانشجویان دختر و در مقابل درصد دانشجویان دختر مراجعه‌کننده به سایت‌های ایران‌داک<sup>۲</sup>، هات‌میل<sup>۳</sup>، و روزی<sup>۴</sup> بیش از پسران است. دانشجویان دلیل مراجعه به این سایت‌ها را جامع بودن، روزآمد بودن، و درستی مطالب بیان کرده‌اند.

جدول ۸- فراوانی مطلق و نسبی پاسخ‌گویان بر پایه‌ی گونه‌ی کاربرد اینترنت

گونه‌ی کاربرد اینترنت	پسر		دختر		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سیاسی	۶۲	۳۵/۸۴٪	۲۵	۱۵/۸۲٪	۸۷	۲۶/۲۸٪
اقتصادی	۷	۴/۰۵٪	۸	۵/۰۶٪	۱۵	۴/۵۳٪
فرهنگی و اجتماعی	۳۵	۲۰/۲۳٪	۴۹	۳۱/۰۱٪	۸۴	۲۵/۳۸٪
ورزشی	۱۷	۹/۸۳٪	۶	۳/۸۰٪	۲۳	۶/۹۵٪
علمی، پژوهشی، و آموزشی	۴۷	۲۷/۱۷٪	۶۶	۴۱/۷۷٪	۱۱۳	۳۴/۱۴٪
سایر	۵	۲/۸۹٪	۴	۲/۵۳٪	۹	۲/۷۲٪
جمع کل	۱۷۳	۱۰۰/۰۰٪	۱۵۸	۱۰۰/۰۰٪	۳۳۱	۱۰۰/۰۰٪

Sig. = ۰/۰۰۱ ، df = ۶ ،  $\chi^2 = ۲۷/۴۷$

### جامعه‌پذیری جنسیتی و استفاده از کامپیوتر و اینترنت

به منظور بررسی جامعه‌پذیری جنسیتی، ۱۸ گویه در نظر گرفته شد و با توجه به گفته‌ی دانشجویان می‌توان دریافت که بیش‌تر دانشجویان، معتقد به برابری جنسیتی در استفاده از امکانات و تسهیلات جامعه—چه از طرف خانواده و چه از طرف نهادهای آموزشی—برای دختران و پسران اند. در این میان، چند گویه نشان‌دهنده‌ی موافقت کامل دانشجویان و چند گویه نشان‌دهنده‌ی مخالفت آنان است. گویه‌ی «زنان و مردان می‌توانند برای شغل برابر حقوق برابر داشته‌باشند»، با میانگین ۴/۳ به معنای موافقت کامل دانشجویان بود، که در این میان دختران بیش از پسران با این گویه «موافق» یا «کاملاً موافق» بودند. به عبارت دیگر، ۶۸/۶ درصد از دختران در مقابل ۳۱/۴ درصد از پسران گزینه‌ی «کاملاً موافق» را انتخاب کردند. همچنین، گویه‌ی «مسئولیت نگهداری فرزندان باید برای زن و مرد یکسان باشد» با میانگین ۴/۱ نشان‌دهنده‌ی موافقت کامل دانشجویان بود که در این مورد نیز میزان موافقت دختران بیش از دانشجویان پسر است. در گویه‌ی «تسهیلات و امکانات دانشگاه‌ها باید برای دختران و پسران برابر باشد» میانگین ۴/۳ به دست آمد که مانند گویه‌های دیگر نشان از موافقت دانشجویان داشت و ۶۴/۶ درصد از دختران در مقابل

<sup>۱</sup> Baztab News ([www.baztab.com](http://www.baztab.com)) پایگاه خبری بازتاب

<sup>۲</sup> IranDoc (<http://alpha-5.irandoc.ac.ir/>) پایگاه‌های اطلاعات پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران

<sup>۳</sup> Hotmail ([www.hotmail.com](http://www.hotmail.com))

<sup>۴</sup> Roozi ([www.roozi.com](http://www.roozi.com))

۳۵/۴ درصد از پسران با گویه‌ی مذکور «کاملاً موافق» و ۵۵/۴ درصد از دختران و ۴۱/۶ درصد از پسران «موافق» بودند. هرچند گویه‌های موردنظر به طور کلی نشان‌دهنده‌ی برابری جنسیتی اند، اما اگر با ملاحظه‌ی جنسیت به پاسخ‌های ارائه‌شده توجه کنیم درمی‌یابیم که بیشتر موافقان گویه‌های موردنظر را دختران تشکیل می‌دهند و پسران به نسبت دختران تا حدودی با چنین برابری‌هایی مخالف اند. در مقابل، با گویه‌هایی چون «دختران بیشتر منفعل، عاطفی، و احساساتی اند؛ بنابراین، نقش مادری و همسری باید با آنها باشد»، بیشتر دختران مخالفت و درصد قابل‌توجهی از پسران موافقت کرده‌اند (۳۰/۴ درصد دختران و ۶۹/۶ درصد پسران «کاملاً موافق»؛ ۴۵/۲ درصد دختران و ۵۴/۸ درصد پسران «موافق»؛ ۵۲/۸ درصد دختران و ۴۷/۲ درصد پسران «مخالف»، و ۶۴/۷ درصد دختران و ۳۵/۳ درصد پسران «کاملاً مخالف»).

به منظور بررسی جامعه‌پذیری جنسیتی، این متغیر بر حسب امتیازات کسب‌شده از پاسخ به گویه‌های مطرح‌شده در مورد برابری زنان و مردان در زمینه‌ی آموزشی، اقتصادی، و اجتماعی، به سه گروه با میزان امتیاز «زیاد»، «متوسط»، و «کم»<sup>۱</sup> تقسیم شد و سپس با متغیرهای دسترسی به کامپیوتر و اینترنت در رابطه گذاشته‌شد. جهت آزمون رابطه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی و استفاده از کامپیوتر و اینترنت، از آزمون t با نمونه‌های مستقل استفاده شد و متغیرهای «دست‌رسی نداشتن به کامپیوتر» و «دست‌رسی داشتن به کامپیوتر» نیز با کد صفر و یک در برنامه جای گرفت. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بین جامعه‌پذیری جنسیتی و استفاده از کامپیوتر رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ اما بین جامعه‌پذیری جنسیتی و دست‌رسی به اینترنت این رابطه موجود نیست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در صورت وجود فرصت برابر، یعنی دست‌رسی به کامپیوتر، تفاوتی بین پاسخ‌گویان در دست‌رسی به اینترنت وجود ندارد و جامعه‌پذیری جنسیتی در نوع استفاده از اینترنت مؤثر است (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج آزمون t برای جامعه‌پذیری جنسیتی بر پایه‌ی دسترسی به کامپیوتر

دست‌رسی به کامپیوتر	میانگین	انحراف معیار	t	F	معناداری
بله	۲٫۴۶۰۲	۰٫۵۲۶۹	۱٫۷۸۲	۵٫۱۰۱	۰٫۰۲۴
نه	۲٫۲۶۹۲	۰٫۵۳۳۵	۱٫۷۶۳		

در آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه‌ی جنسیت با نوع استفاده از کامپیوتر و اینترنت، مشخص شد که نوع استفاده‌ی دانشجویان پسر از اینترنت با دانشجویان دختر متفاوت است؛

<sup>۱</sup> هرچند بهتر است که نمره‌ها بدون دسته‌بندی بررسی شود، اما در پژوهش‌های علوم اجتماعی متغیرهای فاصله‌ی به صورت دسته‌بندی‌شده نیز در آزمون‌های پارامتری به کار می‌رود.



به طوری که دختران بیش از پسران به ارسال یا دریافت ئی-میل، خرید کالا، و سرگرمی می‌پرداختند و در مقابل، پسران دریافت خبر و جست‌وجوی اطلاعات را بیش‌تر از دانشجویان دختر انجام می‌دادند. هم‌چنین دانشجویان پسر به اطلاعات سیاسی و اطلاعات ورزشی بیش از دانشجویان دختر مراجعه می‌کردند؛ در حالی که دانشجویان دختر به اطلاعات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، و علمی، پژوهشی، و آموزشی بیش از دانشجویان پسر مراجعه می‌کردند.

در توضیح و تفسیر این تفاوت‌ها می‌توان گفت که جامعه‌پذیری و آموزش‌هایی که از دوران کودکی از طریق خانواده، آموزش و پرورش، و نهادهای دیگر بر حسب جنسیت افراد صورت می‌گیرد، تأثیری به‌سزا در علایق و انگیزه‌های افراد می‌گذارد و نقش‌های جنسیتی و انتظاراتی که از دختران وجود دارد بر نوع استفاده‌ی آنان از اینترنت تأثیرگذار است.

### نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بعد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی و موقعیت جغرافیایی، شکاف جنسیتی عمده‌ترین شکاف در کاربرد اینترنت در طی دهه‌ی ۱۹۹۰ بوده، که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌است. پیدایش اینترنت و دگرگونی‌هایی که به دنبال خود به وجود آورده‌است، خبر از دنیایی جدید می‌دهد که امروز در آن زندگی می‌کنیم. پیشرفت رسانه‌های ارتباطی، از شکل‌های اولیه‌ی چاپ تا گونه‌های اخیر ارتباطات الکترونیک، بخش تفکیک‌ناپذیر پیدایش جوامع مدرن است که بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی جوامع تأثیر گذاشته و علاوه بر ایجاد روابط جدید اجتماعی، نوعی دیگر از نابرابری را به نام شکاف دیجیتالی ایجاد کرده‌است.

اگرچه درصد دختران برخط در دانشگاه‌ها اکنون تا حدودی هم‌پای مردان است، این پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت بر نوع و میزان استفاده از اینترنت تأثیرگذار است. دختران دریافت و ارسال پست الکترونیکی، خرید کالا، و سرگرمی را بیش‌تر از پسران ترجیح می‌دهند و در مقابل، پسران از اینترنت به منظور جست‌وجوی اطلاعات و دریافت خبر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، زنان هم‌چنان که در دنیای واقعی به حفظ روابط با دوستان، آشنایان، و فامیل اهمیت می‌دهند، از روابط برخطشان نیز بدین منظور استفاده می‌کنند و کم‌تر مانند مردان در پی اطلاعات و کسب خبر اند. دلیل وجود این نقش زنانه/مردانه در استفاده از اینترنت، جامعه‌پذیری دختران و پسران است که آنان را به سوی نقش‌های سنتی و جنسیتی سوق می‌دهد.

با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت دنیای برخط زیر سلطه‌ی مردان است و زنان سهمی کمتر دارند؛ به طوری که پسران زمان و فرصت بیشتری را به کامپیوتر و اینترنت اختصاص می‌دهند و در جست‌وجوی اطلاعات سیاسی و ورزشی اند؛ در حالی که دختران به ارسال و دریافت ئی-میل، سرگرمی، و جست‌وجوی اطلاعات فرهنگی و آموزشی می‌پردازند.

هدف این پژوهش بیان این مطلب نیست که دختران و پسران باید به یکسان از اینترنت و کامپیوتر استفاده کنند یا زمانی مشابه را به آن اختصاص دهند؛ بلکه هدف، تلاش برای درک شرایط موجود و توجه به عوامل مؤثر بر تفاوت‌ها است. با این وجود که تلاش‌های زیادی در جهت دسترسی به کامپیوتر و اینترنت صورت گرفته‌است، اما شکاف دیجیتالی همچنان وجود دارد و جنسیت، سن، طبقه‌ی اقتصادی-اجتماعی، و دیگر عواملی که فعالیت‌ها و تجارب روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بر دنیای مجازی نیز مؤثر اند و برای کاهش و یا از بین بردن شکاف موجود، لازم است که با بهره‌گیری از دست‌آوردهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، شرایطی را فراهم ساخت تا دختران و پسران از فرصت‌های برابر در این زمینه برخوردار شوند.



## منابع

- آبوت، پاملا، و کلر والاس. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی زنان*. برگردان منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- اعزاز، شهلا. ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار، و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- رابرتسون، یان. ۱۳۷۲. *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز، و کنش متقابل*. برگردان حسین بهروان. تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- «شکاف دیجیتالی»، ۱۳۸۲. برگردان حسن نورایی بیدخت از *Foreign Policy* همشهری ۱۱ (۳۰۸۴)، ۱ تیر.
- گرت، استفانی. ۱۳۷۹. *جامعه‌شناسی جنسیت*. برگردان کتایون نقایی. تهران: دیگر.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۳. *جامعه‌شناسی*. برگردان منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ماهنامه‌ی انجمن انفورماتیک ایران. ۱۳۷۵. ۱۸ (۲۸).
- Chen, Wenhong, Jeffrey Boase, and Barry Wellman. 2002. "The Global Villagers: Comparing Internet Users and Uses around the World." Pp. 74–113 in *The Internet in Everyday Life*, edited by Barry Wellman, and Caroline Haythornthwaite. Oxford, UK: Blackwell.
- Chen, Wenhong, and Barry Wellman. 2004. "The Global Digital Divide Within and Between Countries." *IT & Society* 1(7):39–45.
- Encyclopædia Britannica, Inc. 2005. Britannica Concise Encyclopedia. Electronic Version.
- Fallon, Helen. 1998. *Wow, Women on the Web: A Guide to Gender-Related Resources on the Internet*. 2<sup>nd</sup> Edition. Dublin, Ireland: Women's Education, Research, and Resource Centre, University College Dublin.
- Fong, Eric, Barry Wellman, Jeffrey Boase, Rima Wilkes, and Melissa Kew. 2001. *The Double Digital Divide*. Ottawa, Canada: Office of Learning Technologies, Human Resources Development Canada.
- Frenkel, Karen A. 1991. "Women and Computing." *Journal of Communication* 33(11):34–46.
- Hargittai, Eszter. 2002. "Second-Level Digital Divide: Differences in People's Online Skills." *First Monday* 7(4). Retrieved 18 October 2005 ([http://www.firstmonday.dk/issues/issue7\\_4/hargittai/](http://www.firstmonday.dk/issues/issue7_4/hargittai/)).
- Henwood, Flis. 1993. "Establishing Gender Perspectives on Information Technology: Problems, Issues, and Opportunities." Pp. 31–49 in *Gendered by Design?: Information Technology and Office Systems*, edited by Eileen Green, Jenny Owen, and Den Pain. London, UK: Taylor and Francis.
- Katz, James E., and Ronald E. Rice. 2002. *Social Consequences of the Internet Use: Access, Involvement, and Interaction*. Cambridge, MA, USA: MIT Press.
- Kennedy, Tracy, Barry Wellman, and Kristine Klement. 2003. "Gendering the Digital Divide." *IT & Society* 1(5):72–96.
- Margolis, Jane, Allan Fisher, and Faye Miller. 1999. "Caring about Connections: Gender and Computing." *IEEE Technology and Society Magazine* 18(4):13–20.
- Norris, Pippa. 2001. *Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

- Georgia Institute of Technology. 1994, January. "GVU's First WWW User Survey Results." GVU's WWW Surveying Team, Graphics, Visualization, and Usability Center (GVU), College of Computing, Georgia Institute of Technology. Retrieved 15 August 2006 ([http://www-static.cc.gatech.edu/user\\_surveys/survey-01-1994/](http://www-static.cc.gatech.edu/user_surveys/survey-01-1994/)).
- Reddick, Andrew, Christian Boucher, and Manon Groseilliers. 2000. *The Dual Digital Divide: The Information Highway in Canada*. Ottawa, Ontario, Canada: The Public Interest Advocacy Centre.
- Singh, Supriya. 2000. "Gender Differences in Internet Use and Electronic Commerce." Presented at the Pacific Telecommunications Conference, 30 January–2 February, Honolulu, Hawaii, USA.
- SMAU. 2001. "The Italian ICT Market." Retrieved 6 May 2004 (<http://www.smau.it/smau/doc/texto-01k.pdf>).
- Witte, James C., Lisa M. Amoroso, and Philip E. N. Howard. 2000. "Method and Representation in Internet-Based Survey Tools: Mobility, Community, and Cultural Identity in Survey2000." *Social Science Computer Review* 18(2):179–195.
- Wikipedia, the free encyclopedia. N.d. "Hamiltonian Path." Retrieved 28 August 2006 ([http://en.wikipedia.org/wiki/Hamiltonian\\_path](http://en.wikipedia.org/wiki/Hamiltonian_path)).

### نویسندگان

#### دکتر سوسن باستانی،

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا  
sbastani@alzahra.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی، ۱۳۸۰، دانشگاه تورنتو، تورنتو، کانادا  
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی تحلیل شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و جامعه‌ی اطلاعاتی، و روابط جنسیتی است. از وی بیش از ۱۶ مقاله در مجلات علمی-پژوهشی و کنفرانس‌های بین‌المللی معتبر چاپ و ارائه شده‌است. ترجمه‌ی کتاب *فن‌آوری اطلاعات برای مدیریت* از وی با هم‌کاری دکتر محمدحسین فاضل زرنندی زیر چاپ است.  
وی در حال حاضر رئیس دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا است و پیش از این نیز مدیر گروه مطالعات خانواده و زنان دانشگاه الزهرا بوده‌است.

#### شهناز میزبان،

کارشناس ارشد پژوهش‌گری

پژوهش‌های وی در زمینه‌ی اینترنت و جامعه‌ی اطلاعاتی و جنسیت است.



# اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار-میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها

دکتر امیرمظفر امینی

استادیار گروه توسعه‌ی روستایی، دانشکده‌ی مهندسی کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

مهندس محمدعلی احمدی شاپورآبادی

کارشناس ارشد توسعه‌ی روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، کارشناس گروه مطالعات اقتصادی استانداری قم

## چکیده

نوشتار حاضر، که حاصل یک پژوهش میدانی است، با هدف کلی بررسی اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان «برخوار-میمه» و «فلاورجان» استان اصفهان و تأثیر این اشتغال بر میزان خوداتکایی آن‌ها انجام شده است. برای انتخاب نمونه‌ها، از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ی و مرحله‌ی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز نیز از ۳۷۵ زن، در ۲۰ روستای طبقه‌بندی‌شده بر حسب جمعیت، به دست آمده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دلیل اصلی اشتغال و تمایل ۹۴ درصد از زنان روستایی، نیاز مبرم اقتصادی است. ۴۵ درصد از زنان شاغل، درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند و ۶۳ درصد آنان نیز حق خرج کردن درآمد خود را ندارند.

بر پایه‌ی این پژوهش، زنان روستایی شاغل در گروه‌های شغلی مختلف، از نظر خوداتکایی، وضعیتی مشابه ندارند. خوداتکایی آن‌ها با سطح تحصیلات خود و همسران‌شان ارتباط مستقیم، و با سال‌های تأهل و سن آن‌ها رابطه‌ی معکوس دارد. شغل همسران زنان روستایی نیز در خوداتکایی آنان به‌طوری معنادار مؤثر است.

## واژگان کلیدی

زنان روستایی؛ خوداتکایی؛ اشتغال؛ درآمد؛ برخوار-میمه؛ فلاورجان؛ ایران؛

در مباحثی که امروز در مورد توسعه مطرح می‌شود، نیروی انسانی و به‌خصوص اهمیت نقش زنان در برنامه‌های رشد و توسعه از جمله موضوعاتی است که توجه صاحب‌نظران کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده‌است (امینی و رضایی ۱۳۷۹). با آن‌که زنان جامعه بشری ۵۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و ۶۶ درصد ساعات کار (با دست‌مزد و بدون دست‌مزد) و ۹۰ درصد امور تولید در مزارع متوسط به عهده‌ی آن‌ها است، سهم ناچیزی در تصمیم‌گیری‌ها دارند و فقط یک‌دهم درآمدهای جهانی و کم‌تر از یک‌درصد زمین‌های جهان به آنان اختصاص یافته‌است؛ افزون‌براین، عوامل فرهنگی-اجتماعی نیز موانع بیشتری را برای زنان، نسبت به مردان، ایجاد می‌کند، که بازتاب آن در جوامع روستایی و کشورهای در حال توسعه نمود افزون‌تری دارد (دفتر امور زنان ۱۳۷۶؛ بانک جهانی<sup>۱</sup> ۱۹۹۸).

مدیران و برنامه‌ریزان کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، به زنان روستایی و نقش آن‌ها در فرآیند دگرگونی و توسعه‌ی جامعه‌ی روستایی، چندان اعتقادی ندارند و زنان در این کشورها، بیش‌تر عناصر حاشیه‌یی، غیرفعال، و غیرمولد محسوب می‌شوند؛ از این‌رو جای تعجب نخواهد بود که زنان در چنین شرایطی، به‌تدریج، از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه‌ی درآمد، پیوند با بازار کار، و در یک کلام از مشارکت در سطوح تصمیم‌گیری محروم شوند و به دنبال آن جامعه نیز، به دلیل عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی نیمی از جمعیت خود، نتواند فرآیند توسعه را، به آن شکلی که علم تجویز می‌کند، پیماید. نبود منابع آماري دقیق در زمینه‌ی شناخت نوع و میزان مشارکت زنان در روستاها، بی‌اهمیت دانستن نقش آن‌ها از سوی برنامه‌ریزان توسعه، و نبود مهارت علمی در مطالعه‌ی وضعیت این زنان، سبب شده‌است تا آنان وابسته‌ی مردان به شمار آیند و هرگز از استقلال اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند. کار زنان روستایی، به علت دریافت نکردن دست‌مزد، حقیر، پست، و نامنظم انگاشته می‌شود و از مسیر طبیعی جریان توسعه باز می‌ماند؛ که این امر می‌تواند پی‌آمدهای پیش‌بینی‌نشده‌ی بسیار منفی و مخرب را برای کل ساختار جامعه داشته‌باشد (قلی‌زاده ۱۳۷۸).

طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۸، سهم زنان از تحصیل درآمد در کشورهای صنعتی ۳۸/۰۲ درصد، در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته ۳۴/۲۹ درصد، در کشورهای در حال توسعه، اعم از شهری و روستایی، ۳۴/۴۲ درصد، و برای کل جهان ۳۳/۷۱ درصد است (بانک جهانی ۱۹۹۸). براساس گزارش توسعه‌ی انسانی<sup>۲</sup> سال ۱۹۹۹، میزان فعالیت زنان در اقتصاد ایران، ۱۴/۳ درصد، و درآمد حاصل از کار آن‌ها در سال ۱۹۹۷، ۹/۷ درصد بوده‌است، که با توجه به تفاوت چشمگیر سهم درآمد زنان و مردان (به دلیل پایین بودن سطح توسعه‌ی

<sup>۱</sup> World Bank

<sup>۲</sup> Human Development Report



انسانی زنان) جای‌گاه ایران از نظر شناسه‌ی توسعه‌ی مبتنی بر جنسیت (GDI)<sup>۱</sup>، در گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۱، از میان ۱۴۴ کشور، ۸۲ بوده‌است. از نظر شناسه‌ی توان‌مندی جنسیتی (GEM)<sup>۲</sup> نیز، که با جمع متغیرهای مشارکت اقتصادی و تصمیم‌گیری، مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری، و توانایی بر منابع محاسبه می‌شود، ایران در بین ۷۸ کشور، که امکان محاسبه‌ی این شناسه در آن‌ها وجود داشته‌است، رتبه ۷۲ را به دست آورده‌است (برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد<sup>۳</sup> ۲۰۰۱)؛ همچنین گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که میزان نیروی کار زنان در بخش‌های اقتصادی ایران در سال ۱۹۹۶، ۱۴/۲ درصد بوده؛ در حالی که این نسبت در کشورهایی مانند مالزی، کره‌ی جنوبی، و ژاپن، به ترتیب، ۳۷/۰۱ درصد، ۴۴/۷ درصد، و ۴۰/۱۵ درصد است (بانک جهانی ۲۰۰۲).

در کشور ما با وجود این که آمار و اطلاعات گوناگون، حکایت از این دارد که بیش‌تر زنان روستایی به‌گونه‌ی تمام‌وقت و یا نیمه‌وقت به انواع فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸، برگرفته از باقری ۱۳۸۲)، لیکن به دلایل مختلف، راه‌کارها و تعاریف به کار گرفته‌شده‌ی مرکز آمار، برای احتساب موضوع اشتغال در ایران، آن‌ها را شاغل به شمار نیاورده، در آمارها منظور نمی‌کند. پاره‌یی از پژوهش‌ها سهم زنان روستایی را، به‌عنوان نیروی کار کشاورزی در ایران، در مجموع، ۴۰ درصد برآورد کرده‌است، که از این مقدار، ۷۰ درصد به زراعت برنج، ۹۰ درصد به تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، و ۳۰ درصد به محصولات باغی اختصاص دارد (صدیق و نوروزی ۱۳۷۷)؛ همچنین سهم زنان را در پرورش کرم ابریشم ۹۰ درصد، در تولید صنایع دستی ۷۵ درصد (نواب اکبر ۱۳۷۶) و در فعالیت‌های دام‌پروری و قالی‌بافی، به ترتیب، بیش از ۵۰ درصد و ۹۰ درصد برآورد کرده‌اند (ناصری ۱۳۷۵، برگرفته از امینی و رضانی ۱۳۷۹).

بسیاری از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی اعتقاد دارند هرچه فعالیت زنان در عرصه‌های اقتصادی گسترش یابد، نقش آن‌ها از نظر اجتماعی و به‌ویژه مشارکت، تصمیم‌گیری، و به دست گرفتن مسئولیت‌ها بیش‌تر خواهد شد (کالینز<sup>۴</sup> ۱۹۷۵، برگرفته از لهسای‌زاده، جهانگیری، و خواجه‌نوری ۱۳۸۴؛ بوزروپ<sup>۵</sup> ۱۹۸۶؛ امینی ۱۳۷۵؛ دفتر امور زنان ۱۳۷۶؛ راورداد ۱۳۷۹؛ باقری ۱۳۸۲). با حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی، فرصت‌های اشتغال برای آنان به وجود خواهد آمد و با رفتن به سر کار و حضور در مدرسه، به منابع مادی و غیرمادی، هم‌چون درآمد، قدرت، توانایی استفاده از نگره‌های فرهنگی، و نظایر آن دست پیدا خواهند کرد (کالینز ۱۹۷۵).

<sup>۱</sup> Gender Development Index (GDI)

<sup>۲</sup> Gender Empowerment Measure (GEM)

<sup>۳</sup> United Nations Development Programme

<sup>۴</sup> Collins, Randal

<sup>۵</sup> Boserup, Ester

با پذیرش این نظریه درمی‌یابیم که در جامعه‌ی شهری ایران، افزایش اشتغال اقتصادی بانوان در خارج از خانه، و پذیرش نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی مشخص به وسیله‌ی آن‌ها در چند دهه‌ی اخیر، به یک واقعیت انکارناپذیر بدل شده‌است؛ اما در مورد جامعه‌ی روستایی کشورمان، به دلیل آن‌که هنوز زنان روستایی شاغل در فعالیت‌های اقتصادی برای دریافت درآمد خویش و مصرف کردن آن دارای استقلال و در نتیجه خوداتکایی قابل‌قبول نیستند، به‌رغم نقش اقتصادی ارزنده‌شان، هنوز جای‌گاه اجتماعی متناسب با این نقش اقتصادی را به دست نیاورده‌اند (امینی ۱۳۷۵).

نوشتار حاضر، با بررسی اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان فلاورجان و برخوار-میمه‌ی اصفهان، در پی ارزیابی مسائلی چون میزان خوداتکایی اقتصادی، میزان استقلال در دریافت درآمد و مصرف آن، تحلیل چه‌گونگی خوداتکایی در گروه‌های شغلی مختلف، ارتباط بین انواع فعالیت‌های اقتصادی و مصرف کردن درآمد، ارتباط متغیرها و تأثیر آن‌ها با ویژگی‌های فردی، و نیز تأثیر سطح تحصیلات و شغل همسر در خوداتکایی زنان روستایی است؛ تا بدین‌ترتیب دلایل به چالش کشیده شدن نظریه‌یی که معتقد به وجود همبستگی معنادار بین فزونی فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سطح خوداتکایی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زنان روستایی است، مشخص شود. براین‌اساس نویسندگان بر پایه‌ی تجربه‌های علمی و عملی خود و همچنین در پی مطالعه، پژوهش، و نظر خواهی‌هایی که از کارشناسان صاحب‌نظر در این زمینه به عمل آوردند، به ارائه‌ی گمانه‌های زیر پرداختند:

- ۱- دلیل اصلی اشتغال زنان روستایی، نیاز مبرم خود و خانواده به فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها است.

- ۲- زنان روستایی درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند و یا تنها بخشی از آن را دریافت می‌دارند.

- ۳- زنان روستایی بدون نظارت و یا اجازه‌ی شوهر خود، امکان مصرف کردن درآمد خویش را ندارند.

- ۴- زنان روستایی شاغل در گروه‌های مختلف شغلی، در دریافت و یا عدم دریافت درآمد خویش، وضعیتی مشابه ندارند.

- ۵- زنان روستایی شاغل در گروه‌های مختلف شغلی، از نظر استقلال در مصرف کردن درآمد خود، وضعیتی مشابه ندارند.

- ۶- بین سن، مدت تأهل، و سطح تحصیلات زنان و همسران‌شان، با دو متغیر پژوهش، یعنی سهم دریافتی آن‌ها از درآمدشان و میزان استقلالی که در مصرف کردن آن دارند، به‌طور جداگانه، رابطه‌یی معنادار وجود دارد.



- ۷- میزان استقلال در مصرف کردن درآمد، بین زنان دارای همسران کم‌سواد یا بی‌سواد و زنان دارای همسران باسواد، به‌طور معناداری متفاوت است.
- ۸- رابطه‌ی معناداری بین شغل همسران زنان روستایی و دو متغیر سهم دریافتی زنان از درآمد و میزان استقلال در مصرف آن وجود دارد.
- ۹- نوع شغل همسران زنان روستایی، بر سهم دریافتی آن‌ها از درآمدها و همچنین بر میزان استقلال‌شان در مصرف آن اثر دارد.

### پیشینه‌ی پژوهش

نتایج پژوهش سنگلجی (۱۳۷۰، برگرفته از رادرداد ۱۳۷۹) در مورد استقلال زن و خانواده، در چند واحد کارگری شهر تهران، نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی زنان، قدرت تصمیم‌گیری را نیز برای آن‌ها به ارمغان آورده‌است.

جایارامان<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) نیز با مروری بر وضعیت چای‌کاران در کشتزارهای سریلانکا نشان می‌دهد که زنان، با درآمد نسبتاً خوبی که از مشارکت مستقیم در مزارع به دست می‌آورند، قدرت و نفوذ بیشتری بر همسران خود دارند و در مخارج و درآمدهای خانواده نیز بیشتر دخالت می‌کنند و یا زنانی که عضو شوراهای محلی اند، دوشادوش مردان کار کرده، در بیشتر تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی طرف مشورت همسران‌شان قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که زنان طبقات برتر، که در کارها و فعالیت‌های کشاورزی مشارکت ندارند، در برابر همسران‌شان از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.

در مقابل جامعه‌ی شهری، مشهور (۱۳۵۵) در پژوهش خود، که به بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زنان در خانوارهای روستایی اطراف تهران اختصاص دارد، نشان می‌دهد که با وجود سهم نسبتاً زیاد کار زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی، آنان نقشی بسیار ناچیز در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید و همچنین تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره‌ی خانه داشته‌اند، که حتا با افزایش سهم کاری، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها افزایش نمی‌یابد.

رسول‌پور عربی (۱۳۷۶) نیز نشان می‌دهد که با وجود حضور گسترده‌ی زنان در اقتصاد خانواده و روستا، آنان سهم چندانی از تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده ندارند.

هاشمی (۱۳۷۳) بر این عقیده است که با وجود نقش مهم و اساسی زنان روستایی در تولید قالی، میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌ها بسیار ناچیز است؛ به‌طوری‌که در ۸۲ درصد از خانواده‌های روستایی، مردان در این مورد به‌تنهایی تصمیم می‌گیرند و فقط در ۱۰ درصد از خانوارها، زنان نقش بیشتری در

<sup>۱</sup> Jayaraman, Raja

چه‌گونگی مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌های بافت خودشان را دارند. در ۸ درصد از خانواده‌ها نیز زن و مرد به‌طور مشترک درباره‌ی چه‌گونگی مصرف درآمد به‌دست‌آمده از فروش قالی‌ها، تصمیم‌گیری می‌کنند.

شادی‌طلب در یکی از مطالعات‌اش (۱۳۸۱)، رفتارهای اقتصادی زنان روستایی را مورد بررسی قرار داده، اعلام می‌کند که کسب درآمد مستقل در زنان باعث شده‌است آنان به سمت کسب استقلال حرکت نمایند؛ هرچند که تأکید می‌کند سهم زنان روستایی در دارای درآمد مستقل، هنوز همانند کل زنان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی نیست. به عقیده‌ی وی با وجود گذر از مرحله‌ی کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری، هنوز زنان روستایی ایران به‌عنوان کارکنان بی‌دستمزد خانواده، بخشی مهم از نیروی کار واحدهای تولید را تأمین می‌کنند (شادی‌طلب ۱۳۷۸) و در نوشتاری دیگر نیز، ضمن اشاره به جای‌گاه فعالیت‌های زنان روستایی در صنایع دستی و امور کشاورزی، اعلام می‌کند که از نظر جامعه‌ی روستایی، فقط فعالیت اقتصادی مردان، کار محسوب می‌شود (شادی‌طلب ۱۳۸۱).

یافته‌های میرعابدینی و طه (۱۳۷۶) نیز بیان‌گر این نکته است که زنان روستایی با وجود مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، در سطوح تصمیم‌گیری مشارکتی ندارند.

افشار<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) اعلام می‌کند درآمد حاصل از فروش قالی‌هایی که به دست زنان قالی‌باف ایران بافته می‌شود، به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و وایت<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) نیز معتقد است که مردان اندونزیایی برای برخورداری هرچه‌بیش‌تر از دست‌رنج حاصل از بافت قالی‌های دختران‌شان، ازدواج آن‌ها را به تأخیر می‌اندازند.

نتایج پژوهش پاندی<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) بیان‌گر این است که زنان روستایی هند، بیش‌تر وقت خود را در فعالیت‌هایی صرف می‌کنند که در برابر آن، دست‌مزدی به آن‌ها پرداخت نمی‌شود. او ارزش این فعالیت‌ها را معادل ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی هند می‌داند.

اما نتایج پژوهش حمزولو (۱۳۸۱) در روستاهای خمین حکایت‌گر این است که امکان اشتغال به کار دست‌مزدی، در خارج از خانه، باعث ایجاد انگیزه‌ی بالا برای حضور جدی‌تر زنان روستایی در عرصه‌های تصمیم‌گیری می‌شود. وی فرهنگ سنتی حاکم بر مناطق روستایی و عدم دسترسی زنان به عوامل تولید مانند زمین، تسهیلات، و فن‌آوری را از دلایل عدم مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی و اجتماعی می‌داند؛ همچنین عدم آگاهی زنان از حقوق اساسی خویش و باور نکردن توانایی را نیز از جمله موانع اساسی عدم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها عنوان می‌کند.

<sup>1</sup> Afshar, Haleh

<sup>2</sup> White, B. N. F.

<sup>3</sup> Pandey, R. N.



امینی و رضانی (۱۳۷۹) با بررسی ارتباط درآمد زنان روستایی و خوداتکایی آن‌ها، به این نتیجه رسیده‌اند که کار بانوان روستایی تأثیری قابل‌توجه در میزان استقلال آن‌ها برای مصرف درآمدشان ندارد، اما با افزایش درآمد، میزان استقلال برای مصرف افزایش می‌یابد. آن‌ها همچنین تأکید می‌کنند که دو متغیر سن و طول مدت دوره‌ی زناشویی زنان روستایی نیز با استقلال مالی آن‌ها رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد.

لیندن باوم<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) در پایان مطالعات خود اعلام می‌کند که در بنگلادش و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پاره‌یی از سنت‌ها و آداب و رسوم مانع ورود زنان به بازار کار می‌شود و زنان برای فروش کالاهای خود، مجبور به کمک گرفتن از همسران، پسران، و یا دیگر اعضای مرد خانواده می‌شوند.

نور<sup>۲</sup> (۱۹۷۹)، برگرفته از لهسایی‌زاده (۱۳۸۰) اعلام می‌کند تغییر درآمد شوهر، ارتباطی منفی و معنادار با احتمال اشتغال زن دارد و پایگاه اجتماعی-اقتصادی شوهر و عوامل فرهنگی نیز همراه با سطح تحصیلات زن، در اشتغال بانوان مؤثر است. وی نشان می‌دهد که متغیرهای سن، میزان تحصیلات، محل سکونت، پایگاه اجتماعی (بر پایه‌ی درآمد)، و اشتغال مادر نیز بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در اموری مانند مشارکت در نیروی کار مؤثر است. بوزروپ (۱۹۸۹) معتقد است اصولاً حقوق و قوانین، در برنامه‌های توسعه در جهان سوم، به نفع مردان و به زیان زنان وضع و اجرا می‌شود.

هانتینگتون<sup>۳</sup> (۱۹۷۵)، برگرفته از دفتر امور زنان (۱۳۷۶) اعلام می‌کند که در آفریقا، با وجود انجام کارهای کشاورزی به وسیله‌ی زنان، مردان کنترل دست‌رنج زنان را در اختیار دارند؛ زیرا آداب و رسوم، موقعیت بهتری را برای مردان، نسبت به زنان، ایجاد می‌کند و اجازه می‌دهد سرمایه، مایحتاج زندگی، و حتا اوقات فراغت مردان، از دست‌رنج زنان فراهم شود.

یافته‌های پژوهش /رجلو (۱۳۸۴) در ارزیابی آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خویش و عوامل مؤثر در آن، بیان‌گر این است که اشتغال در یک فعالیت درآمدزا و دریافت مستقیم درآمد، ازجمله عوامل اقتصادی است که بر افزایش آگاهی زنان روستایی اثر دارد و افزایش میزان آگاهی زنان، منجر به افزایش سهم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، فردی، و خانوادگی می‌شود.

<sup>1</sup> Lindenbaum, Shirley

<sup>2</sup> Ewer, Phyllis

<sup>3</sup> Huntington, Sue Ellen

## چهارچوب نظری پژوهش

در طول تاریخ و در جوامع مختلف بشری، برای زن و مرد نقش‌هایی متفاوت در خانواده و جامعه تعریف شده‌است. با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، در نقش‌های زنان و مردان نیز تغییراتی پدید آمده که منجر به دگرگونی در هویت سنتی آن‌ها شده‌است (خواجه نوری ۱۳۷۳؛ برگرفته از لهسایی‌زاده و همکاران ۱۳۸۴). به گواهی تاریخ، نظام پدرسالار در طول هزاره‌ها، نظام مسلط جوامع بشری بوده‌است (گیدنز<sup>۱</sup> ۱۳۷۵) و در چنین جوامعی، تقسیم کار، به‌طور سنتی، بر پایه‌ی تقسیم‌بندی جنسیتی است (دفتر امور زنان ۱۳۷۲)، که آشکارا بیان‌کننده‌ی نوعی نابرابری بوده، به مردان اجازه می‌دهد تا امتیازات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی را به نفع خود حفظ کنند (رابرتسون<sup>۲</sup> ۱۳۷۲، برگرفته از لهسایی‌زاده و همکاران ۱۳۸۴). بر اساس نظر کالینز (۱۹۷۵)، زمانی که امتیازهای مادی مردان کاهش یابد، موقعیت زنان به دلیل افزایش امتیازهای مادی و کنترل وسایل سرکوب، افزایش می‌یابد و این امر به بالا رفتن فعالیت و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی و ساخت اجتماعی منجر خواهد شد. از نظر او، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی سنتی، مؤید نظام حاکم مبتنی بر پدرسالاری است (ترنر<sup>۳</sup> ۱۹۹۸، برگرفته از لهسایی‌زاده و همکاران ۱۳۸۴).

ساختار جامعه‌ی روستایی ایران نیز بر پایه‌ی روابط پدرسالارانه‌ی است که گفتمان غالب در آن، قدرت و سلطه‌ی مردان و پذیرش آن به وسیله‌ی زنان است. هرچند در این جامعه، به کمک ایدئولوژی مردسالارانه‌ی حاکم، مردان، صاحب منابع قدرت اند و فرد غالب عرصه‌های تصمیم‌گیری به حساب می‌آیند؛ اما مطالعات پژوهشی سال‌های اخیر به‌روشنی نشان می‌دهد که توجه نسبی به به‌زیستی زنان و توانمند کردن آن‌ها با متغیرهایی هم‌چون افزایش سطح سواد و تحصیلات، افزایش توانایی در کسب درآمد مستقل، اشتغال خارج از خانه، داشتن حقوق مالکیت، و نظایر آن به افزایش مشارکت بانوان روستایی ایران در تصمیم‌گیری‌های درون و برون خانه منجر شده‌است.

یکی از دلایل مهم پایین بودن سهم مشارکت زنان در بسیاری از کشورها، عدم دسترسی آن‌ها به منابع اقتصادی است. در کشورهای در حال توسعه، مالکیت زمین و سرمایه به‌شدت با منافع اعضای مرد خانواده گره خورده‌است؛ باین‌حال، شواهد زیادی حکایت از این دارد که هر زمان ساختار اجتماعی، از رویه‌ی استاندارد مالک بودن مرد خارج شود، زنان به ابتکارهای تجاری و اقتصادی نو، با موفقیت‌های بسیار، دست زده‌اند. بدیهی است

<sup>1</sup> Giddens, Anthony

<sup>2</sup> Robertson, Yan

<sup>3</sup> Turner, Jonathan H





هدف مشارکت بیشتر زنان، صرفاً ایجاد درآمد برای آنها نیست، بلکه بهبود منافع اجتماعی ناشی از استقلال مالی نیز در دستور کار قرار دارد.

حوزه‌ی دیگر دخالت زنان در امور اقتصادی، حوزه‌ی فعالیت‌های کشاورزی مرتبط با مالکیت زمین است. در این قسمت نیز فرصت‌های اقتصادی به‌دست‌آمده برای زنان می‌تواند اثری قاطع بر کارکرد اقتصادی و ترتیبات اجتماعی فعالیت‌های آنان بگذارد و علاوه بر ایجاد تعادل اجتماعی و اقتصادی بین زنان و مردان، به زنان فرصت دهد تا با استفاده از موقعیت‌های جدید و دستیابی به سطوح بالاتر تحصیلات، صاحب منابع اضافی شوند و این تعاملات را به شکل متعادل‌تری به نفع خویش تغییر دهند. با فراهم شدن چنین شرایطی، موقعیت زنان به جهت افزایش امتیازهای مادی و افزایش کنترل بر منابع قدرت ارتقا می‌یابد (سن<sup>۱</sup> ۱۳۸۱) و از این رو، لازم است بخشی از هدف‌های برنامه‌ی توسعه، بر پایه‌ی هدایت زنان به سوی تولید درآمدزا تدوین شود تا آنان نیز با کسب استقلال مالی، به خود متکی شوند؛ بدین‌سان با افزایش قدرت و توانایی زنان در نظارت و مراقبت از بازار کالاهای خود، قدرت تصمیم‌گیری آنان نیز بیشتر شده، استقلالی درخور می‌یابند (قلی‌زاده ۱۳۷۸).

در برنامه‌های اجرایشده‌ی توسعه در کشور ما، هرچند، به صورت آشکار، بر هیچ نظریه‌ی تأکید نشده‌است اما می‌توان رد پای سه نظریه‌ی رایج نوسازی، ساخت‌گرا، و کلاسیک را مشاهده کرد (شادی‌طلب ۱۳۸۱) و به نقد کوتاه آنها پرداخت.

در برنامه‌های توسعه‌ی مبتنی بر نظریه‌ی نوسازی، اصولاً به ساخت جامعه، الگوی نقش‌ها، و ماهیت خانوادگی مردسالارانه‌ی که باید فرصت‌های مناسب را برای تغییر و نوسازی، نیمی از جامعه، یعنی زنان، فراهم کند توجه چندانی نمی‌شود. از سوی دیگر، اطلاعات موجود بیان‌گر این است که کشورهای مسلط یا صاحبان سرمایه، با دسترسی به زنان کارگر جوان، ارزان، منظم، و کم‌توقع، سود سرشاری برده‌اند، که به انباشت سرمایه منتهی شده‌است و با نقد نظریه‌ی ساخت‌گرا درمی‌یابیم که این نظریه از چنین امر مهمی غافل مانده‌است. نظریه‌ی نیوکلاسیک هم هرچند به رشد اقتصادی کمک کرده‌است، اما بدون شک همه‌ی افراد جامعه از فواید آن برخوردار نشده‌اند و زنان، به‌ویژه زنان جامعه‌ی روستایی، از بخش قابل‌توجهی از مواهب این رشد محروم مانده‌اند. حتی به دلیل این‌که زنان غالباً در گروه‌ها یا نهادهایی خصوصی، که می‌توانند با مردان رقابت کنند جای ندارند، در بیشتر مواقع امکان این رقابت نیز برای آنها فراهم نشده‌است؛ بدین ترتیب می‌توان دریافت که این سه نظریه، با وجود تمام ویژگی‌های مثبتی که دارند، با شرایط و وضعیت موجود کشورهایی مانند کشور ما، چندان هماهنگی و هم‌خوانی ندارند؛ چراکه دارای فراگیری لازم

<sup>1</sup> Sen, Amartya

برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی، از طریق توجه به ویژگی‌های اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی موجود در این گونه جوامع، نیستند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کاربردی از نوع پیمایشی است و مطالعات اسنادی و کتابخانه‌یی، مبنای تدوین چهارچوب موضوع، ادبیات، اهداف، گمانه‌ها، و ساخت شناسه‌های سنجش این پژوهش است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز با روش میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گراخته انجام، و پرسش‌نامه نیز متناسب با مفاهیم و شناسه‌های تعریف‌شده برای پژوهش و با کمک پژوهش‌های صورت‌گرفته و هم‌چنین سازگار شدن پرسش‌ها با شرایط مناطق پژوهش طراحی شده‌است. به منظور اطمینان از پایداری و اعتبار مفاهیم و گویه‌ها، نخست با دادن پرسش‌نامه به ۳۰ نفر از افراد جامعه‌ی آماری، اقدام به انجام یک مطالعه‌ی راهنما شد که در پایان، گویه‌هایی که پایایی ضعیفی داشتند از پرسش‌نامه حذف و در نتیجه آلفای کل طیف افزون بر ۰/۸ شد. پس از تکمیل پرسش‌نامه به وسیله‌ی گفت‌وگوهای دقیق با زنان روستایی، در تأیید پرسش‌نامه‌ی نهایی نیز از نظرات صاحب‌نظران و متخصصان استفاده‌ی لازم به عمل آمد.

### جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را زنان متأهل ساکن مناطق روستایی دو شهرستان فلاورجان و برخوار-میمه‌ی اصفهان تشکیل داده‌اند. انتخاب این دو شهرستان، نخست به دلیل هم‌جواری با مرکز استان و سپس به دلیل ویژگی‌های متفاوتی که به لحاظ خصوصیات جغرافیایی داشتند، انجام گرفت. شهرستان فلاورجان در حاشیه‌ی زاینده‌رود و در بخش جلگه‌یی اصفهان واقع است؛ درحالی‌که شهرستان برخوار-میمه در منطقه‌ی کویری و کم‌آب اصفهان قرار دارد. این دو شهرستان به لحاظ ویژگی‌ها و شناسه‌های جمعیتی و هم‌چنین از نظر خصوصیات مربوط با اشتغال زنان خانوارهای روستایی با یک‌دیگر متفاوت و از گوناگونی لازم برخوردار اند؛ بدین‌سبب، پس از انجام مطالعات لازم و مشورت با صاحب‌نظران، شهرستان فلاورجان به‌عنوان نماینده‌ی منطقه‌ی جلگه‌یی آب‌ریز زاینده‌رود، که دارای آب فراوان و تراکم جمعیت بالا است، و شهرستان برخوار-میمه به‌عنوان نماینده‌ی منطقه‌ی کویری، با تراکم جمعیت اندک و محدودیت قابل‌توجه آب، برای یک ارزیابی تطبیقی کاملاً مناسب تشخیص داده‌شدند.



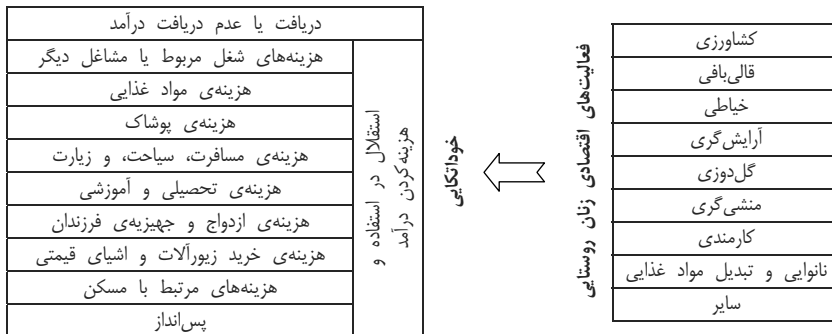
### روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

در این پژوهش از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌یی و مرحله‌یی استفاده شد. پس از تقسیم شهرستان‌ها به بخش و دهستان، روستاهای هر دهستان، به ترتیب، به روستاهای بسیار بزرگ با جمعیت بیش از ۵۰۰ خانوار، بزرگ با جمعیت ۵۰۰ تا ۲۰۰ خانوار، متوسط با جمعیت ۲۰۰ تا ۵۰ خانوار، و کوچک با جمعیت کم‌تر از ۵۰ خانوار طبقه‌بندی شدند.

برای تعیین حجم نمونه، از تعداد کل ۲۵'۷۴۸ خانوار در دو شهرستان (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶)، دستور عمومی کوکران<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) به کار رفت، که به جهت محدودیت‌های زمانی و اقتصادی و به‌ویژه به دلیل گستردگی جامعه‌ی آماری، با استفاده از دستور تصحیح‌شده‌ی ییتس<sup>۲</sup> (عمیدی ۱۳۸۲)، شمار نمونه‌ها به ۳۷۵ کاهش یافت و پس از بررسی لازم، با توجه به شرایط منطقه و میزان هم‌خوانی روستاها، در نهایت ۲۰ روستا به‌عنوان نمونه در دو منطقه انتخاب، و تعداد نمونه و تعداد روستاهای هر طبقه، به روش نظام‌مند تعیین شد.

### مدل پژوهش و شاخص‌سازی مفاهیم

در نمودار ۱، مدل عملی، که حاصل چهارچوب نظری پژوهش است، رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- تحلیل عوامل و متغیرهای مورد بررسی

به دلیل کیفی و ذهنی بودن بسیاری از پدیده‌ها، که از جمله‌ی تفاوت‌های پژوهش‌های علوم اجتماعی با پژوهش‌های علوم تجربی است، در این پژوهش از تعریف‌های عملیاتی و یا جریان عملی‌سازی واژه‌ها استفاده شده‌است. در فرآیند عملی‌سازی، هدف، یافتن صفات

<sup>1</sup> Cochran, William G.

<sup>2</sup> Yeats, Frank

قابل‌انتساب به مفاهیمی است که به‌راحتی قابل اندازه‌گیری باشند. این صفات و واژه‌ها را شناسه یا معرف می‌گویند (امینی و صفری شالی ۱۳۸۱). که شناسه‌های مناسب، در واقع بیان آماری پدیده‌های موجود است. برای سنجش متغیر خوداتکایی، از شناسه‌هایی مختلف مانند دریافت یا عدم دریافت درآمد و استقلال در مصرف کردن آن (طبق نمودار ۱) استفاده شده، که این امر با دسته‌بندی و استخراج اطلاعات حاصل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و بر اساس طیف لیکرت امکان‌پذیر شده‌است.

در این پژوهش، سطح سنجش متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل، به‌جز شغل همسران زنان روستایی که متغیر مستقل چند شقی است، از نوع متغیرهای ترتیبی (رتبه‌یی) است. با توجه به سطح سنجش متغیرها (ترتیبی-ترتیبی)، از آزمون‌های معناداری گاما و تاو که رایج‌ترین آماره در زمانی که هر دو متغیر ترتیبی باشد، استفاده شد؛ زیرا در حالتی که طبقات متغیرها نسبتاً کم باشد، گاما بیش از سایر آزمون‌ها توصیه می‌شود (دواس<sup>۱</sup> ۱۳۷۶)؛ باین‌حال نظر به این‌که آزمون گاما روابط دو متغیر را بیش از آنچه که هست نشان می‌دهد، در کاربرد این شناسه، باید با احتیاط عمل شود (ساعی ۱۳۷۷). برای افزایش دقت و احتیاط علمی در این پژوهش، با توجه به طبقات متغیرها، از ضریب کندال نیز استفاده شد. باتوجه به اسمی بودن متغیر شغل همسران، برای اندازه‌گیری و سنجش اثر آن بر متغیر وابسته، آزمون کراسکال-والیس به کار رفت و برای پی بردن به تفاوت معنادار بین گروه‌های شغلی همسران و سطح تحصیلات آن‌ها نیز از آزمون U من-ویتنی استفاده شد؛ افزون‌براین، در زمینه‌ی شناخت فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و میزان خوداتکایی آن‌ها، دریافت یا عدم دریافت درآمد، و استقلال زنان در مصرف کردن درآمدشان از آزمون برابری نسبت‌ها و برای هم‌گونی نیز، از آزمون خی‌دو ( $\chi^2$ ) استفاده شد (دواس ۱۳۷۶؛ فرشادفر ۱۳۷۹). در تحلیل داده‌ها، نرم‌افزارهای SPSS و Mintab به کار گرفته‌شد.

### تعریف‌های عملیاتی

منظور از استقلال مالی فرد، خوداتکایی و عدم نیاز او به دیگران برای تهیه‌ی مایحتاج زندگی است (بیرو<sup>۲</sup> ۱۳۷۰). یونیسف نیز خوداتکایی را «توانا ساختن شخص برای دستیابی به منابع و پیشرفت‌های مادی، در چهارچوب جامعه‌ی موجود می‌داند» (دفتر امور زنان ۱۳۷۶). در این مطالعه، خوداتکایی اقتصادی به صورت زیر تعریف شده‌است:

<sup>1</sup> de Vaus, David

<sup>2</sup> Birou, Alain



**خوداتکایی<sup>۱</sup>** - منظور از خوداتکایی آن است که شخص، دارای اشتغال اقتصادی و توانایی ایجاد کسب درآمد باشد و متناسب با این توانایی، در تصمیم‌گیری‌های اساسی اقتصادی خانواده مشارکت کند و یا دست‌کم در مصرف کردن درآمد، سرمایه‌گذاری، و پس‌انداز آن دارای اختیار باشد.

**نقش تولیدی زنان<sup>۲</sup>** - فعالیت‌های تولیدی شامل هر چیزی است که از نظر اقتصادی برای خانوار و اجتماع بازده دارد؛ مانند تولید محصولات کشاورزی، دامی، صنایع دستی، کار دست‌مزدی، و امثال آن (دفتر امور زنان ۱۳۷۶). در این پژوهش، هرگونه فعالیت زنان در زمینه‌های زراعت، دامداری، باغبانی، قالی‌بافی، آرایش‌گری، خیاطی، گل‌دوزی، منشی‌گری، کارمندی، و مانند آن که منجر به کسب درآمد شود، شغل، و به‌عنوان نقش تولیدی زنان محسوب می‌شود.

### یافته‌های پژوهش و بحث در نتایج

در این بخش از نوشتار و براساس یافته‌های میدانی پژوهش، تلاش می‌کنیم در کنار ارائه‌ی یک تحلیل کلی از نتایج به‌دست‌آمده در زمینه‌ی دلایل اشتغال زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی شهرستان‌های مورد مطالعه، میزان خوداتکایی آن‌ها در کسب درآمد حاصل از دست‌رنج‌شان را نیز ارزیابی کنیم و تحصیل درآمد و درجه‌ی استقلال در مصرف کردن این درآمد را بین زنان شاغل در گروه‌های مختلف شغلی مورد بحث قرار دهیم؛ هم‌چنین یافته‌های آماری را، با توجه به تأثیر متغیرهای مستقل به‌دست‌آمده از ویژگی‌های فردی زنان روستایی و همسران آن‌ها بر متغیر وابسته‌ی میزان خوداتکایی، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

### نیاز زنان روستایی؛ دلیل اصلی اشتغال آن‌ها

با توجه به داده‌های آماری جدول ۱، گمانه‌ی نخست در هر سه منطقه تأیید می‌شود؛ زیرا که نسبت‌های مشاهده‌شده، در سطح اطمینانی بالا ( $p < 0.01$ )، ثابت می‌کند که دلیل اصلی اشتغال ۹۴ درصد زنان روستایی مورد مطالعه، نیاز مبرم خانوار به فعالیت اقتصادی آن‌ها است. نتایج پژوهش طالبی‌فر (۱۳۸۰) نیز، هم‌سو با دست‌آوردهای این پژوهش، نشان می‌دهد که هرچه نیاز مالی خانواده بیش‌تر باشد، به همان میزان تمایل زنان به اشتغال بیش‌تر می‌شود. خانی (۱۳۷۵) نیز اعلام می‌کند که فقر خانواده‌ها، نیاز به مشارکت زنان را در

<sup>1</sup> Self-reliance

<sup>2</sup> Women Productive Role

نیروی کار تشدید می‌نماید و با کنار رفتن الزامات اقتصادی، از مشارکت آن‌ها در بازار کار کشاورزی کاسته می‌شود. از نظر شادی‌طلب (۱۳۷۵)، تصور دیروز که مردان روستایی را تنها نان‌آور خانه می‌دانست، به واقعیت امروز که مردان و زنان هر دو نان‌آور خانه اند، تبدیل شده‌است.

جدول ۱- نتایج آزمون برابری نسبت، دلایل اشتغال زنان روستایی

ارتباط عوامل	منطقه‌ی مورد مطالعه	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری
دلیل اشتغال:	فلاورجان و برخوار-میمه	۰/۹۴	** ۰/۰۰۰
نیاز مبرم مالی	فلاورجان	۰/۹۲	** ۰/۰۰۰
	برخوار-میمه	۰/۹۷	** ۰/۰۰۰

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$

### چه‌گونه‌ی دریافت درآمد حاصل از اشتغال زنان روستایی

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که گمانه‌ی دوم پژوهش در سطح دو شهرستان، و نیز در شهرستان برخوار-میمه، مورد تأیید قرار می‌گیرد. ۴۵ درصد از زنان مورد مطالعه، در مجموع دو شهرستان و ۵۲ درصد آنان در شهرستان برخوار-میمه، درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند؛ که البته با توجه به سطح معناداری و مقدار نسبت‌ها، این مدعا در شهرستان فلاورجان قابل‌اثبات نیست. مشاهدات هانتینگ‌تون (۱۹۷۵) در آفریقا، پان‌دی (۱۹۹۹) در هند، وایت (۱۹۸۳) در اندونزی، و افشار (۱۹۸۵) و امینی و رضانی (۱۳۷۹) در ایران نیز مؤید این است که بخش قابل‌توجهی از زنان روستایی، درآمد حاصل از کار خود را دریافت نمی‌کنند.

جدول ۲- نتایج آزمون برابری نسبت، عدم دریافت درآمد حاصل از دست‌رنج زنان روستایی

ارتباط عوامل	منطقه‌ی مورد مطالعه	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری
عدم دریافت درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	۰/۴۵	** ۰/۰۰۰
حاصل از اشتغال	فلاورجان	۰/۴۲	۰/۲۰۰
	برخوار-میمه	۰/۵۲	** ۰/۰۰۰

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$

### دریافت درآمد حاصل از اشتغال به وسیله‌ی زنان روستایی، به تفکیک گروه‌های شغلی

متناسب با دومین گمانه‌ی پژوهش، انواع مشاغل زنان روستایی براساس آزمون نسبت، مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که برای مشاغل قالی‌بافی و کشاورزی، به ترتیب، ۶۹ درصد و ۷۰ درصد از نمونه‌ها، درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را



شخصاً دریافت نمی‌کنند. با توجه به نسبت‌های مشاهده‌شده و سطح معناداری ( $p < 0.05$ )، تفاوت بین نمونه‌هایی که درآمد خود را دریافت می‌کنند با کسانی که آن را دریافت نمی‌کنند در میان زنان شاغل در گروه‌های قالی‌بافی و کشاورزی، بیان‌گر تأیید این گمانه برای دو شغل مذکور است؛ لیکن برای سایر مشاغل، به‌جز شغل نانوايي و تبدیل مواد غذایی، در فاصله‌ی اطمینان قابل‌قبول می‌توان گمانه‌ی دوم را برای آن‌ها پذیرفت.

جدول ۳- نتایج آزمون برابری نسبت، عدم دریافت درآمد به تفکیک گروه‌های شغلی

شغل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری
قالی‌بافی	۰/۶۹	* ۰/۰۱۱
کشاورزی	۰/۷۰	* ۰/۰۴۶
خیاطی	۰/۰۰	** ۰/۰۰۰
کارمندی	۰/۰۳	** ۰/۰۰۰
آرایش‌گری	۰/۰۰	** ۰/۰۰۰
منشی‌گری و تزئیناتی	۰/۱۳	** ۰/۰۰۹
گل‌دوزی و بافندگی	۰/۱۳	** ۰/۰۰۹
نانوایی و تبدیل مواد غذایی	۰/۳۳	۰/۰۵۷

$p < 0.05$  \*     $p < 0.01$  \*\*

### استقلال زنان روستایی در مصرف کردن درآمد خود

در مورد استقلال زنان روستایی در مصرف کردن درآمد خود، داده‌های جدول ۴ در کنار تأیید گمانه‌ی سوم، بیان‌گر این است که در مجموع، ۶۳ درصد از جامعه‌ی آماری، در سطح معناداری بالا، امکان مصرف کردن درآمد حاصل از دست‌رنج خویش را ندارند. این واقعیت در مورد ۶۴ درصد زنان در شهرستان فلاورجان و ۵۹ درصد از نمونه‌ها در شهرستان برخوار-میمه صادق است. این یافته با نتایج مطالعات امینی و رضانی (۱۳۷۹)، شادی‌طلب (۱۳۷۵)، و هاشمی (۱۳۷۳) در خصوص نقش زنان روستایی در مصرف کردن درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی‌شان، هم‌راستا است.

جدول ۴- نتایج آزمون برابری نسبت، عدم امکان مصرف کردن مستقل درآمد به وسیله‌ی زنان

روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه

ارتباط عوامل	منطقه‌ی مورد مطالعه	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری
عدم امکان مصرف کردن درآمد به صورت مستقل	فلاورجان و برخوار-میمه	۰/۶۳	** ۰/۰۰۰
	فلاورجان	۰/۶۴	** ۰/۰۰۰
	برخوار-میمه	۰/۵۹	* ۰/۰۳۰

$p < 0.05$  \*     $p < 0.01$  \*\*

### استقلال زنان روستایی در مصرف کردن درآمد، به تفکیک گروه‌های شغلی

بررسی گمانه‌ی سوم برای انواع مشاغل زنان روستایی این مطالعه، حکایت‌گر این است که ۶۴ درصد از زنان قالی‌باف و ۸۲ درصد از زنان دارای شغل کشاورزی، در سطح معناداری بالا، حق مصرف کردن درآمدهای حاصل از دست‌رنج خویش را ندارند (جدول ۵)؛ بنابراین، گمانه‌ی سوم برای این دو شغل پذیرفته می‌شود. همچنین ۴۴ درصد از زنان روستایی شاغل در حرفه‌ی خیاطی، اختیار و استقلال مصرف کردن درآمد حاصل از دست‌رنج خود را ندارند؛ اما چون در نسبت نمونه‌ها، از نظر آزاد و مستقل و یا با نظارت و اجازه بودن در مصرف کردن درآمد، تفاوتی معنادار مشاهده نشده‌است و در سطح معناداری ( $p < 0.05$ ) نسبت زنان با شغل خیاطی که در مصرف کردن درآمد خود به صورت آزاد و یا با نظارت عمل کرده‌اند، برابر ۵۰ درصد است، گمانه‌ی سوم برای این شغل تأیید نمی‌شود. در مورد مشاغل کارمندی و آرایش‌گری نیز بر اساس نسبت‌های مشاهده‌شده و تفاوت نسبت نمونه‌ها در مورد چه‌گونگی استقلال در مصرف کردن درآمد، گمانه‌ی سوم رد می‌شود. در مورد سایر مشاغل هم، با توجه به تعداد کم نمونه‌ها نمی‌توان نظری علمی داد.

با توجه به این‌که که بیش‌ترین فراوانی مشاغل زنان روستایی مورد مطالعه، مربوط به قالی‌بافی (۴۳/۲ درصد)، کشاورزی (۱۹/۷ درصد)، و خیاطی (۱۱/۵ درصد) بوده‌است، در مجموع می‌توان این‌گونه عنوان کرد که برای بخش بزرگی از زنان روستایی دارای مشاغل قالی‌بافی و کشاورزی و نیز برای بخش قابل‌توجهی از زنان روستایی دارای شغل خیاطی، امکان مصرف کردن درآمدها به‌طور مستقل و آزاد ممکن نیست.

جدول ۵- نتایج آزمون برابری نسبت، عدم امکان هزینه کردن درآمد به صورت مستقل به تفکیک گروه‌های شغلی

شغل	مقدار نسبت‌ها	سطح معناداری
قالی‌بافی	۰/۶۴	** ۰/۰۰۴
کشاورزی	۰/۸۲	** ۰/۰۰۰
خیاطی	۰/۴۴	۰/۵۴۲
کارمندی	۰/۲۳	** ۰/۰۰۲
آرایش‌گری	۰/۱۵	** ۰/۰۰۱
منشی‌گری و تزئیناتی	۰/۲۹	۰/۴۵۳
گل‌دوزی و بافندگی	۰/۱۳	۰/۰۷۰
نانوایی و تبدیل مواد غذایی	۰/۶۷	۰/۳۸۸

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$





تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به گمانه‌ی چهارم این پژوهش نشان می‌دهد که در نتایج آزمون خی‌دو برای هم‌گونی، با توجه به مقدار خی‌دو و سطح معناداری (مقدار محاسبه‌شده، بزرگ‌تر از مقدار جدول ۱/۶۵ است)، تفاوتی معنادار بین مشاغل مختلف زنان روستایی از نظر دریافت یا عدم دریافت درآمد، مشاهده می‌شود (جدول ۶)؛ به عبارت دیگر، میزان دریافت و یا عدم دریافت درآمد در مشاغل مختلف زنان هم‌گون نبوده‌است و به این ترتیب، این گمانه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۶- آزمون خی‌دو برای هم‌گونی دریافت یا عدم دریافت درآمد به تفکیک گروه‌های شغلی

شغل	نیمی و بیش‌تر از درآمدشان دریافت می‌کنند		کمی یا هیچ از درآمدشان دریافت می‌کنند		جمع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
قالی‌بافی	۵۰	۳۰٫۹٪	۱۱۲	۶۹٫۱٪	۱۶۲
کشاورزی	۲۲	۲۹٫۷٪	۵۲	۷۰٫۳٪	۷۴
خیاطی	۴۳	۱۰۰٫۰٪	۰	۰٫۰٪	۴۳
کارمندی	۳۴	۹۷٫۱٪	۱	۲٫۹٪	۳۵
آرایش‌گری	۲۶	۱۰۰٫۰٪	۰	۰٫۰٪	۲۶
منشی‌گری و تزریقاتی	۷	۸۷٫۵٪	۱	۱۲٫۵٪	۸
گل‌دوزی و بافندگی	۷	۸۷٫۵٪	۱	۱۲٫۵٪	۸
نانوایی و تبدیل مواد غذایی	۸	۶۶٫۷٪	۴	۳۳٫۳٪	۱۲
سایر	۶	۸۵٫۷٪	۱	۱۴٫۳٪	۷
جمع	۲۰۳	۵۴٫۱٪	۱۷۲	۴۵٫۹٪	۳۷۵

$\chi^2 = 148$   $df = 8$   $sig. = 0.000$

جدول ۷- آزمون خی‌دو برای هم‌گونی استقلال و عدم استقلال در مصرف کردن درآمد به تفکیک گروه‌های شغلی

شغل	آزاد و مستقل		با نظارت و یا اجاره		جمع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
قالی‌بافی	۳۹	۳۵٫۸٪	۷۰	۶۴٫۲٪	۱۰۹
کشاورزی	۱۱	۱۸٫۳٪	۴۹	۸۱٫۷٪	۶۰
خیاطی	۲۴	۵۵٫۸٪	۱۹	۴۴٫۲٪	۴۳
کارمندی	۲۷	۷۷٫۱٪	۸	۲۲٫۹٪	۳۵
آرایش‌گری	۲۲	۸۴٫۶٪	۴	۱۵٫۴٪	۲۶
منشی‌گری و تزریقاتی	۵	۷۱٫۴٪	۲	۲۸٫۶٪	۷
گل‌دوزی و بافندگی	۷	۸۷٫۵٪	۱	۱۲٫۵٪	۸
نانوایی و تبدیل مواد غذایی	۴	۳۳٫۳٪	۸	۶۶٫۷٪	۱۲
جمع	۱۳۹	۴۶٫۳٪	۱۶۱	۵۳٫۷٪	۳۰۰

$\chi^2 = 62.1$   $df = 7$   $sig. = 0.000$

یافته‌ی دیگر پژوهش در مورد گمانه‌ی پنجم، یعنی عدم مشابهت وضعیت زنان روستایی، با مشاغل مختلف، در دریافت یا عدم دریافت درآمد خود، با توجه به داده‌های

**جدول ۷**، بیان‌گر این است که مقدار خیدوی هم‌گونی، که بزرگ‌تر از مقدار جدول (۱/۲۴) است، در سطح معناداری بسیار بالا اثبات می‌کند که میزان خوداتکایی زنان روستایی در گروه‌های شغلی مختلف، یکسان نیست. یادآوری می‌شود نمونه‌هایی که هیچ مقدار از درآمد حاصل از دسترنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند (۷۵ نمونه)، در مقوله‌ی استقلال در مصرف کردن درآمد گنجانده نمی‌شوند.

### ویژگی‌های فردی-خانوادگی زنان روستایی و اثر آن در خوداتکایی اقتصادی آن‌ها

#### ۱- سن و طول زمان تأهل

داده‌های **جدول ۸** نشان می‌دهد که بین متغیر سن با دو متغیر سهم دریافتی درآمد، و میزان استقلال در مصرف کردن آن، در سطح اطمینان بسیار بالا و به‌طور جداگانه، پیوندی معنادار وجود دارد؛ بنابراین ارتباط بین دو متغیر مورد نظر در گمانه‌ی ششم به تأیید می‌رسد.

**جدول ۸- نتایج آزمون معناداری گاما و تاو حاصل از جداول تقاطعی بین متغیر سن و متغیرهای وابسته**

متغیر وابسته	مناطق	سطح معناداری آزمون گاما و تاو	ضریب هم‌بستگی $\gamma$	Kendall $\tau$
استقلال در مصرف کردن درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	**۰/۰۰۰	-۰/۵۳۹	-۰/۴۰۹
	فلاورجان	**۰/۰۰۰	-۰/۶۳۴	-۰/۴۸۰
	برخوار-میمه	*۰/۰۳۸	-۰/۳۰۰	-۰/۲۳۲
سهم دریافتی از درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	**۰/۰۰۰	-۰/۴۰۵	-۰/۳۰۹
	فلاورجان	**۰/۰۰۰	-۰/۵۶۴	-۰/۴۳۸
	برخوار-میمه	۰/۹۷۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در مورد دو متغیر ذکرشده در گمانه‌ی ششم، بیان‌گر این است که در کل جامعه‌ی آماری و در شهرستان فلاورجان، بین متغیر سن با متغیرهای سهم دریافتی درآمد، و میزان استقلال در مصرف کردن آن، در سطح اطمینان بسیار بالا، پیوندی معنادار وجود دارد. با توجه به مقدار ضرایب، شدت رابطه‌ی متغیرهای سن و سهم دریافتی، متوسط، و شدت متغیرهای سن و استقلال در مصرف کردن درآمد، قوی است. منفی بودن علامت آن نیز بیان‌گر ارتباط معکوس بین متغیرها است. در شهرستان برخوار-میمه، ارتباطی معنادار بین متغیرهای سن و سهم دریافتی وجود ندارد و



مقدار ضرایب هم‌بستگی نیز تأییدکننده‌ی این عدم ارتباط است؛ لیکن در شهرستان برخوار-میمه، در سطح اطمینان بالا، ارتباطی معنادار بین دو متغیر سن و استقلال در مصرف کردن درآمد وجود دارد؛ بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که بخش نخست گمانه‌ی یک، در شهرستان برخوار-میمه ردّ و قسمت دوم آن تأیید شده‌است.

در مورد ارتباط متغیر طول زمان تأهل زنان با دو متغیر سهم دریافتی و میزان استقلال آن‌ها در مصرف کردن درآمدها، داده‌های جدول ۹ ضمن تأیید این بخش از گمانه‌ی ششم، نشان می‌دهد که در کل جامعه‌ی آماری، و در شهرستان فلاورجان، این رابطه در سطح اطمینان بسیار بالایی وجود دارد، لیکن شدت هم‌بستگی آن بیانگر رابطه‌ی متوسط با متغیر سهم دریافتی از درآمد، و رابطه‌ی قوی با متغیر استقلال در مصرف کردن درآمد است؛ هم‌چنین ضرایب منفی آن، نشان‌دهنده‌ی ارتباط معکوس بین متغیرها است. رابطه‌ی معکوسی که بین متغیر طول دوره‌ی تأهل و متغیرهای وابسته وجود دارد نیز متأثر از دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی سال‌های اخیر است که در این شهرستان پدیدآمده‌است؛ دگرگونی‌هایی مانند نوع شغل زنان و همسران آنان، اشتغال در خارج از خانه، دسترسی به عامل سرمایه، آگاهی و اشراف به حقوق خود، سهم دریافتی از درآمد، سطح تحصیلات، نزدیکی به مراکز شهری و نظایر آن که هرکدام در جای خود نیازمند پژوهش‌های علمی است.

جدول ۹- نتایج آزمون معناداری گاما و تاو حاصل از جدول‌های تقاطعی بین متغیر طول تأهل و متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	مناطق	سطح معناداری آزمون گاما و تاو	ضریب هم‌بستگی $\gamma$	Kendall $\tau$
استقلال در مصرف کردن درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰۰۰	-۰/۴۶۰	-۰/۳۶۹
	فلاورجان	** / ۰۰۰	-۰/۵۰۶	-۰/۴۱۳
سهم دریافتی از درآمد	برخوار-میمه	* / ۰۲۰	-۰/۳۱۸	-۰/۲۵۴
	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰۰۰	-۰/۲۰۷	-۰/۲۱۹
	فلاورجان	** / ۰۰۰	-۰/۳۹۹	-۰/۳۲۶
برخوار-میمه		۰/۶۶۷	۰/۰۵۵	۰/۰۴۴

\*  $p < ۰.۰۵$  \*\*  $p < ۰.۰۱$

در شهرستان برخوار-میمه ارتباط معناداری بین طول دوره‌ی زناشویی و سهم دریافتی زنان از درآمدهای حاصل از دست‌رنج خود وجود ندارد، لیکن بین متغیر طول دوره‌ی زناشویی و میزان استقلال بانوان روستایی در مصرف کردن درآمد، در سطحی قابل‌قبول، رابطه‌ی معنادار با روند معکوس و شدت نسبتاً متوسط وجود دارد.

این یافته‌ها، با نتایج پژوهش /امینی و رضائی (۱۳۷۹) که در آن با افزایش سن و طول دوره‌ی زناشویی، بر میزان خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی افزوده می‌شد، در تعارض است و دلیل عمده‌ی این عدم هم‌سویی آن است که پژوهش آنان در روستاهایی از استان اصفهان انجام شده‌است که هنوز بافت سنتی خود را به دلایل مختلف، مانند دوری از مراکز شهری حفظ کرده‌اند. در چنین جوامعی هم‌سویی رفعت منزلت اجتماعی زنان با افزایش سن و طول مدت زناشویی آن‌ها، می‌تواند منطقی تصور شود؛ اما در دو منطقه‌ی پژوهش این مطالعه، نزدیکی و هم‌جواری با مراکز شهری، و به‌ویژه شهر اصفهان، که موجب برخورداری بیشتر و ارتقای سطح آگاهی و توقع زنان می‌شود، باعث نبود هم‌بستگی بین طول دوره‌ی زناشویی و سهم دریافتی و نیز عدم هم‌سویی بین طول دوره‌ی زناشویی و میزان استقلال زنان در مصرف کردن درآمدشان می‌شود.

## ۲- سطح تحصیلات زنان روستایی و همسران آن‌ها

داده‌های جدول ۱۰ بیان‌گر این است که در دو شهرستان، و در شهرستان فلاورجان، بین سطح تحصیلات زنان روستایی و متغیرهای استقلال در مصرف کردن درآمد، و میزان سهم دریافتی از درآمد، در سطح کاملاً معناداری ارتباط وجود دارد. شدت این هم‌بستگی حکایت از وجود رابطه‌ی قوی بین این دو متغیر، و ضریب مثبت آن نیز نشان از ارتباط مستقیم بین این متغیرها دارد؛ از این‌رو نتایج بررسی، اثبات فرضیه‌ی این بخش از گمانه‌ی ششم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- نتایج آزمون معناداری گاما و تاو حاصل از جداول تقاطعی بین متغیر سطح تحصیلات زنان روستایی و متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	مناطق	سطح معناداری آزمون گاما و تاو	ضریب هم‌بستگی $\gamma$	Kendall $\tau$
استقلال در مصرف کردن درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰٫۰۰۰	۰٫۵۴۵	۰٫۴۵۴
	فلاورجان	** / ۰٫۰۰۰	۰٫۶۱۹	۰٫۵۲۳
سهم دریافتی از درآمد	برخوار-میمه	** / ۰٫۰۰۱	۰٫۴۵۱	۰٫۳۴۸
	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰٫۰۰۰	۰٫۵۴۴	۰٫۴۴۵
	فلاورجان	** / ۰٫۰۰۰	۰٫۶۴۸	۰٫۵۳۹
	برخوار-میمه	۰٫۰۸۳	۰٫۲۲۶	۰٫۱۷۱

\*  $p < ۰٫۰۵$  \*\*  $p < ۰٫۰۱$

یافته‌های جدول ۱۰، هم‌چنین نشان‌دهنده‌ی این است که در شهرستان برخوار-میمه، در فاصله اطمینان بالا و با رابطه‌ی متوسط، بین متغیر سطح تحصیلات زنان روستایی و



استقلال در مصرف کردن درآمد، ارتباطی معنادار وجود دارد، ولی بین دو متغیر سطح تحصیلات و میزان سهم دریافتی از درآمد در این شهرستان، ارتباطی معنادار دیده نمی‌شود. متغیر دیگر مطرح شده در گمانه‌ی ششم این پژوهش، به سنجش تأثیر سطح تحصیلات همسران زنان روستایی در دو متغیر سهم دریافتی از درآمد و میزان استقلال در مصرف کردن درآمدها اختصاص یافته است، که با توجه به داده‌های جدول ۱۱، این گمانه تأیید می‌شود. شدت همبستگی قوی بین این دو متغیر، و ضریب مثبت آن نیز نشان از ارتباط مستقیم بین متغیرها دارد. در شهرستان فلاورجان، در سطح اطمینان بسیار بالا، بین متغیر تحصیلات همسران زنان روستایی و دو متغیر میزان استقلال در مصرف کردن درآمد، و سهم دریافتی از درآمد، ارتباط وجود دارد؛ لیکن در شهرستان برخوار-میمه بین این دو متغیر، ارتباطی معنادار مشاهده نشده است و این درحالی است که سطح تحصیلات همسران زنان روستایی این شهرستان، بر استقلال آن‌ها در مصرف کردن درآمدها، در سطح کاملاً معناداری مؤثر بوده است و بین دو متغیر، رابطه‌ی قوی و مثبت مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب، بخشی از این گمانه، که مربوط به شهرستان برخوار-میمه است، اثبات می‌شود.

جدول ۱۱- نتایج آزمون معناداری گاما و تاو حاصل از جداول تقاطعی بین متغیر سطح تحصیلات همسران زنان روستایی و متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	مناطق	سطح معناداری آزمون گاما و تاو	ضریب همبستگی $\gamma$	Kendall $\tau$
استقلال در مصرف کردن درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰/۰۰۰	۰/۵۰۱	۰/۴۲۰
	فلاورجان	** / ۰/۰۰۰	۰/۵۷۸	۰/۴۸۹
سهم دریافتی از درآمد	برخوار-میمه	** / ۰/۰۰۱	۰/۴۲۳	۰/۳۳۸
	فلاورجان و برخوار-میمه	** / ۰/۰۰۰	۰/۵۲۱	۰/۴۳۰
	فلاورجان	** / ۰/۰۰۰	۰/۶۵۶	۰/۵۴۷
	برخوار-میمه	۰/۱۵۷	۰/۱۸۴	۰/۱۴۳

\*  $p < ۰/۰۵$  \*\*  $p < ۰/۰۱$

نتایج به دست آمده از این بخش پژوهش، با یافته‌های امینی و رضانی (۱۳۷۹) کاملاً انطباق دارد و با توجه به پژوهش بیری و همکاران (۱۹۹۱)، برگرفته از لهسایی‌زاده (۱۳۸۰) نیز می‌توان به نقش تحصیلات زنان روستایی و تأثیر مثبت آن بر نگرش مردان تأکید کرد. حمزه‌لو (۱۳۸۱) نیز آگاه نبودن زنان از حقوق اساسی و توانایی‌هایشان راه، به‌عنوان مانعی اساسی در عدم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی بیان می‌کند و یافته‌های پژوهشی ارجو (۱۳۸۴) نیز هرچند در مورد اثر تحصیلات همسران و پدران بر میزان آگاهی زنان، با نتایج این پژوهش در تعارض است، اما به لحاظ اثری که تحصیلات

زنان روستایی و مادران‌شان بر آگاهی آنان می‌گذارد، با این پژوهش هم‌راستا است؛ بنابراین، در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تحصیلات زنان روستایی، از جمله مهم‌ترین کلیدهای دستیابی به آگاهی، بهبود نگرش همسران، احقاق حقوق، دستیابی به قدرت در ابعاد مختلف، و بهترین وسیله برای از بین بردن چرخه‌ی محرومیت آنان است.

از دیگر نتایج قابل‌تأمل این پژوهش (مندرج در جدول ۱۲)، که در راستای اثبات هفتمین گمانه‌ی پژوهش نیز به کار می‌رود، تفاوت معنادار و در سطح اطمینان بسیار بالایی است که در مورد میزان استقلال در مصرف کردن درآمد، بین دو گروه زنان روستایی با همسران بی‌سواد یا کم‌سواد و زنان روستایی با همسران باسواد یا با سواد بالا وجود دارد.

جدول ۱۲- نتایج آزمون U من-ویتنی برای مقایسه‌ی دو جامعه‌ی آماری در اندازه‌گیری یک صفت رتبه‌یی

متغیر وابسته	متغیر مستقل (دو شقی)	M-W	معناداری
استقلال در مصرف کردن	همسران بی‌سواد یا کم‌سواد	۴۲۶۳/۵	**۰/۰۰۱
درآمد	همسران باسواد یا با سواد بالا	۴۶۴۴	**۰/۰۰۰

$p < ۰,۰۱$  \*\*  $p < ۰,۰۵$  \*

### ۳- شغل همسران زنان روستایی

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به گمانه‌ی هشتم در مورد تعیین اثر شغل زنان روستایی متغیر اسمی چندطبقه‌یی بر سهم دریافتی آن‌ها از درآمدشان، و میزان استقلال در مصرف کردن آن، بر اساس نتایج آزمون کراسکال-والیس (جدول ۱۳)، نشان می‌دهد که در مجموع، ارتباطی معنادار و در سطح اطمینان بسیار بالا بین دو متغیر وجود دارد. در مقام مقایسه‌ی دو شهرستان، این موضوع در شهرستان فلاورجان به اثبات رسیده‌است، ولی در شهرستان برخوار-میمه، بین متغیرها ارتباطی معنادار مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین، گمانه‌ی هشتم در سطح دو شهرستان و برای شهرستان فلاورجان تأیید، و در شهرستان برخوار-میمه رد می‌شود.

به منظور بررسی اثر تفاوت‌های شغلی همسران زنان روستایی (به صورت متغیر مستقل دو شقی) بر میزان خوداتکایی آن‌ها، که به صورت یک صفت با مقیاس رتبه‌یی اندازه‌گیری شده‌است، نتایج آزمون U من-ویتنی (مندرج در جدول ۱۴) نشان می‌دهد که تفاوتی معنادار بین مشاغل همسران زنان روستایی و میزان خوداتکایی اقتصادی این زنان وجود دارد و به این ترتیب گمانه‌ی نهم پژوهش نیز مورد تأیید واقع می‌شود.



جدول ۱۳- نتایج آزمون‌های آماری بین متغیر شغل همسران و میزان خوداتکایی اقتصادی آنان

متغیر رتبه‌یی	مناطق	$\chi^2$ -K-W	درجه‌ی آزادی	معناداری
استقلال در مصرف کردن درآمد	فلاورجان و برخوار-میمه	۴۵/۰۲۳	۵	**/۰/۰۰۰
	فلاورجان	۲۹/۵۰۴	۴	**/۰/۰۰۰
سهم دریافتی	برخوار-میمه	۲/۰۹۵	۴	۰/۷۱۸
	فلاورجان و برخوار-میمه	۵۹/۳۵۰	۶	**/۰/۰۰۰
	فلاورجان	۴۳/۶۸۴	۵	**/۰/۰۰۰
	برخوار-میمه	۱۳/۸۶۵	۵	۰/۰۸۷

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$ 

جدول ۱۴- نتایج آزمون U من-ویتنی برای مقایسه‌ی دو جامعه‌ی آماری

در اندازه‌گیری یک صفت رتبه‌یی

متغیر وابسته	متغیر مستقل (دو شقی)	M-W	معناداری
استقلال در مصرف کردن درآمد	کشاورز-کارگر	۲۳۰۳/۵	*/۰/۰۱۲
	کشاورز-آزاد	۱۲۲۸	**/۰/۰۰۰
سهم دریافتی	کارگر-آزاد	۲۰۷۴	*/۰/۰۱۱
	کشاورز-کارگر	۳۸۴۸	**/۰/۰۰۳
	کشاورز-آزاد	۱۹۲۴	**/۰/۰۰۰
	کشاورز-کارمند	۸۸۸	**/۰/۰۰۰
	کارگر-آزاد	۳۰۵۸	*/۰/۰۱۰
	کارگر-کارمند	۱۵۶۶	**/۰/۰۰۰
	آزاد-کارمند	۱۳۶۴	۰/۲۳۰

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$ 

نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان استقلال در مصرف درآمد زنانی که همسرشان شغل کشاورزی دارد، در قیاس با زنانی که همسری با شغل آزاد دارند متفاوت است. این تفاوت، همچنین، میان زنانی با همسر دارای شغل آزاد و زنانی که همسر کارگر دارند، و نیز میان زنانی که همسر کشاورز دارند با زنانی که همسرشان کارگر است معنادار دیده‌می‌شود. در مقایسه‌ی مشاغل همسران زنان روستایی نیز تفاوتی معنادار از نظر سهم دریافتی درآمد، میان زنانی که همسرشان شغل آزاد دارد با زنان دارای همسر کارمند دیده‌می‌شود؛ لیکن در مقایسه‌ی سایر مشاغل با یکدیگر، مثلاً بین زنانی با همسر کشاورز و زنانی با همسر دارای شغل آزاد، و نیز میان زنان دارای همسر کشاورز و زنان دارای همسر کارمند، این تفاوت در سطح اطمینانی بسیار بالا معنادار است. برای دیگر گروه‌های شغلی نیز، این تفاوت در سطح اطمینان بالا معنادار است.

از مجموع اطلاعات به‌دست‌آمده از یافته‌های آماری این بخش از نوشتار، در کنار تأیید گمانه‌ی نهم پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌ترین سهم از دریافت درآمد و

بیشترین میزان استقلال در مصرف آن را، به ترتیب، زنانی داشته‌اند که شغل همسران آن‌ها کارمندی، آزاد، بی‌کار، کارگری، بازنشسته، و در آخر کشاورزی بوده‌است.

امینی و رضانی (۱۳۷۹) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفته‌اند که تأثیر شغل همسران زنان روستایی بر سهم دریافتی و میزان استقلال آن‌ها در مصرف ثمره‌ی فعالیت خود، بسیار معنادار است؛ اما یافته‌های او در مورد شغل همسرانی که فعالیت کارمندی داشته‌اند با دست‌آوردهای این پژوهش متفاوت است. در مطالعه‌ی وی، هیچ‌کدام از زنان فعال در منطقه‌ی مورد مطالعه‌اش دارای همسرانی با شغل کارمندی نبوده‌اند و مشاغل آنان در سه زمینه‌ی کشاورزی، کارگری، و آزاد جای گرفته‌است. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش *له‌سای زاده* (۱۳۸۰) نیز بیان‌گر آن است که بین متغیر طبقه‌ی اجتماعی و منزلت شغلی مردان، با متغیر نگرش آنان نسبت به نقش زنان در جامعه، در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

### پیشنهادها

با توجه به اثر مثبت تحصیلات زنان روستایی و همسران آن‌ها بر متغیرهای وابسته‌ی این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌ها، آموزش به‌عنوان کلید رمز توسعه به حساب آید و در زمینه‌ی شناسایی و تعیین مناسب‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های آموزشی—اعم از رسمی، غیررسمی، و ضمنی مستمر—کاوش و پژوهش لازم به عمل آید. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود مطالعات و پژوهش‌های علمی و جامعی نیز برای پاسخ‌گویی به موارد زیر انجام شود:

- شناخت و ارزیابی دقیق نوع و میزان مشارکت‌های اقتصادی زنان روستایی در همه‌ی نقاط ایران، با سنت‌ها و فرهنگ‌های مختلف.
- شناخت و ارزیابی موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی موجود در راه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی و خوداتکایی آن‌ها.
- سنجش میزان آگاهی زنان روستایی، به‌ویژه در زمینه‌ی آگاهی از حقوق مدنی خویش و اثر این آگاهی بر مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی.





## منابع

- ارجلو، صغرا. ۱۳۸۴. «ارزیابی آگاهی زنان روستایی شهرستان اصفهان از حقوق خویش، عوامل مؤثر در آن، و تأثیر این آگاهی در مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
- امینی، امیرمظفر. ۱۳۷۵. «زنان آموزش‌گر، پیام‌آور بهبودی و تحول برای جامعه‌ی روستایی.» صص. ۸۳-۹۴ در *مجموعه مقالات سمینار سراسری کارگران نمونه زن*. اصفهان: اداره‌ی کار و امور اجتماعی استان اصفهان.
- امینی، امیرمظفر، و مسعود رضائی. ۱۳۷۹. «اشتغال زنان روستایی، درآمد و اثر آن در خوداتکایی آن‌ها.» ارائه‌شده در هم‌ایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، ۲۹ و ۳۰ آبان، دانشگاه الزهرا.
- امینی، امیرمظفر، و رضا صفری شالی. ۱۳۸۱. «ارزیابی تأثیر آموزش در موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغ‌داران.» *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی* ۶(۲): ۱۷-۲۸.
- باقری، شهلا. ۱۳۸۲. *اشتغال زنان در ایران: درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته*. تهران: شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.
- بیرو، آلن. ۱۳۷۰. *فرهنگ علوم اجتماعی*. برگردان باقر ساروخانی. چاپ ۴. تهران: انتشارات کیهان.
- حمزه‌لو، بهروز. ۱۳۸۱. «بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، شهرستان خمین.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
- خانی، فضیله. ۱۳۷۵. «جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه‌ی روستایی: مطالعه‌ی موردی استان گیلان.» پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف). ۱۳۷۶. *نقش زنان در توسعه*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- دواس، دی. ای. ۱۳۷۶. *بیمایش در تحقیقات اجتماعی*. برگردان هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- راودراد، اعظم. ۱۳۷۹. «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال.» *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱۵: ۳-۲۸.
- رسول‌پور عربی، حسین. ۱۳۷۶. «بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان.
- ساعی، علی. ۱۳۷۷. *آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم‌افزار SPSS در پژوهش‌های اجتماعی*. تهران: نشر جهاد.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۷۶. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵: شناسنامه‌ی دهستان‌های کشور، استان اصفهان*. تهران: مرکز آمار ایران.
- سن، آمارتیا. ۱۳۸۱. *توسعه به مثابه آزادی*. برگردان احمد موثقی. تهران: انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- شادی‌طلب، زاله. ۱۳۷۵. «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان.» *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۸: ۸۱-۹۰.

- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۸. «مشارکت زنان روستایی در تأمین و تجهیز منابع». *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱۴: ۵۹-۸۲.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۱. *توسعه و چالش‌های زنان ایران*. تهران: نشر قطره.
- صدیق، پرناز، و فرح‌آرا نوروزی. ۱۳۷۷. «زنان: کلید امنیت غذایی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۵(۱۹): ۱۴۳-۱۵۶.
- طالبی‌فر، علی‌محمد. ۱۳۸۰. «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان، شهرستان قائنات». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- عمیدی، علی. ۱۳۸۲. *روش‌های نمونه‌گیری*. جلد ۲. چاپ ۵. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فرشادفر، عزت‌الله. ۱۳۷۹. *اصول و روش‌های آماری*. کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.
- قلی‌زاده، آذر. ۱۳۷۸. «بررسی علل نادیده‌گرفتن نقش زنان روستایی در فرآیند توسعه‌ی کشورهای درحال‌توسعه». *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۷(۲۷): ۱۸۸-۲۰۴.
- گیدنز، آتونوی. ۱۳۷۵. *جامعه‌شناسی*. برگردان منوچهر صیوری. تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. ۱۳۸۰. «عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه: مطالعه‌ی موردی شهر شیراز». *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز* ۱۶(۲): ۹۹-۱۳۰.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیر جهانگیری، و بیژن خواجه‌نوری. ۱۳۸۴. «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی: مطالعه‌ی موردی استان فارس». *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران* ۶(۳): ۱۲۴-۱۴۵.
- مشهور، حسین. ۱۳۵۵. «بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستاهای اطراف تهران». *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۶: ۳۴-۸۹.
- میرعابدینی، هومن، و مهدیه طه. ۱۳۷۶. «مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی». ص. ۲۵۹ در *مجموعه مقالات گرد هم آیی زنان، مشارکت، و کشاورزی ۱۴۰۰: فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، نشریه‌ی شماره‌ی ۳*. تهران: مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، وزارت کشاورزی.
- نواب اکبر، فیروزه. ۱۳۷۶. «نقش زنان روستایی در توسعه‌ی کشاورزی در دهه‌ی گذشته». صص. ۱۷۵-۱۹۴ در *مجموعه مقالات گرد هم آیی زنان، مشارکت، و کشاورزی ۱۴۰۰: فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، نشریه‌ی شماره‌ی ۳*. تهران: مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، وزارت کشاورزی.
- هاشمی، مریم. ۱۳۷۳. «نقش اقتصادی اجتماعی زنان در تولید قالی: تعاونی فرش دستباف بادبزین». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.
- Afshar, Haleh, ed. 1985. *Women, Work, and Ideology in the Third World*. London, UK: Tavistock Publications.
- Boserup, Ester. 1986. *Women's Role Economic Development*. London, UK: G. Allen and Unwin.
- Cochran, William G. 1977. *Sampling Techniques*. 3<sup>rd</sup> Edition. New York, NY, USA: Wiley.
- Lindenbaum, Shirley. 1974. *The Social and Economic Status of Women in Bangladesh*. Dacca, Bangladesh: Ford Foundation.



- Jayaraman, Raja. 1975. *Caste Continuities in Ceylon: A Study of the Social Structure of Three Tea Plantations*. Bombay, India: Popular Prakashan.
- Pandey, R. N. 1999. "Quantifying the Value of Unpaid Activities of Women: A Case Study." Paper presented at the International Seminar on Time Use Studies, 7–10 December, Ahmadabad, India (Source Courtesy of UNESCAP). Retrieved 1 October 2004 ([http://data.undp.org/in/hdrc/thematicResource/gndr/Pandey\\_Quant\\_Unpaid\\_Act.pdf](http://data.undp.org/in/hdrc/thematicResource/gndr/Pandey_Quant_Unpaid_Act.pdf)).
- United Nations Development Programme. 2001. *Human Development Report 2001: Making New Technologies Work for Human Development*. New York, NY, USA: Oxford University Press. Retrieve 1 October 2004 (<http://hdr.undp.org/reports/global/2001/en/>).
- White, B. N. F. 1983. "Women and the Modernisation of Rice Agriculture: Some General Issues and a Javanese Case Study." Pp. 119–148 in *Women in rice farming: Proceedings of a Conference on Women in Rice Farming Systems, The International Rice Research Institute (IRRI), 26–30 September 1983, Los Baños, Philippines*. Aldershot, UK: Grower Publishing Company.
- World Bank. 1998. *World Development Report 1998/1999: Knowledge for Development*. Washington, DC, USA: World Bank. Retrieve 1 October 2004 (<http://go.worldbank.org/CW2OKZ6NY0>).
- . 2002. *World Development Indicators 2002*. Washington, DC, USA: World Bank Publications.

### نویسندگان

#### دکتر امیرمظفر امینی،

استادیار گروه توسعه‌ی روستایی، دانشکده‌ی مهندسی کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان  
[aamini@cc.iut.ac.ir](mailto:aamini@cc.iut.ac.ir)

دارای بیش از ۱۰ مقاله‌ی علمی-پژوهشی و بیش از ۲۰ مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی؛  
 مجری پنج طرح ملی و منطقه‌ای.

#### مهندس محمدعلی احمدی شاپورآبادی،

کارشناس ارشد توسعه‌ی روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، کارشناس گروه مطالعات اقتصادی  
 استانداری قم  
[ahshapoorabady@yahoo.com](mailto:ahshapoorabady@yahoo.com)

نگارنده‌ی کتاب *قم در رهگذار توسعه* و نویسنده‌ی مقالاتی در زمینه‌ی توسعه و برنامه‌ریزی، به‌ویژه در ارتباط با آمایش سرزمین، مراکز هم‌اندیشی توسعه، توسعه‌ی روستایی، توربسم روستایی، و سرمایه‌ی اجتماعی.



## تعیین اثربخشی کارگاه آموزشی کلیشه‌های جنسیتی بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی زنان و مردان شهر اصفهان

دکتر فاطمه بهرامی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

### چکیده

کلیشه‌های جنسیتی نگرش‌هایی اند، که با مقاومت در برابر هرگونه تغییر، تکرار و بازتولید می‌شوند. این کلیشه‌های فراگیر و رایج، که شامل ذهنیت‌هایی ایستا، ثابت، و معمولاً فاقد اساس علمی اند، در ادراک ما از خود و دیگران نقشی مهم ایفا می‌کنند. هدف این پژوهش، تعیین اثربخشی کارگاه آموزشی مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی، بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی زنان و مردان است. نمونه‌ها شامل ۴۵ زن و ۳۰ مرد در گروه آزمایش، و ۴۵ زن و ۳۰ مرد در گروه کنترل است، که همگی از طریق نمونه‌گیری خوشه‌یی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ی مورد استفاده نیز «مقیاس باورهای مربوط به زنان» و شامل ۱۵ زیرمقیاس است که پایایی آن از طریق آلفای کرون‌باخ بر روی یک نمونه‌ی ۱۵۰ نفری، ۰/۹۲ و روایی آن از طریق هم‌بستگی با نگرش‌های بدکنشی، ۰/۸۳ تعیین شد. نتایج نشان داد که کارگاه آموزشی، بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی در بعد جسمانی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی (گرایش جنسی، شوخ‌طبعی جنسی، رفتار اغواگرانه)، روانی (تسلط داشتن، منفعل بودن، آسیب‌پذیر بودن، بیش هیجانی، آگاهی ظاهری)، و شناختی (رفتار غیرمنطقی، روش منطقی، قدرت تصمیم‌گیری) مؤثر بوده‌است. متغیر مستقل در زیرمقیاس تسلط داشتن و منفعل بودن، نمرات مردان را بیش از زنان، و در مورد رفتار اغواگرانه و هوش منطقی، نمرات زنان را بیش‌تر از مردان کاهش داده‌است.

### واژگان کلیدی

جنس؛ جنسیت؛ کلیشه‌های جنسیتی؛ کارگاه آموزشی؛

این پژوهش با هزینه‌ی معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان انجام شده‌است.

بین جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> تفاوت‌های معناداری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ جست‌وجو کرد. جنس به تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد اشاره دارد و جنسیت، ویژگی‌های شخصیتی و روانی است که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند.

مفهوم جنسیت، که از معنای نر یا ماده بودن به دست می‌آید و جامعه بر زنان و مردان اطلاق می‌کند، با توجه به فرهنگ و سنت تعریف می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جوامع گوناگون نقش‌ها و خصوصیات زنان و مردان را متفاوت و گاهی کاملاً مغایر با یک‌دیگر تعریف می‌کنند (تورس و روزاریو<sup>۳</sup> ۱۳۷۵). مفهوم جنسیت از جنبه‌های اولیه‌ی هویت است (راین، پروونزانو، و لوریا<sup>۴</sup> ۱۹۷۴)، که به زن، نه تنها از جنبه‌ی تفاوت‌های زیست‌شناختی با مرد، بلکه با توجه به رابطه‌ی وی با مرد و نیز نوع روابط این دو از نظر اجتماعی و ساختاری می‌نگرد (شادی‌طلب ۱۳۸۱). مسئله‌ی هویت جنسی یکی از اولین احساسات آشکار در رشد کودک است. قبل از این که کودک، ملیت، مذهب، و موقعیت اجتماعی را بشناسند، جنسیت خود را می‌شناسد و خود را با فعالیت‌های مطابق آن مرتبط می‌کند؛ بنابراین، جنسیت مفهومی اساسی است از «خود»، و همان‌طور که فوکس-جنوویس<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) بیان می‌دارد «هویت من در واقع همان جنسیت من است».

در مورد چه‌گونگی شکل‌گیری مفهوم جنسیت نظریه‌هایی متفاوت وجود دارد:

۱- **نظریه‌های مربوط به اثرات پیش از تولد-** با این که هورمون‌های جنسی، پیش از تولد بر هویت جنسیتی اثر عمده‌یی ندارند، ولی ظاهراً در رشد نقش‌های جنسیتی تأثیری اساسی به جا می‌گذارند. به نظر می‌رسد که آندروژن<sup>۶</sup> پیش از تولد زمینه‌ساز مردانگی باشد و پروژسترون<sup>۷</sup> نیز اثری مردانه یا زنانه‌کننده بر رفتار جنسیتی داشته‌باشد (هینز و کافمن<sup>۸</sup> ۱۹۹۴). این اثر به این صورت است که این هورمون‌ها، موجب سازمان‌دهی بنیادهای عصبی مغز می‌شوند و سطح بالای آندروژن، قبل از تولد، مغز را مردانه می‌سازد (مانی و ارهارت<sup>۹</sup> ۱۹۷۲). تفاوت‌های کالبدشناختی بین مغز مردان و زنان در ناحیه‌ی هیپوتالاموس<sup>۱۰</sup> نیز، با تفاوت‌های جنسی در کنش تولیدمثل مربوط است (لوی و فیووش<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۳).

<sup>1</sup> Sex

<sup>2</sup> Gender

<sup>3</sup> Torres, Amaryllis, Rosario del Rosario

<sup>4</sup> Rubin, Jeffrey Z, Frank J. Provenzano, and Zella Luria

<sup>5</sup> Fox-Genovese, Elizabeth

<sup>6</sup> Androgen

<sup>7</sup> Progesterone

<sup>8</sup> Hines, Melissa, and Francine R. Kaufman

<sup>9</sup> Money, John, and Anke A. Ehrhardt

<sup>10</sup> Hypothalamus

<sup>11</sup> Levy, Gary D., and Robyn Fivush



۲- **روی‌کرد روان‌کاوانه‌ی رشد اخلاقی** - براساس این نظریه، مسیرهای رشد متفاوت زنان و مردان، به مرحله‌ی رشد روانی-جنسی (مرحله‌ی فالیک<sup>۱</sup>)، که هویت جنسی را شکل می‌دهد، مربوط می‌شود. اگر دختر کار خود را با مادر همانند نکند، از نظر هویت جنسی و رشد اخلاقی دچار مشکل می‌شود (گولومبوک و فی‌ووش<sup>۲</sup> ۱۳۷۸).

۳- **نظریه‌ی یادگیری اجتماعی** - میشل و بندورا<sup>۳</sup> معتقد اند که رفتارهای نقش جنسی، مانند همه‌ی رفتارهای دیگر، از طریق یادگیری اجتماعی صورت می‌گیرد (برگرفته از گولومبوک و فی‌ووش ۱۳۷۸).

۴- **نظریه‌ی طرح‌واره‌ی جنسی (رشد شناختی<sup>۴</sup>)** - این نظریه بر این اساس استوار است که کودکان، کلیشه‌های جنسیتی را از طریق فرآیندهای ذهنی‌شان می‌آموزند. به این طبقه‌بندی‌های سازمان‌دهی‌شده که در کودکان شکل می‌گیرد طرح‌واره<sup>۵</sup> می‌گویند و طرح‌واره‌های جنسیتی یکی از کاربردی‌ترین و پرمصرف‌ترین طرح‌واره‌های کودکان است. بر طبق نظریه‌ی پیازه<sup>۶</sup>، کودکان از ۱۸ ماهگی تا هفت‌سالگی تمایل دارند به شیوه‌های ملموس تفکر کنند؛ یعنی تفکر آن‌ها بر پایه‌ی نشانه‌های واضح و ساده شکل می‌گیرد. در بیشتر جوامع، مردان و زنان، متفاوت از یک‌دیگر به نظر می‌رسند؛ متفاوت لباس می‌پوشند، مدل‌های متفاوتی دارند، و به شغل‌های متفاوتی مشغول اند؛ از این رو، بر طبق نظریه‌ی رشد شناختی پیازه<sup>۶</sup>، جنسیت در ذهن کودکان به‌گونه‌ی شکل می‌گیرد که کودکان به‌آسانی دو جنس را در دو طبقه‌ی جداگانه دسته‌بندی می‌کنند (بم<sup>۷</sup> ۱۹۹۳) و سپس با مشخص کردن طبقه‌بندی خود، هویت خویش را تعیین می‌سازند و این طرح‌واره‌ها را در مورد دیگران نیز به کار می‌برند. کودکان به این وسیله تلاش می‌کنند تا صفات و رفتارها را سازمان‌دهی و به دو دسته‌ی زنانه و مردانه تقسیم کنند و بدین‌ترتیب به رفتار متناسب با جنسیت خود برچسب «خوب» و به رفتارهای نامتناسب با جنسیت خود برچسب «بد» بزنند (رنزتی و کارن<sup>۸</sup> ۱۹۹۳). نظریه‌ی رشد شناختی به ما کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم چرا کودکان کم‌سن‌وسال، تمایل شدیدی به اسباب‌بازی‌های مخصوص جنس خود دارند و دوست دارند با دوستان هم‌جنس خود بازی کنند، و این‌که چرا آن‌ها عقایدی کلیشه‌ی در مورد جنسیت دارند (کان و پالمر<sup>۹</sup> ۱۹۸۶؛ کاوان و هافمن<sup>۱۰</sup> ۱۹۸۶).

<sup>1</sup> Phallic

<sup>2</sup> Golombok, Susan, and Robyn Fivush

<sup>3</sup> Mischel, Walter, and Albert Bandura

<sup>4</sup> Theory of Cognitive Development

<sup>5</sup> Schema

<sup>6</sup> Piaget, Jean (1896-1980)

<sup>7</sup> Bem, Sandra Lipsitz

<sup>8</sup> Renzetti, Claire M., and Daniel J. Curran

<sup>9</sup> Cann, Arnie, and Susan Palmer

<sup>10</sup> Cowan, Gloria, and Charles D. Hoffman

یکی از پیش‌فرض‌های اولیه‌ی نظریه‌های طرح‌واره‌ی جنسیتی آن است که دانش جنسیتی چندبعدی است و ابعاد مشخص یا عناصر دانش مربوط به جنسیت، دربرگیرنده‌ی رفتار، مشاغل، و صفات است (مارتین<sup>۱</sup> ۱۹۹۰)؛ به این معنی که زن بودن با رفتارهای خاص (خانه‌داری) و مشاغل خاص (آموزگار مدرسه ابتدایی)، و مرد بودن نیز با رفتارها (بازی فوتبال)، نقش‌ها (پدر)، مشاغل (مهندسی)، و صفات (پرخاش‌گری) متفاوت همراه است. دانش ما، به گونه‌ی سازمان یافته‌است که صرف مواجهه با برجسب یا لقب جنسیتی، با این عناصر مربوط به جنسیت پیوند می‌خورد (مارتین ۱۹۹۰). لوی استدلال می‌کند که دانش کودکان از وقایع، بر حسب این‌که این رویدادها به زنان یا مردان مربوط می‌شود فرق می‌کند (بوستون و لوی<sup>۲</sup> ۱۹۹۱؛ لوی و فیووش<sup>۳</sup> ۱۹۹۳). پژوهش‌گران دریافته‌اند که کودکان بزرگ‌تر، در مقایسه با کودکان خردسال، صفات و رفتارهای بیش‌تری را به زنان و مردان نسبت می‌دهند؛ بر پایه‌ی این امر، کودکان با افزایش سن، از نظر جنسیتی کلیشه‌ی‌تر می‌شوند، ولی درعین‌حال، کودکان بزرگ‌تر جنسیت را انعطاف‌پذیرتر از کودکان خردسال می‌بینند (سینورلا، بیگلر، و لیبن<sup>۴</sup> ۱۹۹۳).

اگر مردم قادر باشند با گرفتن اطلاعات جدید نظرات خود را تغییر دهند پس باید بتوانند کلیشه‌ها را نیز تغییر دهند. نظریه‌های شناختی در زمینه‌ی کلیشه‌ها به این نتیجه دست یافته که محتوای کلیشه‌ها قابل تغییر است (فیسک و تیئر<sup>۵</sup> ۱۹۹۱) و پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که وقتی ضدکلیشه‌ها ارائه می‌شوند، کلیشه‌ها قدرت خود را از دست می‌دهند. هرچه این ضدکلیشه‌ها قوی‌تر باشند، قدرت اثرگذاری آن‌ها بیش‌تر است، مثلاً هرچه بر تعداد زنانی که با یک کلیشه‌ی خاص برخورد می‌کنند افزوده می‌شود، کلیشه قدرت خود را سریع‌تر از دست می‌دهد؛ همان‌گونه که حضور بیش از یک‌صد زن در پارلمان بخش دولتی در انتخابات ۱۹۹۷ انگلیس باعث تغییر اساسی اذهان عمومی در مورد قدرت سیاسی زنان شد (هینتون<sup>۶</sup> ۲۰۰۰).

مک‌بروم<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) تغییر در کلیشه‌های جنسیتی را طی دوره‌ی پنج‌ساله در سه گروه از آزمودنی‌ها بررسی کرد. در یکی از گروه‌ها دانشجویانی بودند که در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و در آغاز مطالعه ۲۲ساله بودند. در گروه دوم، فارغ‌التحصیلان دانشگاه در سال ۱۹۶۴ بودند، که در آغاز مطالعه ۳۲ سال داشتند، و گروه سوم متشکل از افرادی بود

<sup>1</sup> Martin, Susan E.

<sup>2</sup> Boston, Martha B., and Gary D. Levy

<sup>3</sup> Signorella, Margaret L., Rebecca S. Bigler, and Lynn S. Liben

<sup>4</sup> Fiske, Susan T., and Shelley E. Taylor

<sup>5</sup> Hinton, Perry R.

<sup>6</sup> McBroom, William H.





که در سال ۱۹۵۴ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بودند و در آغاز مطالعه ۴۲ ساله بودند. تمام آزمودنی‌ها در سال ۱۹۷۵ به پرسش‌نامه‌یی که میزان اعتقاد و موافقت آن‌ها را نسبت به کلیشه‌های جنسیتی نشان می‌داد، جواب دادند و مجدداً همان پرسش‌نامه را در سال ۱۹۸۰ پر کردند. بر اساس پاسخ‌های آزمودنی‌ها، مردان بیش از زنان با کلیشه‌ها موافق بودند که در طی این پنج سال، کلیشه‌سازی مردانی که مزدوج باقی مانده بودند و نیز هر سه گروه زنان، کاهش‌های معناداری را نشان دادند. این کاهش به‌خصوص درباره‌ی زنانی که در این مدت ازدواج کرده یا وارد بازار کار شده بودند، چشمگیر بود؛ بنابراین زنان احتمالاً بیش‌تر از مردان در کلیشه‌های تعیین‌شده‌ی فرهنگی تردید می‌کنند و افزون‌بر آن تجربه‌های زندگی نیز ممکن است برخی باورهای کلیشه‌یی را زیر سؤال ببرد. روبه‌رو شدن زنان از ازدواج کرده‌یی که وارد بازار کار شده‌اند با انتظاراتی که از زنان می‌رود، ممکن است منجر به بررسی مجدد باورهای فرهنگی شود؛ هم‌چنین مردانی که متأهل باقی می‌مانند در فرآیند گفت‌وگو و مذاکره در یک رابطه‌ی صمیمانه‌ی بلندمدت با احتمال بیش‌تری باورهای سنتی خود را زیر سؤال می‌برند.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر استفاده از کارگاه آموزشی در تغییر کلیشه‌های جنسیتی در زنان و مردان است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، نیمه‌تجربی و از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. نمودار طرح پژوهشی در جدول ۱ دیده می‌شود.

جدول ۱- نمودار طرح پژوهشی

گروه	جنس	تعداد	گزینش تصادفی	اجرای پیش‌آزمون	اجرای متغیر مستقل	اجرای پس‌آزمون
گروه آزمایش	مرد	۳۰	R	T1	X	T2
	زن	۴۵	R	T1	X	T2
گروه کنترل	مرد	۳۰	R	T1	-	T2
	زن	۴۵	R	T1	-	T2

## فرضیه‌های پژوهش

- ۱- کارگاه آموزشی کلیشه‌های جنسیتی در کاهش باورهای کلیشه‌ی فیزیولوژی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی، روانی، و شناختی مؤثر است.
- ۲- بین جنسیت و اثربخشی کارگاه آموزشی رابطه وجود دارد.

## جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی زنان و مردان شهر اصفهان است. به‌منظور انجام پژوهش، تعداد ۹۵ نفر زن و ۶۰ نفر مرد به‌طور تصادفی از بین والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های ۵ ناحیه‌ی شهر اصفهان انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۴۵ زن و ۳۰ مرد) و کنترل (۴۵ زن و ۳۰ مرد) توزیع شدند. اثر متغیرهای شغل، تحصیلات، و سن نیز به‌طور جداگانه از طریق تحلیل واریانس مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی کلیشه‌های جنسیتی و «مقیاس باورهای مربوط به زنان»<sup>۱</sup> (بلک و اسنل<sup>۲</sup> ۱۹۸۹) است. این پرسش‌نامه شامل ۷۵ سؤال با طیف لیکرت از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم، و شامل ۶ زیرمقیاس زیر است:

- ۱- بعد جسمانی (فیزیولوژیک)؛
- ۲- بعد اجتماعی؛
- ۳- بعد اقتصادی؛
- ۴- بعد جنسی (گرایش جنسی، شوخ‌طبعی جنسی، رفتار اغواگرانه‌ی جنسی)؛
- ۵- بعد روانی (تسلط داشتن، منفعل بودن، آسیب‌پذیر بودن، بینش هیجانی، آگاهی ظاهری)؛

۶- بعد شناختی (رفتار غیرمنطقی، روش منطقی، قدرت تصمیم‌گیری).  
روایی این پرسش‌نامه از طریق هم‌بستگی با نگرش‌های ناکارآمدی پاور و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۴)، ۰/۹۲ به دست آمد و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرون‌باخ بر روی ۱۵۰ نفر، از پایایی مطلوبی برخوردار بود ( $\alpha > 0/70$ ). روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، آمار توصیفی و استنباطی تحلیل کوارینانس بود.

برنامه‌ی آموزش شامل ۸ جلسه‌ی ۲ ساعته بود که به صورت کارگاه آموزشی و با مشارکت فعال شرکت‌کنندگان اجرا شد و در آن‌ها موارد زیر مورد بحث قرار گرفت:

<sup>۱</sup> Beliefs about Women Scale (BAWS)

<sup>۲</sup> Belk, Sharyn S., and William E. Snell, Jr.

<sup>۳</sup> Power, M. J., R. Katz, P. McGuffin, C. F. Duggan, D. Lam, and A. T. Beck



- ۱- جنس، جنسیت، کلیشه‌های جنسیتی؛
- ۲- نقش باورها در رفتار، احساس، و ارتباط متقابل بین آن‌ها؛
- ۳- عوامل مؤثر در شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی؛
- ۴- شناخت کلیشه‌های جنسیتی متداول و دسته‌بندی آن‌ها؛
- ۵- پایه‌ی علمی تفاوت‌های بین دو جنس از دیدگاه بیولوژی و فیزیولوژی؛
- ۶- عوامل مؤثر بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی؛
- ۷- کارآفرینی و مشارکت زنان؛
- ۸- ارائه‌ی روی‌کردی عملی برای به‌کارگیری یافته‌های مربوط به کلیشه‌ها.

## نتایج

رضیه‌ی اول پژوهش در مورد تعیین اثربخشی کارگاه آموزشی در تغییر کلیشه‌های جنسیتی بود، که یافته‌ها به تفکیک نوع کلیشه‌ها در پی آمده‌است.

جدول ۲- تحلیل کواریانس باورهای کلیشه‌ی دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجزورات آزادی	درجه	مجدور میانگین‌ها	F	معناداری	مجدور اتا	توان آماری
بعد فیزیولوژیک	پس‌آزمون	۱۳۹/۰۶۷	۱	۱۳۹/۰۶۷	۳۴/۱۱۷	۰/۰۰	۰/۲۰۷	۱/۰۰
بعد اجتماعی	پس‌آزمون	۱۷۱/۸۱۹	۱	۱۷۱/۸۱۹	۳۱/۷۹۲	۰/۰۰	۰/۱۹۵	۱/۰۰
بعد اقتصادی	پس‌آزمون	۸۲/۷۷۱	۱	۸۲/۷۷۱	۱۴/۳۸۳	۰/۰۰	۰/۰۹۹	۰/۹۶۴

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های گروه آزمایش (۱/۰۵۳-) و گروه کنترل (۰/۴۹۳)، در کلیشه‌های جنسیتی فیزیولوژیک معنادار است ( $p=۰/۰۰۰$ )؛ یعنی استفاده از شیوه‌های کارگاه آموزشی در تغییر بعد فیزیولوژیکی کلیشه‌های جنسیتی مؤثر بوده‌است. بین میانگین‌های گروه آزمایش (۴/۰۰) در بعد اجتماعی و گروه کنترل (۲/۱۲۰)، تفاوت معناداری وجود دارد ( $p=۰/۰۰۰$ )؛ بنابراین استفاده از شیوه‌های کارگاه آموزشی بر تغییر باورهای کلیشه‌ی جنسیتی زنانه در بعد اجتماعی مؤثر بوده‌است. بین میانگین‌های گروه آزمایش (۱/۲۲۷-) و گروه کنترل (۰/۶۶۷-) در کلیشه‌های جنسیتی اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد ( $p=۰/۰۰۰$ )؛ پس آموزش توانسته‌است کلیشه‌های جنسیتی در بعد اقتصادی را نیز کاهش بدهد.

جدول ۳- تحلیل کوواریانس باورهای کلیشه‌ی در بعد جنسی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین‌ها	F	معناداری	مجدور اتا	توان آماری
گرایش جنسی	پس‌آزمون	۴۴/۵۶۴	۱	۴۴/۵۶۴	۱۳/۲۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲	۰/۹۵۱
شوخطبعی جنسی	پس‌آزمون	۲۱۲/۸۱۵	۱	۲۱۲/۸۱۵	۳۶/۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۱/۰۰
رفتار اغواگرانه	پس‌آزمون	۲۲۴/۰۰۸	۱	۲۲۴/۰۰۸	۲۸/۲۰۹	۰/۰۰	۰/۱۷۷	۱/۰۰

**جدول ۳** نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های گروه آزمایش (۰/۵۶۰) و گروه کنترل (۱/۵۲۰) در گرایش جنسی، گروه آزمایش (۰/۸۶۷-) و گروه کنترل (۱/۱۷۳) در شوخطبعی جنسی، و گروه آزمایش (۰/۷۸۶-) و گروه کنترل (۱/۱۰۷) در رفتار اغواگرانه معنادار است و در تمام موارد میانگین گروه آزمایش کمتر از کنترل بوده‌است؛ بنابراین استفاده از شیوه‌ی کارگاه‌های آموزشی بر تغییر باورهای کلیشه‌ی جنسیتی زنان در تمام زیرمقیاس‌های بعد جنسی مؤثر بوده‌است.

جدول ۴- تحلیل کوواریانس کلیشه‌ی جنسیتی در بعد روانی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین‌ها	F	معناداری	مجدور اتا	توان آماری
تسلط داشتن	پس‌آزمون	۱۴۸/۹۷۴	۱	۱۴۸/۹۷۴	۳۱/۰۸۴	۰/۰۰	۰/۱۹۲	۱/۰۰
منفعل بودن	پس‌آزمون	۱۹۹/۳۴۴	۱	۱۹۹/۳۴۴	۲۹/۲۰۹	۰/۰۰	۰/۱۸۲	۱/۰۰
آسیب‌پذیر بودن	پس‌آزمون	۲۹۳/۴۶۷	۱	۲۹۳/۴۶۷	۴۲/۰۶۲	۰/۰۰	۰/۲۴۳	۱/۰۰
بینش هیجانی	پس‌آزمون	۷۳/۹۳۴	۱	۷۳/۹۳۴	۱۷/۷۳۶	۰/۰۱	۰/۰۸۹	۰/۹۴۳
آگاهی ظاهری	پس‌آزمون	۱۱۶/۲۷۸	۱	۱۱۶/۲۷۸	۲۳/۸۶۵	۰/۰۰	۰/۲۱۸	۰/۹۹۸
گرایش اخلاقی	پس‌آزمون	۱۴/۵۵۶	۱	۱۴/۵۵۶	۲/۲۲۱	۰/۱۳۹	۰/۰۱۷	۰/۳۱۶

**جدول ۴** نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های به‌دست‌آمده در گروه آزمایش (۰/۸۲۷-) و گروه کنترل (۰/۵۷۳) در تسلط داشتن، در گروه آزمایش (۰/۱۶۰) و گروه کنترل (۲/۰۶۷) در منفعل بودن، در گروه آزمایش (۰/۲۸۰-) و گروه کنترل (۲/۶۶۷) در آسیب‌پذیر بودن، در گروه آزمایش (۱/۱۸۷) و گروه کنترل (۲/۶۸۰) در بینش هیجانی، و در گروه آزمایش (۲/۱۶۰) و گروه کنترل (۳/۴۶۷) در آگاهی ظاهری معنادار است. تنها بین میانگین گروه آزمایش (۳/۲۱۳-) و گروه کنترل (۱/۸۰۰-) در گرایش اخلاقی تفاوت معناداری مشاهده نشده‌است ( $p > ۰/۰۵$ )، که نشان می‌دهد استفاده از شیوه‌های کارگاه‌های آموزشی بر تغییر باورهای کلیشه‌ی جنسیتی در تمام زیرمقیاس‌های بعد روانی به‌استثنای گرایش اخلاقی مؤثر بوده‌است.



جدول ۵- تحلیل کوواریانس باورهای کلیشه‌ی زنانه در بعد شناختی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین‌ها	F	معناداری	مجدور اتا	توان آماری
روش منطقی	پس‌آزمون	۱۱۵/۰۵۱	۱	۱۱۵/۰۵۱	۳۹/۲۸۲	۰/۰۰	۰/۲۳۱	۱/۰۰
قدرت تصمیم‌گیری	پس‌آزمون	۹۳/۲۶۲	۱	۹۳/۲۶۲	۲۰/۶۴۲	۰/۰۰	۰/۱۳۶	۰/۹۹۵
رفتار غیرمنطقی	پس‌آزمون	۱۴۶/۹۸۵	۱	۱۴۶/۹۸۵	۲۵/۱۰۸	۰/۰۰	۰/۱۵۰	۰/۹۹۸

جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های گروه آزمایش و گروه کنترل (۲/۸۸۰-) و گروه کنترل (۱/۵۸۶-) در روش منطقی، گروه آزمایش (۱/۰۴۰-) و گروه کنترل (۰/۵۷۳) در قدرت تصمیم‌گیری، و گروه آزمایش (۳/۱۶-) و گروه کنترل (۱/۵۵) در رفتار غیرمنطقی معنادار است؛ بنابراین استفاده از شیوه‌ی کارگاه آموزشی می‌تواند بر تغییر باورهای کلیشه‌ی جنسیتی در تمام زیرمقیاس‌های بعد شناختی مؤثر باشد. فرضیه‌ی سوم پژوهش این است که بین جنسیت و اثربخشی کارگاه آموزشی ارتباط وجود دارد. جدول ۶، یافته‌های مربوط به این فرضیه را بررسی می‌کند.

جدول ۶- تحلیل واریانس نمره‌های زیرمقیاس‌های کلیشه‌های جنسیتی براساس تعامل جنس و گروه

منبع	متغیر وابسته (پس‌آزمون)	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین‌ها	F	معناداری	مجدور اتا	توان آماری
روش منطقی	باورهای کلیشه‌ی فیزیولوژیکی	۴/۱۱	۱	۴/۱۱	۱/۲۳	۰/۲۷	۰/۰۰۹	۰/۱۹
	باورهای کلیشه‌ی اجتماعی	۲/۸۹۶	۱	۲/۸۹۶	۰/۰۰۵	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱
	باورهای کلیشه‌ی اقتصادی	۴/۷۸۵	۱	۴/۷۸۵	۰/۸۳	۰/۳۶۴	۰/۰۰۶	۰/۱۵
روش غیرمنطقی	گرایش جنسی	۴/۱۱	۱	۴/۱۱	۱/۲۲۵	۰/۲۷	۰/۰۰۹	۰/۱۹۶
	شوخی‌طبعی جنسی	۰/۷۱	۱	۰/۷۱	۱/۳۳	۰/۱۹	۰/۰۱۳	۰/۲۶
	رفتار اغواگرانه‌ی جنسی	۴۵/۴۷	۱	۴۵/۴۷	۵/۷۳	۰/۰۱۸	۰/۰۴۲	۰/۶۶
قدرت تصمیم‌گیری	تسلط داشتن	۲۴/۳۴۶	۱	۲۴/۳۴۶	۵/۰۸	۰/۰۲۶	۰/۰۳۷	۰/۶۱
	منفعل بودن	۴۲/۲۴	۱	۴۲/۲۴	۶/۱۹	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	۰/۶۹۵
	آسیب‌پذیر بودن	۰/۹۷۹	۱	۰/۹۷۹	۰/۱۴	۰/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۰۶۶
	بینش هیجانی	۱/۲۸۶	۱	۱/۲۸۶	۰/۰۰۲	۰/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵
	آگاهی ظاهری	۴/۷۱	۱	۴/۷۱	۱/۱۵۵	۰/۲۸۵	۰/۰۱۳	۰/۲۶
	گرایش اخلاقی	۰/۹۷۹	۱	۰/۹۷۹	۰/۱۴	۰/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۰۶۶
	روش منطقی	۵۵/۳	۱	۵۵/۳	۱۸/۸۸	۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	۰/۹۹۱
رفتار غیرمنطقی	قدرت تصمیم‌گیری	۱۶/۶۹	۱	۱۶/۶۹	۳/۶۹۶	۰/۰۵۷	۰/۰۲۷	۰/۴۸
	رفتار غیرمنطقی	۴/۱۲	۱	۴/۱۲	۰/۶۴۸	۰/۴۲	۰/۰۰۵	۰/۱۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین گروه و جنس در ابعاد فیزیولوژیکی، اجتماعی، و اقتصادی، تعامل معناداری وجود ندارد ( $p > 0.05$ ) و در بعد روانی در زیر مقیاس‌های تسلط داشتن ( $F = 5.08$ ;  $p = 0.026$ ) و منفعل بودن ( $F = 6.19$ ;  $p = 0.014$ )، و در بعد

جنسی در زیرمقیاس رفتار اغواگرانه ( $F = ۵/۳۷$ ؛  $p = ۰/۰۱۸$ ) بین جنس و گروه تعامل وجود دارد. متغیر مستقل در زیرمقیاس تسلط داشتن، میانگین نمرات مردان ( $-۰/۹۳$ ) را بیش‌تر از زنان ( $-۰/۷۵۶$ ) کاهش داده‌است. در زیرمقیاس منفعل بودن، متغیر مستقل، میانگین نمرات مردان ( $-۰/۴۰۰$ ) را بیش‌تر از زنان ( $۰/۵۳۳$ ) و در مورد رفتار اغواگرانه، میانگین نمرات زنان ( $-۱/۰۴۴$ ) را بیش‌تر از مردان ( $-۰/۴۰۰$ ) کاهش داده‌است. در بعد باورهای شناختی نیز فقط در بعد هوش منطقی ( $F = ۱۸/۸۸$ ؛  $p = ۰/۰۰۰$ ) بین جنس و گروه تعامل وجود دارد و متغیر مستقل در مورد هوش منطقی، نمرات زنان ( $-۳/۳۵۶$ ) را بیش از مردان ( $-۲/۱۶۷$ ) کاهش داده‌است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که استفاده از کارگاه‌های آموزشی بر تغییر کلیشه‌های جنسیتی، یعنی بر کاهش باورهای کلیشه‌ی در بعد فیزیولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، جنسی، روانی (در تمام زیرمقیاس‌ها به‌استثنای گرایش اخلاقی)، و بر تمام زیرمقیاس‌های بعد شناختی مؤثر بوده‌است، نتایج این پژوهش با پژوهش مک‌بروم (۱۹۸۷)، که نشان داد کلیشه‌های جنسیتی قابل تغییر اند، اما این کلیشه‌ها در مردان بیش از زنان است، نیز هم‌خوان است. فیسک و تیلر (۱۹۹۱) معتقد اند که مردم قادر به گرفتن اطلاعات جدید اند و از طریق آن می‌توانند کلیشه‌ها را تغییر بدهند.

وقتی که افراد در آموزش، با واقعیت‌های مربوط به شرایط فیزیولوژیکی دو جنس، از لحاظ علمی، آشنا می‌شوند و درمی‌یابند که بسیاری از تفاوت‌هایی که آن‌ها به دو جنس نسبت می‌دهند، به جای آن که یک ویژگی جسمی باشد، بیش‌تر یک اعتقاد شناختی است که به‌وسیله‌ی نسل قبل و از طریق گفت‌وگو، شیوه‌ی برخورد، و رفتار آن‌ها منتقل شده‌است بهتر می‌توانند کلیشه‌های جنسی را از واقعیت دو جنس متمایز سازند؛ مثلاً تفاوت‌هایی را افراد به ساختار مغز دو جنس نسبت می‌دهند و تصور می‌کنند که حجم مغز زنان به‌گونه‌ی است که آن‌ها را از لحاظ هوشی، حافظه، و یادگیری، ضعیف‌تر از مردان می‌سازد، و یا این مسئله را که توانایی پسران در یادگیری ریاضی بیش‌تر از دختران است، هیچ پژوهشی تأیید نکرده‌است (هاید و لین<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸). در زمینه‌ی اجتماعی نیز پژوهش‌ها نشان داد که تفاوت‌های مربوط به توانایی کلامی دختران و پسران بسیار ناچیز است و تنها در مواردی زنان قدرت کلامی بیش‌تری دارند (همان)؛ هم‌چنین در مورد تفاوت‌های روانی مثل پرخاش‌گری، که

<sup>۱</sup> Hyde, Janet Shibley, and Marcia C. Linn



بیش‌تر به مردان نسبت می‌دهند، بندورا طی پژوهشی نشان داد که این ویژگی‌ها، ذاتی نیستند و در اثر یادگیری ایجاد می‌شوند. در مورد عاطفی‌تر بودن دختران نیز فابس و مارتین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) نشان دادند که در ابتدای تولد، ابراز عواطف بین پسران و دختران تفاوتی نمی‌کند و این شیوه‌ی رفتاری بزرگسالان است که دختران را عاطفی‌تر پرورش می‌دهد و در بعد اقتصادی نیز زنان می‌توانند قدرت رهبری و مدیریت خوبی داشته‌باشند.

می‌توان با ارائه‌ی ضد کلیشه‌ها، قدرت کلیشه‌ها را ضعیف ساخت، مثلاً وجود زنان قدرت‌مند، کلیشه‌ی ضعف زنان و منفعل بودن آن‌ها را دچار تغییر می‌سازد؛ بنابراین در آموزش، با ارائه‌ی ضد کلیشه‌ها و یافته‌های علمی، اعتقاد به کلیشه‌ها سست، و باورهای منطقی‌تر جای‌گزین می‌شود. در نتایج پژوهش حاضر مشاهده شد که اثر آموزش در بعد روانی، در زیرمقیاس‌های تسلط داشتن و منفعل بودن، متفاوت بوده و آموزش توانسته‌است نمرات مردان را بیش از زنان کاهش بدهد. پژوهش‌گر در طی اجرای آموزش مشاهده کرد که برخی از زنان شرکت‌کننده، در تغییر باورهای کلیشه‌ی خود، مقاومت نشان می‌دهند و تمایل دارند که مردان را برتر از زنان بدانند. پس از بحث و گفت‌وگو با کل شرکت‌کنندگان، به‌خصوص افراد مصر، این نتیجه حاصل شد که زنان از قوی‌تر شدن و باور به قوی بودن، اجتناب می‌کنند؛ زیرا در این صورت، افزون‌بر وظایف سنگینی که اکنون انجام می‌دهند، مجبور می‌شوند وظایف بیش‌تری را نیز به عهده بگیرند. آن‌ها یاد گرفته‌اند که از لحاظ عاطفی، تکیه کردن به مردی که با او زندگی می‌کنند، را دوست بدانند؛ هرچند از لحاظ اقتصادی دارای درآمد باشند؛ درواقع این مقاومت، خود به دلیل وجود کلیشه و طرح‌واره‌ی دیگری است، که بیان‌گر آن است که مرد بودن یعنی قوی بودن و این قدرت می‌تواند جسمانی، مالی، و یا حاصل موقعیت شغلی باشد. زنان، مردان ضعیف‌تر از خود را نمی‌توانند دوست داشته‌باشند؛ زیرا نمی‌توانند او را در طرح‌واره‌ی مربوط به تعریف مرد-زن قرار بدهند. با بررسی طرح‌واره‌ی شرکت‌کنندگان در مورد مفاهیم اساسی مرد-زن، این نکته تأیید شد که زنان به این دلیل نمی‌خواستند قدرت‌مندی و تسلط را بپذیرند که بتوانند احساس کنند مردشان موجودی قوی‌تر و قابل‌اتکا است. این نتیجه با پژوهش گولومبوک و فیووش (۱۳۷۸) نیز هم‌خوان است؛ پژوهش آنان بیان می‌کند مادران هرقدر بخواهند که با فرزند خود از هر دو جنس یکسان برخورد کنند، اما باز ناخودآگاه کلیشه‌های جنسیتی را به کار می‌برند که مانع برخورد یکسان آن‌ها با دختر و پسرشان می‌شود.

<sup>۱</sup> Fabes, Richard A., and Carol Lynn Martin

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که زنان، کلیشه‌های جنسیتی رفتار اغواگرانه در بعد جنسی، و هوش منطقی در بعد شناختی را بیش‌تر از مردان تغییر داده‌اند؛ یعنی آموزش در تغییر این زیرمقیاس‌ها تأثیر بیش‌تری بر زنان داشته‌است و شاید دلیل آن این است که این دو کلیشه توهینی آشکار به جنس زن است که او را نادان‌تر از مرد و دارای رفتاری عشوه‌گرانه و فریب‌آمیز می‌داند. زنان، که قرن‌ها زیر سلطه بوده‌اند، نظرات و باورهای آن‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است، و بیش از آن‌که به‌عنوان یک انسان مستقل نگریسته‌شوند به‌عنوان شیئی جنسی مورد توجه قرار گرفته‌اند، دیگر نمی‌خواهند ناآگاه، غیرمنطقی، و افرادی با برداشت‌های سطحی به نظر برسند؛ بنابراین، آموزش توانسته‌است به زنان، بیش از مردان، در تغییر این دو کلیشه کمک کند.

نتایج قابل‌استفاده در این پژوهش شامل موارد زیر است:

- ۱- مرد و زن از نظر بیولوژیکی متفاوت اند. زنان، مغز زنانه و مردان مغز مردانه دارند و برای این‌که جنس زن و جنس مرد شناخته‌شود باید به‌طور علمی این ویژگی‌ها را آموزش داد.
- ۲- برای از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی، ابتدا باید واقعیت‌های علمی را، که طبیعت زن و مرد را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد، در اختیار مردان و زنان قرار داد تا آن‌چه را که قالبی و کلیشه‌یی است، از ویژگی‌های واقعی خود متمایز سازند.
- ۳- به زنان و مردان باید آموخت که با وجود تفاوت در جنس، هر دو انسان اند و توانایی لازم برای کسب رشد و معرفت را دارند. چنان‌چه مولوی می‌فرماید:

«میل اندر مرد و زن از آن نهاد

تا بقا یابد جهان ز این اتحاد.

روز و شب ظاهر دو ضد و دشمن اند،

لیک هر دو یک حقیقت می‌تند.»

و باید از هر جنس انتظارات متناسب با خودش را داشت:

«هر کسی را بهر کاری ساختند،

میل آن را در دل‌اش انداختند.»





## منابع

- تورس، آماری‌لیس، و روزاریو دل روزاریو. ۱۳۷۵. جنسیت و توسعه. برگردان جواد یوسفیان. تهران: نشر بانو.
- نسادی‌طلب، زاله. ۱۳۸۱. توسعه و چالش‌های زنان ایران. تهران: قطره.
- گولومبوک، سوزان، و رایین فی‌ووش. ۱۳۷۸. رشد جنسیت. برگردان مهرناز شهرآرایی. تهران: ققنوس.
- Bem, Sandra Lipsitz. 1993. *The Lenses of Gender: Transforming the Debate on Sexual Inequality*. New Haven, CT, USA: Yale University Press.
- Belk, Sharyn S., and William E. Snell, Jr. 1989. "Stereotypic Beliefs about Women as Moderators of Stress-Distress Relationships." *Journal of clinical psychology* 45(4):665-672.
- Boston, Martha B., and Gary D. Levy. 1991. "Changes and Differences in Preschoolers' Understanding of Gender Scripts." *Cognitive Development* 6(4):417-432.
- Cann, Arnie, and Susan Palmer. 1986. "Children's Assumptions about the Generalizability of Sex-Typed Abilities." *Sex Roles* 15(9):551-558.
- Cowan, Gloria, and Charles D. Hoffman. 1986. "Gender Stereotyping in Young Children: Evidence to Support a Concept-Learning Approach." *Sex Roles* 14(3-4):211-224.
- Fabes, Richard A., and Carol Lynn Martin. 1991. "Gender and Age Stereotypes about Emotionality." *Personality and Social Psychology Bulletin* 17(5):532-540.
- Fiske, Susan T., and Shelley E. Taylor. 1991. *Social Cognition*. New York, NY, USA: McGraw-Hill.
- Fox-Genovese, Elizabeth. 1991. *Feminism without Illusions: A Critique of Individualism*. Chapel Hill, NC, USA: University of North Carolina Press.
- Hines, Melissa, and Francine R. Kaufman. 1994. "Androgen and the Development of Human Sex-Typical Behavior: Rough-and-Tumble Play and Sex of Preferred Playmates in Children with Congenital Adrenal Hyperplasia (CAH)." *Children Development* 65(4):1042-1053.
- Hinton, Perry R. 2000. *Stereotypes, Cognition, and Culture*. Hove, East Sussex: Psychology Press.
- Hyde, Janet Shibley, and Marcia C. Linn. 1988. "Gender Differences in Verbal Ability: A Meta-Analysis." *Psychological Bulletin* 104(1):53-69.
- Levy, Gary D., and Robyn Fivush. 1993. "Scripts and Gender: A New Approach for Examining Gender Role Development." *Developmental Review* 13(2):126-146.
- Martin, Susan E. 1990. *On the Move? A Report on the Status of Women in Policing*. Washington, DC, USA: The Police Foundation.
- McBroom, William H. 1987. "Longitudinal Changes in Sex Role Orientations: Differences between Men and Women." *Sex Roles* 16(9-10):439-451.
- Money, John, and Anke A. Ehrhardt. 1972. *Man and Woman, Boy and Girl: Differentiation and Dimorphism of Gender Identity from Conception to Maturity*. Baltimore, MD, USA: The Johns Hopkins University Press.
- Power, M. J., R. Katz, P. McGuffin, C. F. Duggan, D. Lam, and A. T. Beck. 1994. "The Dysfunctional Attitude Scale (DAS): A Comparison of Forms A and B and Proposals for a New Subscaled Version." *Journal of Research in Personality* 28(3):263-276.

- Renzetti, Claire M., and Daniel J. Curran. 1993. *Women, Men, and Society*. 5<sup>th</sup> Edition. Boston, MA, USA: Allyn and Bacon.
- Rubin, Jeffrey Z, Frank J. Provenzano, and Zella Luria. 1974. "The Eye of the Beholder: Parent's Views on Sex of Newborns." *American Journal of Orthopsychiatry* 44(4):512–519.
- Signorella, Margaret L., Rebecca S. Bigler, and Lynn S. Liben. 1993. "Developmental Differences in Children's Gender Schemata about Others: A Meta-Analytic Review." *Developmental Review* 13(2):147–183.

نویسنده

دکتر فاطمه بهرامی،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان  
dr.f.bahrmi@edu.ui.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکتری مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی.  
پژوهش‌های وی در زمینه‌های زوج درمانی و مشاوره، خانواده‌درمانی، و نظریه‌های فراشناخت است.  
وی دو سال مشاور دانشگاه اصفهان در امور زنان بوده و در این دوره چندین پژوهش و کارگاه آموزشی داشته‌است.

## تحلیل ماهیت نفقه

### با رویکرد قوانین کنونی ایران و برخی کشورهای دیگر

دکتر فهیمه ملک‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه

#### چکیده

برای ایجاد رابطه‌ی سالم و دور از هرگونه درگیری بین همسران، شناخت جای‌گاه و مسئولیت هر یک از آنان در زندگی مشترک ضروری به نظر می‌رسد. در نظام حقوقی اسلام، حقوق مالی ناشی از ازدواج، در مورد زن و مرد یکسان نیست و پرداخت مهریه‌ی زن در هنگام عقد ازدواج و تأمین هزینه‌های زندگی تماماً بر عهده‌ی مرد است؛ در حالی‌که در سایر مکاتب و نظام‌های حقوقی غرب کلیه‌ی حقوق و تکالیف مالی خانواده به نسبت مساوی میان زن و مرد تقسیم می‌شود. فلسفه‌ی یک‌طرفه بودن این حق در حقوق امامیه، حدود و ویژگی‌های آن، ضمانت اجرایی، شرعی، و قانونی این الزام، و این‌که چنین تعهدی بر پایه‌ی کدام احکام و قوانین حقوقی ما تنظیم شده‌است از عمده‌ترین مباحث طرح‌شده در این نوشتار است، که تبیین علمی و استدلالی آن می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود در نظام حقوقی خانواده در ایران را برطرف نماید.

#### واژگان کلیدی

نفقه؛ هزینه؛ زوج؛ زوجه؛ تمکین؛ ناشزه؛ استقلال مالی زن؛ حق مالی؛ تکلیف؛

خانواده، از این جهت که یک نهاد حقوقی به شمار می‌آید، تابع قوانین و مقرراتی است که حقوق اعضای تشکیل‌دهنده‌ی آن، یعنی زن و مرد، و تعهدات متقابل آن‌ها را تبیین و تعریف می‌کند. در همین راستا، تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی، در شمار تکالیف و تعهدات مالی مرد قرار گرفته‌است، و نفقه‌ی زن و تأمین مخارج مربوط به مسکن، پوشاک، و سایر امور ضروری او نیز بخشی از این وظیفه است.

از آن‌جا که در بیش‌تر مکاتب حقوقی تأمین معاش زندگی از وظایف مشترک زن و مرد است، این مسئله باعث تفاوت نظام حقوقی خانواده در اسلام با سایر مکاتب حقوقی و نیز طرح این سؤال شده‌است که چرا این مسئولیت سنگین صرفاً بر عهده‌ی مرد قرار دارد. بدیهی است پاسخ به این سؤال اساسی هنگامی چهره‌ی پژوهشی و علمی می‌یابد که هم بر پایه‌ی نگرش جامع بر سایر حقوق و تعهدات زن و مرد باشد و هم با ملاحظه‌ی روی‌کرد نظام حقوقی اسلام به نفقه و ماهیت آن صورت گیرد؛ بنابراین شاید بتوان گفت که تبیین نفقه و تحلیل ماهیت آن به‌خوبی بتواند سؤال مطرح‌شده را پاسخ دهد.

در خصوص مباحث مربوط به نفقه، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته‌است، که نتایج آن‌ها با همین عنوان، در نوشتارهای علمی، کتب حقوقی خانواده، و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی به نگارش درآمده‌است؛ اما تک‌بعدی بودن این آثار و پرداختن آن‌ها به نفقه، تنها از جنبه‌ی مالی، انگیزه‌ی شده‌است تا نوشتار حاضر، نفقه و احکام آن را در پیوند با سایر حقوق و تعهدات زن و مرد مورد بازپژوهی قرار دهد.

با توجه به تطبیقی بودن این نوشتار، تلاش می‌کنیم تا با تبیین علمی و منطقی نفقه و ماهیت آن، از یک سو اشکال‌ها و ایرادهای وارد بر حکم نفقه را در نظام حقوقی اسلام پاسخ‌گوییم و از سوی دیگر به بیان راه‌کارهای اجرای هرچه‌بهتر آن بپردازیم؛ هرچند که این روی‌کرد به نفقه ممکن است باعث ایجاد سؤال و نیاز به پژوهش‌های تازه شود. از آن‌جا که حوزه‌ی بحث، مربوط به علوم نظری و انسانی است، مهم‌ترین و عمده‌ترین بخش داده‌ها را باید از میان آثار مکتوب فقهی-حقوقی، اعم از کتب متقدمان، متأخران، و معاصران جست‌وجو کرد و از رهگذر نظریه‌های مختلف و نقد و بررسی استدلال‌های ارائه‌شده در مورد هرکدام، به اصل و قاعده‌ی راهبردی این نظرات دست یافت.

### پیش‌گفتار

زندگی مشترک زن و شوهر آغاز یک رشته دگرگونی‌ها است که مهم‌ترین تغییر آن جدا شدن زن از خانواده‌ی خود و زندگی مشترک با شوهر، در محلی دیگر است. این زندگی



جدید ممکن است مستقل از خانواده‌ی شوهر باشد و یا زن و شوهر فقط تا اندازه‌ی بی از استقلال برخوردار باشند، که در هر حالت باید مشخص شود که تأمین مخارج زندگی مشترک بر عهده‌ی چه کسی است و این وظیفه شامل چه چیزهایی می‌شود. هنگامی که زن و مردی تشکیل خانواده می‌دهند، شوهر به دستور قانون باید نیازهای زندگی مشترک را رفع کند و وسایل زندگی شامل مسکن، لوازم خانه، پوشاک، خوراک، و دیگر ملزومات را در اختیار زن قرار دهد؛ براین اساس لازم است که مشخص شود تأمین این نیازها باید بر چه پایه‌ی و تا چه حدودی صورت گیرد. طبیعی است زن و شوهر سازگار و با محبت، در این امور به‌آسانی به توافق می‌رسند؛ شوهر کوشش می‌کند آن‌چه در توان دارد برای آسایش همسرش فراهم کند و زن نیز از شوهر خود چیزی نمی‌خواهد که توانایی انجام آن را ندارد؛ زیرا زندگی و خواست آن دو از یک‌دیگر جدا نیست و هر دو خواستار آسایش و آرامش خانواده اند.

## مفهوم نفقه

### نفقه در لغت

دانشمندان علم لغت برای واژه‌ی نفقه ریشه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند (شرتوتی ۱۳۳۱: ۱۸۸۹):

- «النفقة اسم منه و جمع نفاق»<sup>۱</sup>
  - «و نفق الشی نفقاً»<sup>۲</sup>
  - «انفقته»<sup>۳</sup> (مقری الفيومی بی تا: ۳۲۷)
  - «نفق الشیء و نفد»<sup>۴</sup> (راغب اصفهانی بی تا: ۵۲۳)
  - «النفقة اسم من الاتفاق و ما تنفقه من الدراهم و نحوها»<sup>۵</sup>
- و نیز گفته شده است که این ماده معانی مختلفی دارد:
- «نفقت الدابه نفوقاً»<sup>۶</sup>
  - «نفقت الدراهم»<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> نفقه اسم مصدر و جمع آن نفاق است.

<sup>۲</sup> از میان رفت.

<sup>۳</sup> آن را از بین بردم.

<sup>۴</sup> شیء رفت و تمام شد.

<sup>۵</sup> نفقه اسم نفاق است و آن چیزی از درهم و مانند آن است که خرج می‌شود.

<sup>۶</sup> چهارپا مرد.

<sup>۷</sup> پول‌ها خرج شد.

– «نفق البیع نفاقاً»<sup>۱</sup>

– «انفق المال ارباب»<sup>۲</sup>

و نفقه یعنی بخشش، هزینه‌ی زندگی، و آنچه در راه خدای تعالی به کسی دهند و جمع آن نفاق و نفقات است (ابن‌منظور ۱۳۷۴:ق:۳۵۷؛ شعرانی ۱۴۹۸:ق:۳۲۸؛ فیروزآبادی ۱۳۰۸:ق:۱۱۹۵).

### نفقه در اصطلاح

#### نفقه از دیدگاه فقهای امامیه

فقهای امامیه معمولاً نفقه را به معنای غذا، لباس، مسکن، و دیگر ملزومات زندگی گرفته و گفته‌اند نفقه‌ی زن دائمی واجب است؛ به شرط آن‌که نسبت به شوهر، در هر زمان و مکانی که کامجویی روا است به‌طور کامل تمکین کند؛ بنابراین، زن نابالغ، ناشزه<sup>۳</sup>، و زنی که خود را برای تمکین به شوهر عرضه نکرده است حق نفقه ندارد (مکی ۱۴۰۶:ق:۲۰۵) و نیز معتقد اند که اموال، با دادن آن از طرف زوج به زوجه به‌عنوان نفقه، به ملکیت او درمی‌آید و دلیل آن را آیه‌ی شریفه‌ی «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف»<sup>۴</sup> (قرآن: بقره: ۲۳۲) می‌دانند (طوسی بی‌تا: ۲۱۰؛ طباطبایی ۱۳۷۱:ج:۵۵:۵). برخی نیز گفته‌اند نفقه‌ی زن دائم بر مرد واجب است؛ مشروط بر این‌که زوجه تمکین تام و تمام کند و مرد نیز قدرت پرداخت داشته‌باشد وگرنه از زکات تأمین می‌شود (حلی ۱۳۷۶:۲۲۷).

مراجع معاصر نیز نظراتی مشابه دارند:

«زنی که عقد شد نباید بدون اجازه‌ی شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید، بدون عذر شرعی از هم‌خوابگی او جلوگیری نکند، و اگر زن از شوهر اطاعت کند، تهیه‌ی غذا، لباس، و غیره زن بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته و چه نداشته‌باشد، مدیون زن است.» (موسوی خمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۵). شبیه همین نظر را فقهای دیگر نیز بیان کرده‌اند (موسوی خمینی و هم‌کاران ۱۳۷۶:۵۸۴).

#### نفقه در اصطلاح فقهای عامه

نفقه در اصطلاح فقهای عامه نیز چیزی است که انسان برای خانواده، همسر، نزدیکان، و بندگان‌اش خرج می‌کند و شامل خوراک، پوشاک، و مسکن می‌شود (الجزیری ۱۴۱۷:ق:۵۵۴)؛

<sup>۱</sup> داد و ستد رواج پیدا کرد.

<sup>۲</sup> مال را خرج کرد.

<sup>۳</sup> به عوامل سقوط نفقه رجوع شود.

<sup>۴</sup> و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته بپردازد.



البته بعضی از فقهای عامه نیز نفقه را به معنای خوراک گرفته‌اند، چنان‌که ابن‌عابدین معتقد است معنای شرعی نفقه شامل خوراک، پوشاک، و مسکن می‌شود، اما معنای آن در شرع اسلام فقط مختص به خوراک است و شامل پوشاک و مسکن نمی‌شود. فقهای عامه در تعیین مقدار نفقه، وقتی زوجین هر دو ثروتمند باشند به «نفقه‌ی یسار»، یعنی نفقه‌ی شخص متمکن، و هر گاه هر دو بی‌چیز باشند به «نفقه‌ی اعسار»، یعنی نفقه‌ی شخص تنگ‌دست حکم می‌کنند؛ که در این مورد همه‌ی مذاهب اتفاق نظر دارند، اما در تعیین نفقه‌ی مواردی که یکی از زوجین ثروتمند، و دیگری بی‌چیز و فقیر باشد، بین فقها اختلاف نظر است (منغیه ۱۴۲۰:ق:۳۹۱-۳۹۲)؛ گروهی بر این عقیده‌اند که باید حال زوج را در نظر گرفت و برخی معتقد‌اند موقعیت زوجه باید مد نظر قرار گیرد.

#### نفقه از دیدگاه حقوق غرب

حقوق و قوانین غرب نیز همان نظریه‌ی مشهور را در مورد نفقه دارند و آن را شامل خوراک، پوشاک، مسکن، و ملزومات زندگی می‌دانند. در ایالات متحده‌ی آمریکا واژه‌ی Maintenance تقریباً معادل کلمه‌ی نفقه، و شامل غذا، لباس، و مسکن است؛ ولی در اصطلاح حقوقی شامل دیگر نیازمندی‌های معقول، مثل هزینه‌های رفت و آمد، هزینه‌های دارو و درمان، و از این دست ملزومات نیز می‌شود (امامی ۱۳۸۹:۱۰۶).

در انگلیس نیز واژه‌ی Maintenance به پول قابل‌پرداخت برای هزینه‌های زندگی شخصی همسر و فرزندان گفته می‌شود. حقوق‌دانان انگلستان الزام به نفقه را، با این توضیح که شوهر در هنگام ازدواج متعهد شده‌است که از خانواده‌اش حمایت کند، ناشی از تعهد شخصی زوج دانسته‌اند (گلدستین و کاتز<sup>۱</sup> ۱۹۶۵:۵۹۰).

از تعریف نفقه در حقوق فرانسه چنین برداشت می‌شود که نفقه، تنها عبارت از تعهد مالی شوهر در برابر زن نیست، بلکه دربرگیرنده‌ی تعهد مالی زن در برابر شوهر و حتا تأمین مالی فرزندان تحت سرپرستی او نیز می‌شود؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قوانین فرانسه و بسیاری از کشورهای غربی دیگر، که به این رویه پای‌بند‌اند، نفقه به‌عنوان یکی از تعهدهای اختصاصی و لازم‌الاجرای شوهر در برابر زن شناخته نشده و تنها جزء حقوق قراردادی زن و شوهر است، که بستگی به نیاز و تمکن مالی هر یک از زوجین دارد (قانون مدنی فرانسه، ماده‌ی ۲۸۸).

<sup>۱</sup> Goldstein, Joseph, and Jay Katz

## اسباب و شرایط وجوب نفقه در حقوق اسلام

شرط وجوب نفقه در اسلام در زوجیت دو چیز است:

- ۱- عقد دائمی؛
  - ۲- تمکین کامل زوجه؛ مگر این که دارای عذر شرعی باشد.
- پس نفقه پس از عقد، در صورت تمکین، واجب، و در صورت عدم تمکین، از عهده‌ی مرد ساقط است و تا هر زمان که زن تمکین کامل نکند، مرد موظف به پرداخت نفقه نخواهد بود (موسوی الخمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۳؛ نجفی ۱۳۷۷:ق:۳۰۴؛ حلی ۱۳۷۳:ج:۲:۳۴۷).
- حدود نفقه در قانون مدنی ماده‌ی ۱۱۰۷ چنین آمده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت، که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد، و خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضا»؛ پس نفقه‌ی زن شامل تمام امکانات و لوازم مورد نیاز زندگی است، که فقهای اسلام نیز در مواردی آن‌ها را بیان کرده‌اند:
- ۱- مسکن- در صورت تعدد زوجات هر زن حق دارد مسکن جداگانه بخواهد (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۱۴)؛
  - ۲- غذا، نان، و لباس- از لحاظ کمیت و کیفیت در حد نیاز و به‌طور متعارف و متناسب با شئون و عادت‌های زن، عرف، و عادت‌های امثال آن زن در محل زندگی (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۱۴). برخی از فقها مواردی مانند چای، قهوه، و میوه‌ی متناسب با فصل و امثال آن را نیز به‌طور متعارف و در حد لازم جزء نفقه بیان کرده‌اند (مکی ۱۴۰۶:ق:۱۲۱)؛
  - ۳- پوشاک- به مقدار کافی و از نوع متعارف و متناسب با محل زندگی، عادت‌های زن، و فصول سال؛
  - ۴- لوازم منزل- فرش و پوشش و وسایل خواب و استراحت در حد نیاز و متناسب با عرف و عادت و همچنین وسایل نظافت و آرایش در حد متعارف و متناسب با زمان، مانند صابون؛
  - ۵- وسایل پخت و پز و لوازم آشپزی در حد متعارف؛
  - ۶- خدمت‌کار- در صورتی که زوجه به لحاظ موقعیت خانوادگی در خانه‌ی پدرش مستخدم داشته، یا بیمار است و شخصاً نمی‌تواند کارهای شخصی خودش را انجام دهد (نجفی ۱۳۷۷:ق:۳۱:ج:۳۳۷؛ حلی ۱۳۷۳:ج:۲:۳۴۷؛ موسوی الخمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۵؛ محقق داماد ۱۳۷۴:۳۹۰). در هر یک از این دو حالت، مرد می‌تواند شخصاً به خدمت زن اقدام، و یا خدمت‌کاری برای او استخدام کند؛





۷- هزینه‌ی درمان بیماری‌های جزئی و عادی- جزء نفقه محسوب می‌شود و مرد موظف به تأمین آن است؛ اما نسبت به درمان امراض صعب‌العلاج که مستلزم هزینه‌های سنگین است تردید کرده‌اند (موسوی الخمینی ۱۹۶۵م: ۳۱۷).

علاوه‌بر موارد بالا، سایر نیازها و لوازم زندگی، بنا به مقتضیات زمان و محل و در حد متعارف (مانند تهیه‌ی سوخت)، به عهده‌ی زوج است.

هزینه‌ی سفر، اگر به خاطر امور ضروری، مانند درمان بیماری باشد به عهده‌ی زوج است، ولی پرداخت مخارج مسافرت به دلیل ادای فریضه‌ی شرعی، بر شوهر واجب نیست.

در مورد هزینه‌ی زایمان و این که آیا مشمول قانون ۱۱۰۷ قانون مدنی می‌شود و با تمکین یا نشوز زن تفاوت حکم پیدا خواهدشد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد؛ قانون مدنی ایران در مورد مخارج زایمان ساکت است و لذا با توجه به اصل یک‌صد و شصت و هفتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید، لزوماً باید در منابع فقه اسلامی حل قضیه را جست‌وجو نمود. هرچند فقها در خصوص نفقات و حدود آن در کتب خود فصلی مشع باز نموده، لیکن هیچ یک به‌تصریح در مورد هزینه‌ی زایمان سخن نگفته‌اند. در مورد مخارج درمان و معالجات که به‌رحال بر زایمان نیز شمول دارد از فقهای متأخر، *اصفهانی* معتقد است که مخارج درمان بیماری‌هایی که در طول عمر، نوعاً انسان به آن مبتلا می‌شود به عهده‌ی شوهر است؛ اما مخارج بیماری‌های غیرمعمول و صعب‌العلاج از جمله‌ی نفقات واجب نیست. همین نظر در *تحریر الوسیله* مورد قبول قرار گرفته (موسوی الخمینی ۱۹۶۵م)؛ لکن موسوی خوئی در کتاب *منهاج‌الصالحین* پیش‌تر رفته، هزینه‌ی هر نوع بیماری را جزء نفقات واجب شمرده‌است؛ حتی مخارج سفری که برای علاج ضرورت دارد از جمله نفقات واجب می‌دانند (موسوی خوئی ۱۴۱۰ق). برخی از فقها با استناد به آیه‌ی «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف»<sup>۱</sup> (قرآن: بقره: ۲۳۲)، عرف را ضابطه‌ی تشخیص نفقه دانسته‌اند. به‌رحال تردید نیست که مخارج زایمان از نظر عرف جزء نفقه محسوب می‌شود. به‌علاوه، از وجوب نفقه برای مطلقه‌ی حامل تا وضع حمل، حتی در طلاق بائن، که در غیر حمل نفقه به آن تعلق نمی‌گیرد، مسلم است که این وجوب از باب حامل بودن زن است و مخارج وضع حمل بی‌هیچ تردید از تبلیغات حمل و بر عهده‌ی زوج است و این الزام در این مورد به‌خصوص منوط به تمکین نیست؛ زیرا وجوب نفقه از باب حمل است چنان‌که در طلاق خلع که اصولاً به‌لحاظ

<sup>۱</sup> و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته بپردازد.

عدم تمکین واقع می‌شود و یا در عده‌ی وفات که تمکین در آن مطرح نمی‌باشد نفقه واجب نیست؛ لکن در صورت حامل بودن زن، باید تا وضع حمل برداشت شود. این معنی نیز به‌وضوح از ماده‌ی ۱۱۰۹ قانون مدنی مستفاد می‌شود» (اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه ۱۳۶۱).

آنچه اهمیت دارد این است که شوهر، به‌عنوان رئیس خانواده، باید تأمین معاش زن و فرزندان خود را عهده‌دار شود. از آن‌جا که تحول شیوه‌ی زندگی، هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد، این نیازها را نمی‌توان در چهارچوبی معین محصور کرد و ناچار باید دآوری را به عهده‌ی عرف گذارد؛ برای مثال، هزینه‌های درمان و داروی زن نیز جزء نفقه و به عهده‌ی مرد است؛ بنابراین در تعریف نفقه‌ی زن می‌توان گفت: «تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه‌ی تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است و تشخیص این‌که کدام وسیله را بایستی از ارکان نفقه شمرد، با عرف است و ملاک ثابتی ندارد.» (کاتوزیان ۱۳۷۲:۱۸۷).

در قوانین مسیحیان، بیش‌تر به حالت زوج توجه شده‌است؛ چنان‌که در قوانین لبنان برای پروتستان‌ها (ماده‌ی ۳۰)، سریانی‌ها (ماده‌ی ۳۴)، و ارمنیان (ماده‌ی ۴۷) حالت زوج و استطاعت مالی او معیار تعیین مقدار نفقه است (کاتوزیان ۱۳۷۲:۱۸۷) و در آیین‌نامه‌ی اقلیت‌های مسیحی ایران، ارامنه‌ی گریگوریان (ماده‌ی ۳۷)، ارامنه (ماده‌ی ۴۴)، و ارتودوکس (ماده‌ی ۲۱) نیز همین قانون حکم‌فرما است. تنها در مقررات کلیسای پروتستان (ماده‌ی ۴۸) است که مقدار نفقه به‌طور متعارف و متناسب با وضع مالی زوجین تعیین شده‌است (شریف ۱۳۴۶:۱۵۵-۱۶۰).

در کشورهای اسلامی مانند مصر (ماده‌ی ۱ قانون صادره ۱۹۲۱/۱۲/۷)، تسلیم شدن زوجه به شوهر را دلیل وجوب نفقه می‌دانند، اما در قانون سوریه (م ۷۲ ق احوال شخصیه) و عراق (م ۲۳ ق احوال شخصیه)، نفقه را از هنگام عقد صحیح واجب می‌دانند، هرچند که زوجه در منزل پدرش ساکن باشد؛ مگر این‌که شوهر او را به منزل خویش دعوت کند و او بدون عذر شرعی امتناع ورزد. در این قانون، پرداخت نکردن مهریه و نفقه، یا فراهم نکردن منزل مناسب، در عدم انتقال به منزل شوهر، عذر شرعی محسوب می‌شود (مجله‌ی احوال شخصیه، فصل ۳۸).

از نظر شرعی اندازه‌ی خاصی برای نفقه مطرح نیست و ملاک، فراهم کردن خوراک، پوشاک، و نیازهای زندگی است؛ اما در ماده‌ی ۱۱۰۷۰ ملاک تعیین نفقه، وضع زن قرار داده‌شده‌است، که به نظر بعضی از فقها و حقوق‌دانان، وضع مالی شوهر نیز باید مورد توجه قرار گیرد (مغنیه ۱۴۲۰:۳۲۳).



در مورد شیوهی پرداخت نفقه، بسیاری از فقها معتقد اند زن حق انتخاب هر یک از دو صورت زیر را دارد (حلی ۱۳۷۳: ج ۲: ۳۵۰):

- ۱- زن نفقه‌اش را روزانه طلب کند، مرد پردازد، و زن شخصاً آن را هزینه کند.
- ۲- زوج با تأمین هزینه‌های زندگی، به‌طور مشترک با زوجه در یک خانه زندگی کند؛ در این صورت زوجه نمی‌تواند نفقه‌اش را به‌طور جداگانه مطالبه کند.

### عوامل سقوط نفقه در اسلام و غرب

مطابق ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی «هرگاه زن، بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود» (جعفری لنگرودی ۱۱۰: ۱۳۵۵). امتناع از وظایف زوجیت را، چه از جانب زوج و چه از جانب زوجه، نشوز می‌نامند و مرد امتناع‌کننده، ناشز، و زن امتناع‌کننده، ناشزه خوانده می‌شود. ماده‌ی بالا نشان‌دهنده‌ی نشوز زوجه از زوج، یعنی خروج از طاعت زوج در امور واجب است، که علاوه بر عدم تمکین خاص، شامل مواردی مثل خروج از منزل، بدون اجازه‌ی زوج و عدم سکونت در منزل مناسب نیز می‌شود. در صورتی که زن دارای مانع مشروع نباشد، نشوز، ساقط حق نفقه است. مانع مشروع به آن دسته عذرهای شرعی گفته می‌شود که زن با وجود آن‌ها از انجام وظایف معذور است و طبق ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی، شامل موارد زیر است (بشری قمی ۱۱۰: ۱۳۷۶):

- ۱- برای یک مورد هم تمکین نکرده باشد؛
  - ۲- حالت حیض و نفاس؛
  - ۳- روزه‌ی واجب؛
  - ۴- عمل واجبی که وقت مضیق دارد؛
  - ۵- کسالتی که پزشک او را از انجام آمیزش بازداشته است.
- بدین ترتیب در قوانین مدنی، هنگامی که عدم ایفای وظایف زناشویی به‌وسیله‌ی زن ثابت شود، دادگاه به‌عنوان مجری قانون، او را ناشزه اعلام می‌کند و نفقه‌ی زن ناشزه از زمان امتناع قطع می‌شود.
- قانون‌گذار، سکونت زن را در خانگی که شوهر تعیین کرده است، نشانه‌ی این می‌داند که زن به وظایف زوجیت نسبت به شوهر عمل کرده است؛ مگر آن‌که زن، خلاف آن را اقرار کند؛ مثلاً چنانچه زن با وجود هم‌زیستی با مرد در یک خانه به‌صراحت اعلام کند که به‌هیچ‌روی تن به هم‌خوابگی با شوهر خود نمی‌دهد، همین اقرار روشن می‌تواند پایه‌ی صدور حکم دادگاه مبنی بر ناشزه بودن او و عدم تعلق نفقه شود.

حقوق‌دانان در تعریف تمکین به دو مفهوم توجه دارند؛ اول، تمکین عام که به‌خصوص در ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی مورد نظر قانون‌گذار است و شامل حسن معاشرت، مراعات شئون و منزلت شوهر، احترام به او در مراجعات و رفت و آمد به خانه، و حفظ آرایش، پاکیزگی، زیبایی، و خوش‌رفتاری در برابر شوهر می‌شود؛ به‌طوری که با سن زن و شوهر، شغل، و شخصیت اجتماعی آن دو تناسب داشته‌باشد، و دوم، تمکین خاص، که فقط به مفهوم هم‌خوابگی با شوهر است و پرداخت نفقه به آن بستگی دارد که زن از هم‌خوابگی امتناع نکند. در بیان تمکین با مفهوم خاص، ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی روشن‌گر است: «زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده، از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این‌که مهر او حال باشد و این امتناع ساقط حق نفقه نخواهد بود.» ارتداد زوجه نیز از جمله‌ی مواردی است که موجب ساقط شدن نفقه می‌شود؛ اما چنان‌چه از ارتداد بازگردد، از او پذیرفته‌است و مرد موظف به پرداخت نفقه خواهد بود (حلی ۱۳۷۳: ۲: ۳۵۰).

مورد دیگری که در آن نفقه وجود ندارد، نفقه‌ی مطلقه است، که در قانون مدنی نیز آمده‌است (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۰۹). «نفقه‌ی مطلقه‌ی رجعیه در زمان عده بر عهده‌ی شوهر است؛ مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده‌باشد؛ لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق باین باشد زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود، که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.» (موسوی الخمینی ۱۹۶۵: ۳۱۸). در این مورد، نظر درست این است که نفقه برای حامل است نه حمل؛ به دلیل آیه‌ی شریفه‌ی «انفقو علیهن»<sup>۱</sup> (قرآن: طلاق: ۶) و فرمایش امام<sup>۲</sup> «علیه نفقتها»<sup>۳</sup> (مغنیه ۱۴۲۰: ۳۲۰)، که هر دو ظهور در نفقه‌ی حامل دارند نه حمل؛ وانگهی در نظر عرف، حمل، موضوع نفقه نیست و قانون مدنی نیز نظر مشهور را پذیرفته‌است (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۳۶۴).

موارد دیگر سقوط نفقه، در ماده‌ی ۱۱۱۰ قانون مدنی با مضمون «در عده‌ی وفات، زن حق نفقه ندارد» (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۱۱)، و نیز در ماده‌ی ۱۱۱۳ قانون مدنی با این عبارت که «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد؛ مگر این که شرط شده یا آن که عقد، مبنی بر آن جاری شده‌باشد» ذکر شده‌است. هرگاه در ضمن عقد نکاح منقطع، زوج به دادن نفقه تعهد کند، نام آن، شرط ضمن عقد است و اگر قبل از عقد آن تعهد را انجام دهد، آن را شرط «بنایی» یا شرط «تبانی» نامند که باید صراحت کافی داشته‌باشد و ارتباط

<sup>۱</sup> نفقه‌ی آنان را بپردازید.

<sup>۲</sup> نفقه‌ی زن بر عهده‌ی مرد است.



عقد با آن شرط محرز و مسلم باشد. علت صحت آن این است که شرط مزبور نه مخالف شرع است و نه خلاف مقتضای عقد (همان: ۱۱۲).

در حقوق ایالات متحده در صورت ازدواج دوباره‌ی همسر، نفقه‌ی او قطع می‌شود؛ مگر آن‌که دادگاه (هنگام طلاق)، رأی دیگری صادر کند.

### استنکاف از پرداخت نفقه از سوی شوهر و کیفر آن

اگر شوهر برای مدتی نفقه زن را نپردازد مدیون او است و همواره زن می‌تواند نفقه‌ی گذشته را، که جزء دیون ممتاز محسوب می‌شود، مطالبه کند. طبق ماده‌ی ۱۲۰۶ قانون مدنی، زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه‌ی زمان گذشته‌ی خود اقامه‌ی دعوی کند و طلب او از بابت نفقه‌ی مزبور، طلب ممتاز، و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن، مقدم بر غرما خواهد بود (مهریور ۱۳۷۹: ۴۳). هم‌چنین در ماده‌ی ۱۱۱۱ قانون مدنی نیز آمده‌است: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه، به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.» (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۵۶).

یکی از موارد نشوز زوج، خودداری او از پرداخت نفقه‌ی زن است که در این صورت همانند سایر دیونی که در صورت مطالبه از سوی داین و عدم پرداخت، حاکم، مدیون را ملزم به پرداخت می‌کند، در این جا نیز حاکم، نخست به زوج دستور می‌دهد که نفقه‌ی زوجه‌اش را بپردازد و چنانچه باز هم از اجرای دستور تخلف کند به اندازه‌ی نفقه‌ی زوجه از اموال او گرفته و در اختیار زوجه قرار داده می‌شود (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۵۶)؛ چون ترک انفاق از معاصی الهی است و حاکم می‌تواند زوج را به خاطر ارتکاب معصیت تعزیر کند (موسوی الخمینی ۱۹۶۵: ۳۰۶).

به موجب ماده‌ی ۱۰۵ قانون تعزیرات نیز ترک انفاق جرم است، ولی رسیدگی به امر اجرایی موضوع این ماده، در همان دادگاه مدنی خاص است. نکته‌ی دیگر این‌که هرگاه شوهر علاوه بر زن خود افرادی دیگر را نیز به حکم قانون تحت سرپرستی داشته و موظف به تأمین زندگی ایشان باشد، اما نتواند نفقه‌ی همه‌ی این افراد را بپردازد، تأمین زندگی زن بر دیگران مقدم است (عراقی ۱۳۶۹: ۷۹-۸۰).

ماده‌ی ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ دستور می‌دهد «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه‌ی زن خود را در صورت تمکین ندهد و یا از تأدیه‌ی نفقه‌ی

سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید».

ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی نیز، بر اجرای تکلیف شوهر بر پرداخت نفقه تأکید دارد: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه‌ی زمان گذشته‌ی خود اقامه‌ی دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه‌ی مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود، ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه‌ی نفقه نمایند». با آن‌که ظاهر عبارات قانونی در مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی متوجه تأمین رفاه زنان است، اما این تکلیف هنگامی الزامی می‌شود که زن طبق مفاد ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی به وظایف زوجیت عمل کرده باشد؛ بنابراین ضروری است تا در قدم اول، منظور قانون‌گذار را از «وظایف زوجیت» بشناسیم. آنچه ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی بدان توجه دارد این است که زن امکانات جسمانی خود را برای تمتع جنسی مرد از او دریغ نکند و نظر به این‌که احراز این موضوع برای دادگاه سهل و ساده نیست، رویه چنان است که هم‌زیستی زن با شوهر زیر یک سقف و در یک واحد مسکونی به این تعبیر شود که زن از ادای وظایف زوجیت خودداری نکرده است.

در بریتانیا دادگاه می‌تواند حکمی صادر کند مبنی بر پرداخت نفقه و یا انتقال ملک یا مال از یکی از زوجین به دیگری، که نفقه‌ی مربوط به هزینه‌ی خانه به مدت کم و بیش طولانی و به صورت ماهانه و یا سالانه پرداخت می‌شود. در چنین مواردی، دادگاه هر یک از دو طرف را، با در نظر گرفتن وضعیت ویژه‌ی او، در شرایط اقتصادی مشابه قبل از طلاق قرار می‌دهد؛ همانند آن‌که هر یک از آن‌ها به تعهدات خود نسبت به دیگری عمل نکرده باشد و طلاق گسستی است که بر وابستگی اقتصادی میان زن و شوهر نقطه‌ی پایان می‌گذارد (نادی ۱۳۷۶:۹۹).

در آلمان نفقه‌ی که شوهر برای اداره‌ی خانه می‌دهد از عوامل طلاق، مستقل است. نفقه‌ی ماهانه باید بر اساس انصاف و این‌که آیا زوجی که با بچه‌ها به سر خواهد برد، قادر به اداره‌ی آنان با درآمد شغلی و یا ثروت فردی خود خواهد بود یا خیر، در نظر گرفته شود. (نادی ۱۳۷۶:۹۹).

### نفقه از دیدگاه اسلام و فلسفه‌ی وجوب آن

در قوانین اسلامی، نفقه یک نهاد حقوقی-امضایی است و با آن‌چه در دنیای غیراسلامی جاری است، تفاوت دارد. نفقه در پاره‌یی از ادیان و اعصار پیش از اسلام نیز وجود



داشته‌است، اما اسلام آن را با بلندنظری ویژه تثبیت بخشید و تفکیکی قابل‌ملاحظه میان نهاد نفقه و نهاد برده‌داری قائل شد. علاوه بر تثبیت نهاد نفقه در میان مسلمانان، تلاش بلندنظرانه‌ی اسلام برای محو تدریجی نهاد برده‌داری نیز ستایش‌برانگیز است (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

این دین، حتا در تلقی زمان ظهور خود، میان دادن حق نفقه به زنان از یک سو و تعهدات و تکالیف مادی جبران‌کننده‌ی برای آنان از سوی دیگر ارتباطی برقرار نمی‌کند. شریعت اسلام، برخلاف پاره‌یی از مکاتب فمینیستی—که بر استقلال اقتصادی زن پای می‌فشارند—با وجود حمایتی که از خانواده به عمل می‌آورد، روی استقلال اقتصادی زن خط بطلان نمی‌کشد و این حمایت را نه فقط بر اساس چهارچوبی حقوقی، بلکه بر پایه‌یی اخلاقی نیز استوار می‌سازد؛ چنان که حتا گاه پس از گسست پیوند زناشویی، تا زمانی که زن در عده به‌سر می‌برد، زوج را به پرداخت نفقه و نیز تهیه‌ی مسکن جداگانه‌ی متناسب با شأن زن مکلف می‌کند (مکی ۱۴۰۶:ق:۸۶-۸۸) و در هر حال شوهران را از بیرون کردن زنان مطلقه از خانه‌های خود، به‌جز در صورت ارتکاب فحش‌های آشکار، باز می‌دارد (طلاق)؛ بدین ترتیب از شیوه‌ی بیان آیه‌ها و لحن خطابه‌های قرآن و متون دینی اسلام می‌توان دریافت که در زندگی زناشویی و جمع خانوادگی، مرد مسئول کسب مال و فراهم کردن اسباب زندگی است و زن از این جهت مسئولیتی ندارد (مهرپور ۱۳۷۴: ۲۳۶).

### ملاک نفقه چیست؟

قانون خلقت، برای این‌که زن و مرد را بهتر و بیش‌تر به یک‌دیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را، که پایه‌ی اصلی سعادت بشر است، استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یک‌دیگر آفریده‌است و اگر از جنبه‌ی مالی، مرد را نقطه‌ی اتکای زن قرار داده، از جنبه‌ی آسایش روحی نیز زن را نقطه‌ی اتکای مرد کرده‌است، تا این دو نیاز مختلف آن‌ها را بیش‌تر با یک‌دیگر نزدیک و متحد کند (مطهری بی‌تا: ۲۰۷ و ۲۱۶) و فلسفه‌ی وجوب نفقه این است.

برخی آیات صریحاً و بعضی با استفاده از تفاسیر و روایات بر وجوب نفقه دلالت دارند که ما به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»<sup>۱</sup>  
(قرآن: نساء: ۳۴).

در تفسیر این آیه، طباطبایی «قیم» را «هو الذی یقوم لامر غیره» معنا می‌کند، یعنی کسی که عهده‌دار مخارج دیگری شده او را مورد انفاق قرار می‌دهد. قوام و قیام نیز صیغه‌ی مبالغه‌ی آن است و منظور از «بما انفقوا» نیز، انفاق در مهریه‌ی همسران و نفقه‌ی آنان است (طباطبایی ۱۳۷۱: ۴: ۵۰۷). طوسی نیز «بما حفظ الله» را که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه آمده‌است («فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله»)<sup>۲</sup>، به آنچه خداوند برای آنان در مهریه‌هایشان و در الزام زوج به نفقه‌ی ایشان مقرر کرده‌است تفسیر می‌کند (طوسی بی‌تا).

«و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها»<sup>۳</sup> (قرآن: بقره: ۲۳۳).  
طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «معنای آیه این است که بر پدر طفل، خوراک و پوشاک مادر، فرزندش، که او را طلاق داده واجب است، تا زمانی که مادر، فرزند را شیر می‌دهد.» (طوسی بی‌تا: ج ۲: ۲۵۶)، که این مسئله برای آرامش روحی مادر و پرداختن به پرستاری و تربیت فرزند بسیار اهمیت دارد. در این زمان که رابطه‌ی زناشویی قطع شده‌است، طبعاً نباید هزینه‌ی زندگی مادر پرداخته‌شود، چرا که نفقه، حق زینت بخشیدن به آشیانه‌ی مرد است و اینک آشیانه‌ی او از هم پاشیده شده‌است و لزومی ندارد نفقه برای زن ادامه پیدا کند. با این وجود، اسلام رعایت حال مادر و فرزند را در نظر دارد و می‌داند که تغذیه‌ی جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد. بنابراین، حق نگهداری و سرپرستی را بر عهده‌ی مادر می‌گذارد، تا عواطف مادری را نیز رعایت کرده‌باشد.

«اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم و لا تضاروهن لتضیقو علیهن و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعهن حملهن»<sup>۴</sup> (قرآن: طلاق: ۶).

چنانچه ملاحظه می‌شود، این آیه به وجوب نفقه برای مطلقه‌ی حامله تصریح می‌کند، چه رجعیه و چه اجماعاً. پس وقتی چنین مطلقه‌ی مستحق نفقه باشد، به طریق اولاً، همسری که هنوز در علقه‌ی زناشویی شخص به سر می‌برد و عضو کانون خانواده محسوب می‌شود مستحق نفقه خواهدبود (طباطبایی ۱۳۷۱: ۱۹: ۶۳۸).

<sup>۱</sup> مردان سرپرست زنان اند؛ به سبب تفاوت‌هایی که خداوند [از نظر آفرینش. روی مصلحت. نوع بشر] میان آن‌ها قرار داده‌است و نیز به‌خاطر تمهیداتی که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند.  
<sup>۲</sup> پس زنان. درست‌کار فرمان‌بردار اند [و] به پاس آن‌چه خدا [برای آنان] حفظ کرده‌است اسرار. [شوهران. خود] را حفظ می‌کنند.  
<sup>۳</sup> و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته [در مدت شیر دادن و حتا اگر طلاق گرفته‌باشد] بپردازد. هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست [نه مادر به‌خاطر نگهداری فرزند به زبان و زحمت افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود].  
<sup>۴</sup> پس از طلاق، زنان را در منزلی که مقدر شما است سکن دهید و به آنان ضرر نرسانید تا آن‌ها را به تنگ آورید و چنانچه حامله باشند تا زمان وضع حمل نفقه‌ی آنان را بپردازید.





روایات در این زمینه بسیار است؛ به خصوص که چنین مسئله‌ی اجماعی است و تمام فقهای خاصه و عامه در مورد وجوب نفقه‌ی زوجه اتفاق نظر دارند. در زیر نمونه‌هایی از این روایات آورده شده است:

پیامبر اکرم<sup>ص</sup> در خطبه‌ی حجة‌الوداع، در مورد حق زن بر شوهر فرمود: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف»<sup>۱</sup> (عاملی ۱۰۳۴: ج ۵: باب ۱). در این روایت علاوه بر وجوب اصل نفقه، به خوب بودن و شایسته بودن آن‌ها نیز تکلیف شده است. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «لمعون ملعون من ضیع من یعول»<sup>۲</sup>.

### استقلال اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام و غرب

«لررجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن»<sup>۳</sup> (قرآن: نساء: ۳۷). خداوند در این آیه‌ی کریمه، همان‌طور که مردان را در نتایج کار و فعالیت‌شان دارای حق می‌داند، زنان را نیز در نتیجه‌ی کار و فعالیت‌شان دارای حق می‌شمرد. در آیه‌ی دیگر نیز می‌فرماید: «و لرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون»<sup>۴</sup> (قرآن: نساء: ۳۳)، که در این آیه، حق ارث بردن را نیز برای زنان تثبیت می‌کند (ارث بردن یا نبردن زن تاریخچه‌ی مفصل دارد که در این مختصر نمی‌گنجد).

و اما در اروپا، دوران *دوران* می‌گوید: «نخستین قدم برای استقلال مالی و آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی‌سابقه‌ی برخوردار می‌شدند و آن، این‌که پولی را که به دست می‌آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون اخلاقی، عالی، و مسیحی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به حال سودجویی مقاومت‌ناپذیری، آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نید و گرفتار بندگی و جان‌کندن در کارخانه و مکان‌های مختلف دیگر کرده است.» (دوران ۱۳۷۲: ۱۵۸).

با کمی دقت متوجه می‌شویم که قرآن کریم سیزده قرن، قبل از اروپا به زن استقلال اقتصادی داد با این تفاوت که:

<sup>۱</sup> پس بر شما باد خوراک و پوشاک زنان‌تان، با نیکی و شایستگی.  
<sup>۲</sup> لعن و نفرین است بر کسی که خانواده و عائله‌ی خویش را ضایع کند (یعنی حقوق آنان را تضییع کند یا هزینه‌های زندگی آن‌ها را تأمین نکند).  
<sup>۳</sup> مردان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند بهره‌ی است و زنان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند بهره‌ی است.  
<sup>۴</sup> مردان را از مالی که پدر، مادر، و خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می‌گذارند بهره‌ی، و زنان را هم از آنچه پدر، مادر، و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند بهره‌ی است.

۱- انگیزه‌یی که سبب شد غرب به زن استقلال اقتصادی بدهد، مانند اسلام برخاسته از جنبه‌های انسانی و عدالت‌دوستی و الهی نبود و در انگلستان تنها بعد از تصویب این قانون بود که اعلام کردند که ما حق زن را به رسمیت شناختیم و حقوق زن را مساوی حقوق مرد دانستیم.

۲- اسلام به زن استقلال اقتصادی داد، اما به قول دورانت (۱۳۷۷) خانه‌براندازی نکرد. اسلام با این دو آیه، یک انقلاب عظیم اجتماعی آرام، بی‌ضرر، و بی‌خطر را به وجود آورد.

۳- دنیای غرب، به قول دورانت (۱۳۷۷)، زن را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نید و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرد، ولی اسلام با الزام مرد به تأمین بودجه‌ی خانوادگی، زن را از هر نوع اجبار و الزام برای تأمین مخارج خود و خانواده معاف کرد. زن در اسلام در عین این که حق دارد طبق غریزه‌ی انسانی خود به تحصیل ثروت و حفظ و افزایش آن بپردازد، زیر فشار جبر زندگی قرار نمی‌گیرد و غرور و جمال و زیبایی، که همیشه باید با اطمینان خاطر همراه وی باشد، از او گرفته نمی‌شود.

اصلاحات در ایالات متحده، از صد سال پیش، هنگامی که قانون‌گذاران ضرورت اصلاح قوانین راجع به وضع زنان شوهردار را دریافتند، آغاز شد و قوانینی جدید، که قوانین رفع حجر زنان<sup>۱</sup>، یا قوانین رفع حجر زنان شوهردار<sup>۲</sup> نامیده می‌شد، جای‌گزین قوانین قبل شد. این قوانین، یک‌نواخت نیستند، ولی هدف مشترک آن‌ها این است که به زن، شخصیت حقوقی خاصی ببخشند و او را از حق مالکیتی جدا از مالکیت شوهر برخوردار سازند. آن‌ها می‌خواهند که برای زن حق تصرف مستقل در اموال منقول و غیرمنقول و نیز حقوق معنوی خود را قائل شوند و به او اجازه دهند که به‌عنوان خواهان یا خوانده، بتواند بدون دخالت شوهر به دادگستری مراجعه کند. علاوه بر آن، این قوانین زنان را مسئول جرم و شبه جرم خود نیز قرار می‌دهند.

این قوانین در بعضی موارد دچار تغییراتی نیز شده‌است و گاه دولت به جای شوهر قرار می‌گیرد. در اروپای امروز افرادی وجود دارند که طرفداری از آزادی زن را به جایی رسانده‌اند که از بازگشت دوره‌ی «مادرشاهی» و طرد پدر از خانواده به طور کامل دم می‌زنند. به عقیده‌ی آن‌ها، با استقلال کامل اقتصادی زن و تساوی با مرد در همه‌ی شئون، در آینده پدر عضو زائد شناخته خواهد شد و برای همیشه از خانواده حذف می‌شود. در عین حال، این افراد دولت را دعوت می‌کنند که جانشین پدر شود و به مادران، که قطعاً حاضر نخواهند بود به‌تنهایی تشکیل خانواده بدهند و همه‌ی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرند،

<sup>1</sup> Women's Emancipation Acts

<sup>2</sup> Married Woman's Emancipation Acts



پول و مساعده بدهد تا از بارداری جلوگیری نکنند؛ بدین ترتیب به طور کلی وظایف و حقوق پدر به دولت منتقل می‌شود (مطهری بی‌تا: ۴۲۴).

### نگاهی به موقعیت زن امروز و نفقه

با توجه به مطالب گفته شده، مشخص شد که از نظر اسلام تأمین هزینه‌ی خانوادگی و از جمله مخارج شخصی زن، به عهده‌ی مرد است و زن هرچند که دارای ثروتی هنگفت و چندین برابر شوهر باشد، از این نظر مسئولیتی ندارد و شرکت وی در پرداخت هزینه‌ها، چه از لحاظ پولی که بخواهد خرج کند و چه از لحاظ کار و وقتی که بخواهد صرف کند، اختیاری و وابسته به میل و اراده‌ی خود اوست.

از نظر اسلام با این‌که هزینه‌ی زندگی زن جزء هزینه‌ی خانوادگی و بر عهده‌ی مرد است، مرد حق هیچ‌گونه تسلط اقتصادی و بهره‌برداری از نیرو و کار زن را ندارد. نفقه‌ی زن از این جهت مانند نفقه‌ی پدر و مادر است که در مواردی خاص بر عهده‌ی فرزند است و فرزند در مقابل این وظیفه که انجام می‌دهد هیچ گونه حقی از نظر استخدام پدر و مادر پیدا نمی‌کند (مطهری بی‌تا: ۲۳۰).

اسلام به شکلی بی‌سابقه، در مسائل مالی و اقتصادی جانب زن را رعایت کرده‌است؛ از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال، کار، و حق قیومیت در معاملات زن، کوتاه کرده‌است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تأمین هزینه‌ی خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دودن به دنبال پول معاف کرده‌است؛ البته در این میان، افرادی با فلسفه‌ی نفقه مخالفت می‌کنند و پرداخت نفقه به زن را از جانب مرد به معنای به بردگی گرفتن او می‌دانند؛ ولی ناگفته پیدا است که یا اطلاع کافی ندارند و یا دارای غرض و هدفی خاص اند.

### نتیجه و خلاصه‌ی بحث نفقه

از نظر اسلام، حقوق و وظایف زن و شوهر در زندگی زناشویی تفاوت‌هایی با هم دارد و خاستگاه این تفاوت‌ها، وضع طبیعی، و ساختمان و خصایص جسمانی و روانی آنان، با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی است. بر همین اساس، نفقه، همان‌گونه که در کتب فقهی و متون اسلامی به صراحت بیان شده، از تکالیفی است که به عهده‌ی مرد گذاشته شده‌است و در صورت عدم پرداخت، حاکم به حکم قانون شرع او را مجبور به انجام این کار خواهدکرد و علاوه بر عقوبت دنیایی، کیفر اخروی را نیز در پی خواهدداشت.

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۳۷۴ق. *لسان العرب*. چاپ ۴۱. بیروت: دارالفکر.
- اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه. ۱۳۶۱. «نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۱۹۸۴، ۶۱/۴/۲۳».
- امامی، سیدحسین. ۱۳۷۸. *شرح حقوق مدنی*. ج ۲. چاپ ۲۰. انتشارات اسلامیة.
- جریری، عبدالحمان بن عرض. ۱۴۱۷ق. *الفقه علی المذاهب الاربعه*. دارالاحیاء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۵۵. *حقوق خانواده*. چاپ‌خانه‌ی حیدری.
- حکیم‌پور، محمد. ۱۳۸۲. *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*. تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن‌الحسن. ۱۳۷۳. *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و المحرام*. تهران: نشر استقلال.
- حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف. ۱۳۷۶. *تبصرة المتقین فی احکام دین*. برگردان علی محمدی. متمم چاپ ۴۲. دارالفکر.
- دورانت، ویل. ۱۳۷۷. *لذات فلسفه*. برگردان عباس زریاب. چاپ ۴۱. تهران: انتشارات فرهنگی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. بی‌تا. *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ ۴۲. انتشارات مرتضوی.
- شرتونی‌البنائی، سعید الخوری. ۱۸۸۹. *اقراب الموارد*. بیروت: چاپ‌خانه‌ی السیوعلیه.
- شریف، علی. ۱۳۴۶. «نقحه در ایران» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، تهران.
- شعرانی، میرزا ابولحسن. ۱۴۹۸ق. *تشرطوبی*. انتشارات اسلامیة.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۱. *المیزان فی تفسیر القرآن*. برگردان محمدباقر همدانی. چاپ ۴۸. انتشارات کانون.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. بی‌تا. *تفسیر البیان*. مکتب العلم الاسلامی.
- عاملی، شیخ محمد بن حسن الحر. ۱۳۰۴ق. *وسایل الشیعة*. انتشارات اسلامه.
- عراقی، عزت‌الله. ۱۳۶۹. *حقوق و زن در دوران ازدواج چیست؟* چاپ ۴۲. تهران: انتشارات راهنما.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. ۱۳۰۸ق. *القاموس المحیط*. چاپ سنگی. تهران.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۲. *حقوق مدنی (خانواده)*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- محقق داماد، سیدمصطفی. ۱۳۷۴. *بررسی فقهی حقوق خانواده*. چاپ ۴۵. تهران: نشر علوم‌الاسلامی.
- مطهری، مرتضی. بی‌تا. *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ ۴۸. انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد. ۱۴۲۰ق. *فقه الامام جعفر صادق ع*. انتشارات انصاریان.
- مقرئ الفیومی، احمد محمد بن علیف. بی‌تا. *المصباح المنیر*. بیروت: دارالفکر.
- مکی، شمس‌الدین محمد. ۱۴۰۶ق. *اللمعة الدمشقیة*. دارالناصر بن جا.
- مهرپور، حسین. ۱۳۷۹. *مباحثی از حقوق زن*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۴. *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- موسوی‌الحمینی، روح‌الله. ۱۹۶۵م. *تحریر الوسیلة*. جلد ۲. انتشارات اسماعیلیان.



- موسوی خمینی، روح‌الله، محمد فاضل لنکرانی، محمدتقی بهجت، و میرزا جواد تبریزی. ۱۳۷۸. *رساله‌ی توضیح‌المسائل چهار مرجع*. انتشارات پیام محراب.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۱۰ق. *منهاج‌الصالحین*. جلد ۲. چاپ ۴۲۸. قم: مدینه‌العلم.
- نادی، بن سعدون. ۱۳۷۶. حقوق زن از آغاز تا امروز. برگردان گیتی خرسند. تهران: انتشارات کویر.
- نجفی، شیخ حسن محمدباقر. ۱۳۷۷ق. *جواهرالحکام*. تصحیح شیخ‌عباس قوچانی. چاپ نجف.
- یثربی قمی، سیدعلی‌محمد. ۱۳۷۶. *حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- Goldstein, Joseph, and Jay Katz. 1965. *The Family and the Law*. New York, NY, USA: The Free Press.

### نویسنده

دکتر فهیمه ملک‌زاده،

عضو هیئت علمی دانشگاه  
malek900@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی دکتری فقه و حقوق اسلامی.

نزدیک به ۱۲ سال سابقه‌ی تدریس در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد داشته‌است. وی نگارنده‌ی کتاب‌هایی مانند *حقوق ازدواج در اسلام و برخی کشورهای غربی*، *نقش عاطفه در استحکام خانواده*، *طلاق و آسیب‌شناسی جامعه*، *اصطلاحات تشریحی حقوق تجارت*، *بیع و وقف*، و همچنین مقالاتی درباره‌ی موضوعات مختلف فقهی و حقوقی و به‌ویژه خانواده بوده‌است. از دیگر کارهای علمی و پژوهشی وی، می‌توان طرح پژوهشی «انواع ازدواج و استحکام خانواده» را نام برد.

## خواننده‌ی گرامی

برای خرید فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان*، فرم زیر را پر کنید و به نشانی تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء، پژوهشکده‌ی زنان، دفتر فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* بفرستید. هم‌چنین، بهای اشتراک شماره‌های درخواستی را به حساب شماره‌ی ۹۰۰۲۵، نزد بانک ملی، شعبه‌ی دانشگاه الزهراء واریز و فیش بانکی آن را به پیوست ارسال کنید.

بهای اشتراک:

سالانه ۲۰'۰۰۰ ریال

تک‌شماره ۷'۵۰۰ ریال

### برگ درخواست اشتراک

✍

لطفاً نام این سازمان / این جانب ..... را در  
فهرست مشترکان فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* ثبت و به تعداد ..... نسخه‌ی مجله را  
از شماره‌ی ..... سال ..... تا شماره‌ی ..... سال ..... به نشانی زیر ارسال کنید.

نشانی: .....

.....

.....

شماره تلفن: .....



Fahimé MalekZādé, PhD

## **The Nature of Alimony: An Analysis Using the Approach of the Present Laws of Irān and Those of Some Other Countries**

### **Abstract**

To create a conflict-free, healthy relationship between spouses, it is necessary to understand the spouses' responsibility and their statuses in that relationship. In the Islamic legal system, man and woman are not equal in the financial rights. Man is incumbent on paying the Mahr (the marriage portion) and all the life's expenses. But in the other legal systems this is not the case. For example in the Western law, financial responsibilities are divided equally between the man and woman.

The present article deals with: the unilateralist philosophy of such right in Emāmiyé's rights, its characteristics and limits, the religious and legal guarantees of such obligation, and the question that on what verdicts of the law such commitment is based? This article thus examines the limits of paying alimony, unilateral payment of the alimony by the husband, and executive, canonical, and legal warranty of this obligation. It is thought that the scientific explanation and argumentation of the issue can help resolve many of the challenges by which the family legal system is faced.

**Keywords:** *Expenses; Female Spouse; Male Spouse; Obedience; Shrew; Woman's Financial Independence; Financial Right; Obligation;*

Fātemé Bahrāmī, PhD  
Department of Psychology, University of Esfahān

## **The Effectiveness of an Educational Workshop on Gender Stereotypes between Esfahān's Males and Females**

### ***Abstract***

The stereotypic images about gender are static and stable views that resist change and are thus repeated and reproduced. These stereotypes which are universal and common include subjectivities that are static and stable, and usually lack scientific foundation. Yet they play an important role in our understanding of the self and of others. This research concerns the examination and comparison of different types of gender stereotypes between male and female. The sample included 45 female (under 45-70 year) 30 housekeeper female (45-70 year old), 30 male (under 45-70 year old), 30 males (45-70 years old). The subjects were selected randomly by cluster sampling. The instrument of study was Williams and Snell's (1994) the beliefs about female scale this scale comprises 15 subscales.

Internal consistency on 150 individuals was 0.92 by Cronbach's Alpha and validity was 0.83 by correlation with dysfunctional attitude scale (power et al, 1994). The result showed that between gender stereo types in male and female there are significant differences in sub-scales (dominating, passive, vulnerable, emotional insight, interpersonal relationship, logical intelligence, problem solving power, appearance conscious, moral tendencies, irrational behaviours. In all of them, males have more stereotypes expect irrational behaviours.

***Keywords:*** *Gender Stereotypes; Gender; Sex;*





AmirMozaffar Aminī, PhD

Department of Rural Development, Esfahān University of Technology

MohammadAlī Ahmadī ShāpūrĀbādī, MSc

MSc in Rural Development, Esfahān University of Technology

## Rural Women's Employment in Two Townships of Esfahān Province

### **Abstract**

This paper reflects the results of a survey-method research aimed at assessing the impact of women's occupation on their self-reliance in two Townships of Esfahān province: Borkhār-Meymé and Falāvarjān.

The samples were selected through the clustering Method. The information was gained out of the gathered data from 375 women within 20 rural setting categorized as: small, medium, large and very large. Based on the results, the economic factor—the urgent earning needs—is the major factor of occupation among 94 percent of the women. In addition, 45 percent did not receive their revenue directly themselves, and 63 percent did not have the right to expend their income.

Broadly speaking rural women in various occupation groups did not enjoy the same structure as that of economic self-reliance. Based on the data acquired, women's self-reliance correlates positively with the level of the women and their spouse's education. On the other hand it showed a negative correlation with age and prolongation of the marriage period. Occupation type of the rural women spouses also has had a meaningful effect on women self-reliance.

**Keywords:** *Rural Women; Self-Reliance; Occupation; Employment; Borkhār-Meymé; Falāvarjān;*

Sūsan Bāstānī, PhD

Department of Social Sciences, Al-Zahrā University  
Shahnāz Mizbān, MA  
MA in Researching

## **Gender Gap in Computer and the Internet Use: A Study among State-University Students in Tehrān**

### ***Abstract***

Today's world is a world of communication. The use and expansion of the internet has recreational, scientific, and educational dimensions. The internet has grown to the extent that experts are debating over the explosion of information. In this regard, a type of inequality appears in the form of "digital divide" that exists at global, national, and individual levels; at the global the gap is between the developed, developing, and poor countries with respect to the socio-economic status, race, gender, and the like.

The focus of this research is on the study of the digital divide between women and men with respect to the amount and type of computer and internet usage. The study has been performed using the survey method. The information has been gathered using the questionnaire. The study's population consists of undergraduate and graduate students (male and female) studying at state universities in Tehrān in the areas of engineering, social sciences, sciences and arts.

The findings indicate that there is a significant relation between gender and the amount and type of the internet use. Male student spend more time on the internet and on the use of computers. The type of usage is also different between males and female; female student prefer receiving and sending emails, and purchasing goods; while male student use the internet to gain information and read the news. Therefore, it can be concluded that in the same manner that women tend to keep their ties with friends, relatives, and family in the world, they use their online communications for the same reasons and less to gain information and news, as men do.

**Keywords:** *Gender Gap; Computer and the Internet Use; State Universities; Students; Digital Divide;*



Zohré Khosravī, PhD

Department of Psychology, Al-Zahrā University

Mitrā Khāqānī Fard, MA

MA in Women's Studies, Al-Zahrā University

## **Factors Relating to Mental Health of Women Employed in Managerial, Specialists, and Service Sectors**

### ***Abstract***

The present paper deals with factors pertaining to women's mental health who are employed in managerial, specialists and service sectors of non-governmental centres in Tehrān. Based on a list provided by the Ministry of Labour on non-governmental centres, among northern, southern, eastern, and western districts and centres, 400 testable persons were selected out of which 359 persons cooperated. The factors under study were: the degree of support rendered by the spouse (participation in household's tasks), satisfaction on different aspects of life, role conflict, coping modes, and emotional states as experienced through employment. The aim was to establish whether these factors had relationships with mental health.

The findings showed that coping through somatisation methods, life satisfaction, role conflict, income level, working hours, and negative emotional states experienced through employment were among the major psychological disorders. Likewise, the group of managers and the physicians, as compared to the specialists and the service group, showed more positive emotional states and higher life satisfaction levels. The service group, compared to other two groups, had experienced more psychological problems and more negative emotional state.

**Keywords:** *Mental Health; Employed Women; Spouse's Support; Coping Modes;*

Kāvūs Hasanlī, PhD  
Department of Persian Literature, University of Shirāz  
Qāsem Sālārī, MA  
PhD Student in Persian Literature, University of Shirāz

## Signs of the Iranian Feminism in *Simin Dāneshvar's* Works

### **Abstract**

In the Western countries since the 19<sup>th</sup> century, women's legal demands took shape in the form of feminist movements. These movements rapidly spread to the developing countries evolving in different types and forms.

*Simin Dāneshvar* is the first Iranian writer who, in all of her works and in different ways, seeks women's the lost rights. She explicitly calls herself a feminist believes in a type of Iranian and oriental feminism which lacks the exaggerated emphases put on and found in the Western feminism. *Daneshvar's* feminism openly includes and reflects some manifestations of the old patriarchy, male behavioural disorders, women's oppression, as well as their significance.

This essay avoids a deconstruction of *Daneshvar's* works and does not intend to search for feminist elements in deeper layers of her writing. Nonetheless, the essay attempts to retrieve the simple and transparent traces of feminism in her works and state them in a general classification.

**Keywords:** *Women; Feminism; Iranian Feminism; Western Feminism; Simin Dāneshvar; Feminine Writings; Patriarchy;*



# Abstracts

- Signs of the Iranian Feminism  
in *Simin Dāneshvar*'s Works** 132  
Kāvūs Hasanlī, PhD  
Qāsem Sālārī, MA
- Factors Relating to Mental Health of Women Employed in  
Managerial, Specialists, and Service Sectors** 131  
Zohré Khosravī, PhD  
Mitrā Khāqānī Fard, MA
- Gender Gap in Computer and the Internet Use:  
A Study among State-University Students in Tehrān** 130  
Sūsan Bāstānī, PhD  
Shahnāz Mizbān, MA
- Rural Women's Employment  
in Two Townships of Esfahān Province** 129  
AmirMozaffar Aminī, PhD  
MohammadAlī Ahmadī ShāpūrĀbādī, MSc
- The Effectiveness of an Educational Workshop  
on Gender Stereotypes between Esfahān's Males and Females** 128  
Fātemé Bahrāmī, PhD
- The Nature of Alimony:  
An Analysis Using the Approach of the Present Laws  
of Irān and Those of Some Other Countries** 127  
Fahimé MalekZādé, PhD

## Editorial Board

---

- Zahrā Afshārī, PhD** Professor, Al-Zahrā University  
**Fātemé Alāyī Rahmānī, PhD** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Hakimé Dabirān, PhD** Associate Professor, Tarbiyat-e Mo'alleh University  
**Shahin Gerāmī, PhD** Professor, South West Missouri State University (USA)  
**Shokūfé GolKhū, PhD** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Ahmad Ja'farNezhād, PhD** Associate Professor, University of Tehrān  
**Cathleen Kendall, PhD** Assistant Professor, Southampton University (UK)  
**Zohré Khosravī, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**MohammadSādeq Mahdavi, PhD** Professor, Shahid Beheshti University  
**Golnār Mehrān, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Zahrā Rahnavaḍ, PhD** Associate Professor, University of Tehrān  
**Khadijé Safirī, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Bāqer SārūKhānī, PhD** Professor, University of Tehrān  
**Homā ZanjānīZādé, PhD** Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

## Reviewers

---

- Zahrā Afshārī, PhD** Al-Zahrā University  
**Fātemé Alāyī Rahmānī, PhD** Al-Zahrā University  
**Hakimé Dabirān, PhD** Tabiyat-e Mo'alleh University  
**PūrānDokht Fāzeliyān, PhD** Tabiyat-e Mo'alleh University  
**Faribā HājAlī, PhD** Al-Zahrā University  
**Elāhé Hejāzī, PhD** University of Tehrān  
**Akram Khamsé, PhD** Al-Zahrā University  
**Fazilé Khānī, PhD** University of Tehrān  
**AliRezā Mohsenī Tabrizī, PhD** University of Tehrān  
**Khadijé Safirī, PhD** Al-Zahrā University  
**Hoeseyn Sha'bānAlī Famī, PhD** University of Tehrān  
**Seddiqé Vasmaqī, PhD** University of Tehrān  
**Homā ZanjānīZādé, PhD** Ferdowsi University of Mashhad

*In the Name  
of God*

# Women's Studies

**Vol. 5, No. 1**  
Spring and Summer 2007  
Serial No. 13

*A Peer Reviewed  
Quarterly Journal*

Al-Zahrā University  
Women's Research Centre

**Publisher** *Al-Zahrā University*  
**Chief Executive** *Zohré Khosravī, PhD*  
**Chief Editor** *Khadijé Safirī, PhD*

**Persian Editor** *Pāntéā Mohaghegh*  
**English Editor** *MohammadHoseyn Hāshemī*  
**Layout Designer** *Vafā Sarmast*  
**Cover Designer** *Ashraf MūsaviLar*  
**Editorial Secretary** *Kobrā Mehrābī Kūshkī*

**Publication Frequency** *Quarterly*  
**Publication Permit No.** *124/1406*  
**Peer Review Permit No.** *3/2910/1119*  
**Circulation** *1500*

**Website** <http://JWS.alzahra.ac.ir/>

**Address** *Vanak St., Vanak Sq., Tehrān, Irān*  
**Postcode** *1993891176*  
**Telephone** *+98 (21) 8805 8926*  
**Fax** *+98 (21) 8804 9809*  
**E-mail** *women\_rc@alzahra.ac.ir*